

مجله کانون

حقوقی (تحلیلی، پژوهشی، خبری)

سال ۴۵، دوره دوم، شماره ۳۲

نشانی دفتر مجله:	صاحب امتیاز:
تهران، خیابان استاد مطهری،	کانون سردفتران و دفتریاران
مقابل خیابان سنایی، پلاک ۲۸۳	مدیر مسئول:
صندوق پستی: ۱۴۳۳۵/۱۱۵۱	عباس سعیدی
تلفن و دورنگار: ۸۷۲۸۷۵۵	با همکاری هیأت تحریریه
تلفن همراه: ۰۹۱۱۲۲۰۹۶۹۷	سردبیر: محمد علی اختری
حروفچینی و صفحه‌آرایی:	همکاران این شماره:
لطیفی	محمد رضا علیزاده، محمد شیخ رئیس، محمد
لیتوگرافی: طیف نگار	علی یادگاری، محمد علی اختری، مهرداد رایجیان
چاپ: طیف نگار	اصلی، عباس مستهای، احمد علی سیروس،
تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه	سید جلیل محمدی، محمود محمدزاده
بها: ۶۰۰ تومان	

انتشار «مجله کانون» تلاشی برای دستیابی به اهداف زیر است:

- بالا بردن سطح دانش و آگاهیهای سردفتران و دفتریاران
- اجرای دستور ماده ۲۹ قانون دفاتر اسناد رسمی
- ایجاد رویه واحد در طرز اعمال قوانین از طریق درج نظریه‌های حقوقی و قضایی
- نقد علمی و تحقیقی در مسائل حقوقی و قضایی
- بحث در قوانین خارجی و شرح و تطبیق آنها
- درج عقاید علمای حقوق و رویه قضایی کشورها
- نشر برخی از قوانین و مقررات رسمی و آرای دادگاهها
- انتشار سخنرانیها و مصاحبه‌های علمی و حقوقی
- رفع مشکلات شغلی و حرفه‌ای سردفتران و دفتریاران
- مجله از پس فرستادن مقالات ارسالی معذور است.
- مجله در تلخیص و ویرایش مطالب ارسالی آزاد است.
- مقالات مجله صرفاً بیانگر آراء و نظریات نویسندگان است.
- نقل مندرجات مجله با ذکر مأخذ آزاد است.

فهرست مندرجات

صفحه	عنوان
۷	سخن امروز و دو صد افسوس
۱۱	برای تیمن
	از نهج البلاغه؛ ترجمه دکتر سیدجعفر شهیدی
	مروری بر نحوه رسیدگی به اختلافات و اشتباهات ثبت اسناد و
۱۷	املاک در سازمان ثبت
	محمد علی یادگاری
۲۵	کار عام المنفعه تجربه فرانسه در زمینه یکی از تدابیر جایگزین زندان
	مهرداد رایجیان اصلی
۴۳	حقوق و اخلاق
	عباس منتهایی
۵۳	نقش ایرانیان مسلمان در فقه اسلامی
	محمد علی اختری
۶۳	اجرای احکام داوری تجاری بین المللی
	محمود محمدزاده

- فرهنگ اصطلاحات حقوقی - ثبتی ۸۵
سید جلیل محمدی
- نقدی بر مقاله اجرای مقررات نظام وظیفه در دفاتر اسناد رسمی ۹۵
احمد علی سیروس
- آراء، اخبار، نامه‌ها و..... ۱۰۱
- مراسم تجلیل و تقدیر از کمیسیونهای همکار کانون ۱۰۳
- چکیده سخنرانی رئیس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور ۱۰۵
- چکیده سخنرانی رئیس هیأت مدیره کانون سردفتران ۱۱۰

سخن امروز و دو صد افسوس

مطلع شدیم که چند روز پیش چند جوان مسلح به سلاح سرد با هجوم به یکی از دفاتر اسناد رسمی تهران ضمن ایجاد رعب و وحشت و ایراد ضرب و جرح جدی نسبت به سردفتر مربوطه، مبالغی را به سرقت برده‌اند که خلاصه ماقع را از زبان سردفتر مجروح جهت اطلاع تمامی همکاران ثبتی، دفاتر اسناد رسمی و ازدواج و طلاق، نیروهای انتظامی و تمامی مسئولین ذیربط به شکل زیر درج می‌کنیم:

در ساعت ۲/۴۵ بعد از ظهر روز شنبه ۸۰/۳/۱۱ چهار نفر جوان مسلح به سلاح سرد به بهانه امر اداری و در زمان تعطیلی دفتر اسناد رسمی، به آن وارد و بلافاصله با آشکار کردن سلاحهای خود مطالبه پرداخت تمامی وجوه نقد موجود در دفتر و به تبع آن محل گاو صندوق را می‌نمایند. چون اساساً نه وجه نقدی در دفتر موجود بوده و نه گاو صندوقی برای نگهداری آن، کارمندان و سردفتر مربوطه از اجابت خواسته آنها ناتوان بوده، که مهاجمین نه تنها این موضوع را نپذیرفته‌اند، بلکه شخصاً به جستجو می‌پردازند و چون همچنان دست خود را خالی می‌یابند اقدام به اعمال فشار روحی و جسمی و ضرب و شتم یکی از کارمندان می‌نمایند!

در این حال آقای سردفتر برای دفاع از حرمت محیط دفتر و کارمندان مظلوم و مضروب خود و قطع نزاع زبان به اعتراض می‌گشاید، که یکی از مهاجمین با سلاح خود به

طرف وی هجوم برده، وی را از ناحیه دو دست بشدت مجروح می‌نماید. در این موقع ملاحظه خون شدید ناشی از جرح دستهای آقای سردفتر مجروح و عدم توفیق دو نفر مهاجم دیگری که در حال جستجو و به هم ریختن دفتر برای یافتن خواسته خود بودند، موجب می‌شود تا به همان مقدار پول نقدی که از لباسها و وسایل شخصی کارمندان به دست آمده بود، بسنده کرده، صحنه را ترک نمایند. با خروج مهاجمین صحنه نزع آرامتر شده، کارمندان ضمن تماس با تلفن ۱۱۰ از ایشان استمداد می‌نمایند و ظاهراً مأمورین مربوطه پس از ۳۰ دقیقه در محل حاضر شده، از ماوقع گزارشی تهیه و بعد از آن آقای سردفتر مجروح را جهت مداوا به بیمارستان منتقل می‌نمایند. سردفتر مجروح در بیمارستان از ناحیه دو دست مورد عمل جراحی قرار گرفته و ۲۴ ساعت بعد ترخیص می‌گردد و اجباراً در محل دفتر حاضر و ضمن دلجویی و قدرشناسی از کارمندان هتک حرمت شده خود به انجام وظیفه اداری به همان شکل ترخیص شده می‌پردازد.

صرف نظر از خسارات جانی و مالی وارده به مسؤولین دفتر، آشفتگی روانی و تحمل ضربات روحی وارده به آقای سردفتر مجروح، در جلسه‌ای که ایشان برای انعکاس مراتب شخصاً در دفتر مجله حاضر شده بودند، تصدیقاً قابل انعکاس نمی‌باشد و بر خوانندگان و تمامی مسؤولین ثبتی و غیر ثبتی است که خود از این مجمل حدیث مفصل بخوانند.

* * *

و اما بعد،

شاید وقوع چنین اتفاقاتی هر چند به کرات و شاید شدیدتر از آنچه منعکس شد در اماکن دیگر (نظیر مغازه‌ها، فروشگاه‌ها، رستوران‌های داخل شهری و بین راهی و قهوه خانه‌ها)، امری نه چندان دغدغه آفرین تا این حد بنماید، اما حَقّاً آیا وقوع چنین اتفاقی و تکرار آن و نیز آنچه را که در یکی دو دفتر اسناد رسمی دیگر در سطح کشور اتفاق افتاده است، می‌توان بدون تأمل و تدبیر لازم برای فراهم کردن تمهیداتی از جانب

مسئولین ثبتی و انتظامی به منظور جلوگیری از وقوع مجدد آنها به سادگی از پیش رو گذراند؟! - آیا اساساً وظیفه و کار پر مخاطره و پر مسؤولیتی را که به عهده دفاتر اسناد رسمی گذاشته شده است، می توان با هر شغل دیگری در کل نظام مقدس مقایسه نمود که علاوه بر انجام امور شغلی - اداری، تأمین صد در صد امنیت محل دفتر را بدون ضرورت اتخاذ روشهای مطمئن و سالم امنیتی از جانب مسئولین مملکتی از سر دفتر هر دفتر توقع و انتظار داشت؟!

- چگونه است که در یکی دو سال اخیر شاهد وقوع چنین اتفاقاتی در نقاط دیگر می شویم ولی تمهیداتی برای مبارزه با آنها نمی اندیشیم؟! - آیا بر مسئولین مملکتی فرض نیست که به حمایت از این رکن فعال و مسؤولیت پذیر و ید لایتنجا و اساسی سازمان ثبت اسناد و املاک - که امروزه هر شهروندی از گستره حوزه مسؤولیت آن اطلاع دارد - برخاسته، زمینه های تکرار چنین اتفاقاتی را در سطح کلان مملکتی (به طور عام) و در دفاتر اسناد رسمی (به طور خاص) معدوم نمایند؟!

در پایان ضمن همدردی و ابراز تأسف عمیق نسبت به این حادثه، توصیه می نماید در حد خود برای جلوگیری از ابتلا به چنین مواردی:

۱ - همکاران، محل دفتر خود را قویاً به سیستم اعلام خطر در محلی خارج از دفتر با افزایش حوزه استحفاظی آن مجهز نمایند.

۲ - به مسئولین ثبتی پیشنهاد می نماید با هماهنگی نیروهای انتظامی مناطق، تدابیری را بیندیشند تا ضمن برچیدن زمینه های تکرار این قبیل اعمال در دفاتر اسناد رسمی، نیروهای انتظامی نیز سریعتر از آنچه در این حادثه غیر قابل جبران در صحنه حاضر شدند، حاضر شوند.

۳ - نیروهای انتظامی نیز با به کارگیری روشهای جرم شناسی از جمله چهره نگاری و انگشت نگاری از مهاجمین و صحنه وقوع جرم، موضوع را به طور جدی پی گیری کرده،

با شناسایی و دستگیری، آنها را جهت کیفر جدی تحویل مقامات صالحه نمایند.

۴- کانون سردفتران و دفتریاران با بررسیهای لازم و عاجل جهت خرید و تجهیز دفاتر اسناد رسمی به سیستمهای هشدار دهنده صوتی و تصویری به صورت بلاعوض از وقوع اتفاقات مشابه دیگر جلوگیری نماید.

۵- قوه قضاییه و به تبع آن وزارت دادگستری و محاکم صالحه حرمتی را که برای تشکیلات قضایی خود قائل هستند - که حقاً هم چنین باید باشد - برای دفاتر اسناد رسمی هم قائل بوده، ضمن فراهم کردن راهکارهای مؤثر، با چنین اشخاصی برخوردی قاطع و سریع و غیر قابل اغماض نموده، مراتب را در جراید و مطبوعات کثیرالانتشار به طریق مقتضی منعکس نمایند تا ضمن تأدیب چنین افرادی، افراد دیگری هم که مستعد اعمال مشابه در سطح کشور می باشند، حساب کار خود را کرده از عواقب آن مطلع باشند تا به سادگی نتوانند تصور هتک حرمت تشکیلات مهمی مثل دفاتر اسناد رسمی را در ذهن پیورانند.

باشد که اگر نخستین نبود، آخرین باشد. والسلام

برای تیمن

از: نهج البلاغه؛ ترجمه دکتر سید جعفر شهیدی

هر چیز برابر او فرو افتاده و خوار است، و همه بدو ایستاده و برقرار. بی نیازی هر تهی دست است، و عزت هر خوار. نیروی هر ناتوان، و پناه هر اندوهبار. هر که سخن گوید، سخن او شنود؛ و هر که خاموش باشد نهان او داند. هر که زنده باشد، روزی اش با اوست، و هر که بمیرد، بازگشتش بدوست.

دیده‌ها تو را ندیده است تا از تو خبر دهد، که تو پیش از هر آفریده‌ای که خواهد وصف تو را سر دهد. بیم تنهایی نداشتی تا خلق را بیافرینی، و آنان را نیافریدی تا از ایشان سودی بینی. آن را که بجویی از تو پیش نیفتد؛ و آن را که بگیری از دستت نرهد؛ و آن که فرمان تو نبرد از قدرتت نکاهد؛ و آن که تو را مطیع باشد، بر ملک تو نیفزاید. امر تو را باز نگرداند. آن که بر قضای تو خشم گیرد، و بی نیاز از تو نبود، آن که فرمانت نپذیرد. هر رازی نزد تو آشکار است. و هر نهانی نزد تو پدیدار. تو همیشه‌ای و بی پایان، تو پایان هر چیزی، و گریز از تو نتوان. وعده گاه محضر توست، و رهایی از تو جز به تو نیست، و در دست قدرت تو زمام هر جنبنده‌ای است، و به سوی تو بازگشت هر آفریده‌ای است.

پاک خدایا! چه بزرگ است آن چه می بینیم از خلقت تو؛ و چه خرد است، بزرگی آن در کنار قدرت تو؛ و چه با عظمت است آنچه می بینیم از ملکوت تو، و چه ناچیز است برابر آنچه بر ما نهان است از سلطنت تو، و چه فراگیر است نعمت تو در این جهان؛ و چه اندک است در کنار نعمتهای آن جهان.

از این خطبه است:

از فرشتگانی که در آسمانهایت جایشان دادی، و از زمین خود بر ترشان بردی. آنان از دیگر آفریدگانت تو را بهتر شناسند، و از عقاب تو بیشتر می‌هراسند، و به تو نزدیکترند - لاجرم پیوسته در حمد و سپاسند - نه در پشتهای پدران بوده‌اند، نه درون زهدانهای مادران؛ نه از نطفه ناچیز آفریده‌اند، و نه پراکنده گردش زمان. آنان با مرتبتی که از آن برخوردارند، و منزلتی که نزد تو دارند، و یکدله تو را دوست دارند، و تو را فراوان طاعت می‌گزارند، و اندک غفلتی در فرمان تو نیارند؛ اگر آنچه بر آنان پوشیده است چنانکه باید دانند، کارهای خود را خرد بینند، و بر خویشان خرده گیرند، و بدانند که تو را نپرستیدند، چنانکه باید، و طاعت نگزارند آنسان که شاید. ستودن تو راست که آفریننده و معبودی، بندگان را نیک آزمودی.

خانه‌ای آفریدی و خوانی گستردی؛ نوشیدنی، و خوردنی، و جفته‌ها، و خدمتکاران در آن فراهم آوردی؛ و کاخها و نه‌رهای روان، و کشتزارها و میوه‌های فراوان. سپس دعوت کننده - پیامبران - فرستادی تا بندگان را بدان خانه بخواند؛ - خانه‌ای که به آسایش در آن بماند - نه دعوت کننده را پاسخ گفتند، و نه آنچه را ترغیب کردی پذیرفتند، و نه بدانچه تشویقشان کردی آرزومند شدند. مرداری را پذیره گردیدند، و به خوردن آن رسوایی به خود خریدند، و در دوستی آن با هم به سازش گراییدند؛ و هر که عاشق چیزی شود، دیده‌اش را کور سازد و دلش را رنجور سازد. پس به دیده بیمار بنگرد و به گوش بیمار بشنود. خواهشهای جسمانی پرده خردش را دریده، دوستی دنیا دلش را میرانیده، جان او شیفته دنیاست و او بنده آن است، و به سوی هر که چیزی از دنیا در دست دارد، نگران است. هر جا که دنیا برگردد، در پی آن رود، و هر جا روی آرد، روی بدانجا کند. نه به گفته بازدارنده از سوی خدا خود را بازدارد، و نه پند آن کس را که از سوی او پند دهد در گوش آرد؛ حالی که فریفتگان دنیا را می‌بیند که دستگیرند و در چنگال مرگ اسیر. نه جای درگذشت از خطا، و نه راه بازگشت به دنیا، چگونه بر آنان فرود آمد آنچه نمی‌دانستند، و چگونه فراق دنیا را دیدند و از آن ایمن نشستند. و به آخرت درآمدند، و از آنچه بیمشان می‌دادند

نترسند. آنچه به آنان فرود آمد وصف ناشدنی است: از فراهم آمدن سختیِ مردن، و بر دنیای از دست شده دریغ خوردن، اندامها از آن سختی سست، و از اختیار برون؛ و رنگه‌اشان از بیم مرگ، دگرگون.

پس مرگ بیشتر به درون تن شان روی آرد، تا آنکه به سخن گفتنشان نگذارد؛ و او میان کسانش - خاموش - به چشمش می‌بیند و به گوشش می‌شنود، با عقلِ درست و خردِ برجا می‌اندیشد که عمرش را در چه تباه کرده، و روزگارش را در چه کار به سر آورده. به یاد مالهایی افتد که فراهم کرد، و ننگریست که از حلال و یا از حرام به دست آورد. از هر جای گرفت که توانست، و حلال آن را از شبهه ناک ندانست. و بال گرد کردن آن مالش در گردن، و هنگام جدایی و ترک آن کردن؛ مانده برای وارثان تا خوش زیند و بهره گیرند از آن. برای جز او گوارا و نوش؛ و او را سنگینی بار گرد آوردن بردوش. خود سخت در گرو آن مانده - و دیگری بدان کام دل رانده؛ دستِ پشیمانی می‌خاید از آنچه به هنگام مرگ بدو رخ نماید، و آن را که در زندگانی خواستار بود، اکنون ناخواهان؛ و کمتر آن را که حسرتش می‌خورد، و رشک آن می‌برد آرزوکنان. پس مرگ پیوسته در تن او پیش راند، تا زبانش چون گوش از کار بازماند. پس میان کسان خود خاموش بیفتد، نه زبانش سخنی گوید، نه گوشش چیزی شنود. نگاه خود را از چهره این به رخ آن می‌افکند. گردش زبانشان را می‌بیند، اما نمی‌شنود که سخن آنان چیست، و درباره کیست. سپس، مرگ بیشتر بدو روی آرد و چشم او را چون گوشش از کار بازدارد، و جان از تنش برون رود، و مرداری میان کسان خود شود. آنان در کنارش ترسان، و از نزدیک شدن بدو گریزان. نه بانوحه گری هم‌آواز، و نه با کسی که او را خواند دمساز.

سپس او را به نقطه‌ای از زمین برند و در سپارند؛ و با کرده‌اش واگذارند، و دیده از دیدار او بردارند؛ تا آنکه موعِد نهاده سررسد، و قضای الهی در رسد. و آخرِ آفریدگان به آغاز آن پیوندد - و مرگ تومار همه را بریندد - و اراده خدا خواهد که خلق را نوگرداند - و برای کیفر و پاداش برانگیزاند - آسمان را بشکافد و بخماند، و زمین را بجنبانند و سخت بلرزاند. کوهها را از بُن برکند، چنانکه از هیبتِ جلال، و بیمِ سطوتِ او برخی به برخی زند؛ و آنچه در زمین

است برون آرد، و از پس کهنگی تازه‌شان گرداند؛ و پس از پراکندگی فراهمشان کند؛ و برای آنچه خواهد از هم جداشان دارد. از کردارهای پنهان و کارهای کرده در نهان؛ و آنان را دو گروه سازد: بر گروهی نعمت بخشیده؛ و گروه دیگر را در عتاب کشیده. اما طاعت پیشگان؛ پاداش آنان را جوار خود ارزانی دارد و در خانه خویش جاودانی. جایی که فرودآمدگان از آن رخت نبندند، و دگرگون حال نگردند. نه بیم آنان را فراگیرد و نه بیماری بدنها روی آورد. نه خطری شان پیش آید و نه سفری شان از جای برکند. اما نافرمانان، آنان را در بدترین جای فرود آرد. و دستهایشان را با غل در گردن درآرد. و پیشانیهایشان را تا به قدمها فرو دارد؛ و بر آنان بیوشاند جامه قطران و پاره آتشهای سوزان. در عذابی که سخت در گداز است؛ و خانه‌ای در آن به روی ساکنانش فراز. در آتشی زبانه زن و غرنده، با زبانه‌ای سوزان و آوایی ترساننده. باشنده آن رخت نتواند بست، و اسیر آن با سربها نتواند رست؛ و قیدهای آن را نتوان شکست. نه - ماندن - را مدتی است که سر رسد، و نه مردم را آجلی تا در رسد.

امام علی بن ابیطالب علیه السلام:

النَّاسُ مِنْ خَوْفِ الذُّلِّ مُتَعَجِّلُوا الذُّلَّ

مردم از ترس خواری به سوی خواری می شتابند.

مروری بر نحوه رسیدگی به اختلافات و اشتباهات ثبت اسناد و املاک در سازمان ثبت*

محمد علی یادگاری**

*. متنی که در پی می آید «بخش نخست» مقاله ای است با همین عنوان که بدلیل اشتباه اجرایی، بخش دوم آن در شماره ۳۰ به چاپ رسید. ضمن پوزش، بدین وسیله تصحیح می نماید.
**. مدیر کل امور اسناد سازمان ثبت اسناد و املاک کشور.

در قانون ثبت در حال حاضر که بیش از نیم قرن از تاریخ تصویب و اجرای آن سپری شده و در طول تاریخ در مواردی بعضاً مورد اصلاح و یا موادی به آن الحاق گردیده است، برای رفع مشکلات و معضلات پیش آمده و رسیدگی به آن، هیأت‌هایی پیش بینی شده است. یکی از این هیأت‌ها که از تاریخ تصویب قانون ملحوظ و در سالهای ۱۳۱۷ و در سال ۱۳۵۱ اصلاح گردیده و دارای اهمیت و اختیارات وسیعی است «هیأت نظارت» می‌باشد.

مطابق ماده ۶ اصلاحی قانون ثبت^۱ که مقرر می‌دارد: «برای رسیدگی به کلیه اختلافات و اشتباهات مربوط به امور ثبت اسناد و املاک در مقرر دادگاه استان هیأتی به نام هیأت نظارت مرکب از رئیس ثبت استان یا قائم مقام او و دو نفر از قضات دادگاه استان به انتخاب وزیر دادگستری تشکیل می‌شود. هیأت مزبور به کلیه اختلافات و اشتباهات مربوط به امور ثبتی در حوزه قضایی استان رسیدگی می‌نماید.

۱. ماده ۶ (اصلاحی ۱۳۵۱/۱۰/۱۸) برای رسیدگی به کلیه اختلافات و اشتباهات مربوط به امور ثبت اسناد و املاک در مقرر دادگاه استان هیأتی به نام هیأت نظارت مرکب از رئیس ثبت استان یا قائم مقام او و دو نفر از قضات دادگاه استان به انتخاب وزیر دادگستری تشکیل می‌شود. هیأت مزبور به کلیه اختلافات و اشتباهات مربوط به امور ثبتی در حوزه قضایی استان رسیدگی می‌نماید. برای این هیأت یک عضو علی‌البدل از قضات دادگستری یا کارمندان ثبت مرکز استان از طرف وزیر دادگستری تعیین خواهد شد.

برای این هیأت یک عضو علی البدل از قضات دادگستری یا کارمندان ثبت مرکز استان از طرف وزیر دادگستری تعیین خواهد شد.»

ماده ۶ اصلاحی دارای چند ویژگی است:

الف - ترکیب اعضاء هیأت نظارت که با توجه به نمودار تشکیلاتی فعلی سازمان ثبت به جای رئیس ثبت استان، مدیر کل ثبت استان یا قائم مقام (معاون) وی که بستگی به شخص ندارد و دو نفر قضات دادگاه تجدید نظر استان با توجه به تشکیلات فعلی دادگستری است و عضو علی البدل که از قضات یا کارمندان ثبت مرکز استان به انتخاب وزیر دادگستری که در حال حاضر با توجه قانون اساسی جمهوری اسلامی اختیارات وزیر دادگستری زمان تصویب قانون فوق به رئیس قوه قضاییه محول شده است، می باشد. پس تعیین عضو علی البدل در صورتی که قاضی هم نباشد نیز با رئیس قوه قضاییه است. ویژگی دیگر هیأت، صلاحیت محلی آن است که فقط به اختلافات و اشتباهات حوزه های ثبتی استان مربوطه صلاحیت رسیدگی دارد و به موارد خارج از محدوده استان فاقد صلاحیت رسیدگی می باشد.

مورد دیگر، اختیارات هیأت نظارت است که دارای اهمیت ویژه ای می باشد. احصا گردیده و برای پرهیز از تطویل کلام از ذکر آن خودداری می شود و مورد دیگر وظایف و اختیارات هیأت نظارت یکی در ماده ۲۵ اصلاحی^۱ که در هشت بند با توجه به

۱. ماده ۲۵ (اصلاحی ۱۳۵۱/۱۰/۱۸) حدود صلاحیت و وظایف هیأت نظارت بدین قرار است:
(۱) هرگاه در اجرای مقررات ماده یازده از جهت پذیرفتن تقاضای ثبت اختلافی بین اشخاص و اداره ثبت واقع شود و یا اشتباهی تولید گردد و یا در تصرف اشخاص تراحم و تعارض باشد، رفع اختلاف و تعیین تکلیف و یا ابطال و یا اصلاح درخواست ثبت با هیأت نظارت است.
(۲) هرگاه هیأت نظارت تشخیص دهد که در جریان مقدماتی ثبت املاک اشتباه مؤثر واقع شده و آن اشتباه و همچنین عملیات بعدی که اشتباه مزبور در آن مؤثر بوده، ابطال و جریان ثبت طبق مقررات تجدید یا تکمیل یا اصلاح می گردد.

قسمت اخیر تبصره الحاقی^۱ به ماده ۲۰ قانون ثبت در خصوص اعتراضاتی که بعد

۳) هرگاه در موقع ثبت ملک و یا ثبت انتقالات بعدی صرفاً به علت عدم توجه و دقت نویسنده سند مالکیت و یا دفتر املاک اشتباه قلمی رخ دهد و همچنین در صورتی که ثبت دفتر املاک مخالف یا مغایر سند رسمی با حکم نهایی دادگاه باشد، هیأت نظارت پس از رسیدگی و احراز وقوع اشتباه دستور اصلاح ثبت دفتر املاک و سند مالکیت را صادر خواهد کرد.

۴) اشتباهاتی که قبل از ثبت ملک در جریان عملیات مقدماتی ثبت پیش آمده و موقع ثبت ملک در دفتر املاک مورد توجه قرار نگرفته، بعداً اداره ثبت به آن متوجه گردد، در هیأت نظارت مطرح می شود و در صورتی که پس از رسیدگی وقوع اشتباه محرز و مسلم تشخیص گردد و اصلاح اشتباه به حق کسی خلل نرساند، هیأت نظارت دستور رفع اشتباه و اصلاح آن را صادر می نماید و در صورتی که اصلاح مزبور خللی به حق کسی برساند به شخص ذی نفع اخطار می کند که می تواند به دادگاه مراجعه نماید و اداره ثبت دستور رفع اشتباه یا اصلاح آن را پس از تعیین تکلیف نهایی در دادگاه صادر خواهد نمود.

۵) رسیدگی به تعارض در اسناد مالکیت کلاً یا بعضاً خواه نسبت به اصل ملک خواه نسبت به حدود و حقوق ارتفاقی آن با هیأت نظارت است.

۶) رسیدگی و رفع اشتباهی که در عملیات تفکیکی رخ دهد و منتج به انتقال رسمی یا ثبت دفتر املاک شود با هیأت نظارت است، مشروط بر این که رفع اشتباه مزبور خللی به حق کسی نرساند.

۷) هرگاه در طرز تنظیم اسناد و تطبیق مفاد آنها با قوانین اشکال یا اشتباهی پیش آید، رفع اشکال و اشتباه و صدور دستور لازم با هیأت نظارت خواهد بود.

۸) رسیدگی به اعتراضات اشخاص نسبت به نظریه رئیس ثبت در مورد تخلفات و اشتباهات اجرایی با هیأت نظارت است.

تبصره ۱: در مواردی که بر حسب تشخیص هیأت نظارت مقرر شود که آگهیهای نوبتی تجدید گردد ظرف سی روز از تاریخ انتشار آگهی مجدد که فقط یک نوبت خواهد بود، معترضین حق اعتراض خواهند داشت.

تبصره ۲: در صورتی که اشتباه از طرف درخواست کننده ثبت باشد هزینه تجدید عملیات مقدماتی ثبت به طریقی که در آیین نامه تعیین خواهد شد به عهده درخواست کننده خواهد بود.

تبصره ۳: رسیدگی هیأت نظارت در موارد مذکور در بندهای یک و دو این ماده تا وقتی است که ملک در دفتر املاک به ثبت نرسیده باشد.

تبصره ۴: آرای هیأت نظارت فقط در مورد بندهای یک و پنج و هفت این ماده بر اثر شکایت^۲

از تصویب تبصره مذکور (۱۳۵۶/۲/۲۰) به عمل می‌آید. در صورتی که اعتراض به حدود از طرف غیر مجاور به عمل آید یا معترض مجاور با حدود تعیین شده در صورت مجلس تحدید حدود، سند مالکیت بگیرد یا به موجب سند رسمی از اعتراض خود (چه اعتراض بر ثبت یا به حدود یا حقوق ارتفاقی) یا بدون قید شرط صرف نظر کند واحد ثبتی مربوطه

ذی نفع قابل تجدید نظر در شورای عالی ثبت خواهد بود، ولی مدیر کل ثبت به منظور ایجاد وحدت رویه در مواردی که آرای هیأت‌های نظارت متناقض و یا خلاف قانون صادر شده باشد موضوع را برای رسیدگی و اعلام نظر به شورای عالی ثبت ارجاع می‌نماید و در صورتی که رأی هیأت نظارت به موقع اجرا گذارده نشده باشد، طبق نظر شورای عالی ثبت به موقع اجرا گذارده می‌شود.

در مورد ایجاد وحدت رویه نظر، شورای عالی ثبت برای هیأت‌های نظارت لازم‌الاتباع خواهد بود. تبصره ۵: در مورد بندهای یک و پنج و هفت رأی هیأت نظارت برای اطلاع ذی نفع به مدت بیست روز در تابلوی اعلانات ثبت محل الصاق و سپس به موقع اجرا گذاشته می‌شود. وصول شکایت از ناحیه ذی نفع چنانچه قبل از اجرای رأی باشد، اجرای رأی را موقوف می‌نماید و رسیدگی و تعیین تکلیف با شورای عالی ثبت خواهد بود. هرگاه شورای عالی ثبت در تجدید رسیدگی، رأی هیأت نظارت را تأیید نماید، عملیات اجرایی تعقیب می‌گردد.

۱. تبصره (الحاقی ۱۳۵۶/۲/۲۰) در دعاوی اعتراض به حدود ملک مورد تقاضای ثبت واقع در محدوده قانونی شهرها که تا تاریخ تصویب این قانون مطرح شده است، هرگاه اعتراض از طرف غیر مجاور به عمل آمده باشد و همچنین در صورت استرداد دعوی به موجب سند رسمی یا اخذ سند مالکیت از طرف معترض با حدودی که در صورت مجلس تحدید حدود تعیین شده است، دادگاه در جلسه اداری فوق العاده رسیدگی، حسب مورد قرار رد یا سقوط دعوی را صادر خواهد کرد و این قرار فقط قابل رسیدگی پژوهشی است.

نسبت به اعتراضاتی که بعد از تصویب این قانون به عمل می‌آید در صورتی که اعتراض از طرف غیر مجاور به عمل آید یا معترض مجاور با حدود تعیین شده در صورت مجلس تحدید حدود سند مالکیت بگیرد یا به موجب سند رسمی از اعتراض خود بدون قید و شرط صرف نظر کند، واحد ثبتی مربوط نظر خود را در بی اثر بودن اعتراض به معترض ابلاغ می‌نماید. معترض می‌تواند ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ نظر مزبور به هیأت نظارت شکایت نماید. رأی نظارت قطعی است. در صورتی که اقامتگاه معترض معلوم نباشد نظر واحد ثبتی یک نوبت در روزنامه‌ای که برای آگهی‌های ثبتی تعیین شده منتشر می‌گردد و معترض می‌تواند ظرف ده روز از تاریخ انتشار آگهی به هیأت نظارت شکایت نماید.

(منظور مسئول اداره ثبت مربوطه) نظر خود را مبنی بر بی اثر بودن اعتراض به معترض ابلاغ می نماید.

معترض می تواند از تاریخ ابلاغ ظرف مدت ده روز به این نظر به هیأت نظارت شکایت نماید رأی هیأت نظارت در این خصوص قطعی است.

آرای هیأت های نظارت با توجه به تبصره ۴ ماده اصلاحی ۲۵ قانون ثبت در بندهای ۱، ۵ و ۷ غیر قطعی و در بندهای ۲، ۳، ۴، ۶ و ۸ قطعی است و مطابق تبصره ۵ ماده مذکور آرای غیر قطعی باید در تابلو اعلانات ثبت محل الصاق گردد و تاریخ الصاق نیز در تابلو درج می گردد و از تاریخ الصاق ظرف مدت بیست روز قابل تجدید نظر در شورای عالی ثبت در صورت اعتراض ذی نفع می باشد.

امام علی بن ابیطالب علیه السلام:

شَرَطُ الْمَصَاحِبَةِ قَلَّةُ الْمَخَالَفَةِ

شرط همنشینی، کمی مخالفت است.

کار عام المنفعه؛ تجربه فرانسه
در زمینه یکی از تدابیر جایگزین زندان*

نوشته ژان ماری پیکار
برگردان: مهرداد رایجیان اصلی**

*. Community service, the french experience , By Jean - Marie Picquart (Judge seconded by the Ecole Nationale de la Magistrature).

** . دانشجوی دکترای حقوق کیفری و جرم‌شناسی و عضو انجمن ایرانی حقوق جزا و جرم‌شناسی.

اشاره

مجازات زندان در گذشته، به عنوان یک ضمانت اجرای انسانی در برابر کیفرهای بدنی مطرح شد، ولی مطالعات و پژوهش‌های علمی دوران معاصر، کاستی‌ها و خطرهای مجازات سالب آزادی را نمایان ساخت و بتدریج، پیدایش یک جنبش فکری میانه رو را رقم زد که ابتدا در قالب بدبینی زیاد نسبت به مجازات زندان متجلی شد. جنبش تحدید قلمرو کیفر سالب آزادی، تفکرات را به سوی پیشنهاد راه حل‌های جایگزین زندان سوق داد و این اندیشه سپس مورد استقبال مراجع بین‌المللی، از جمله: جامعه بین‌المللی جرم‌شناسی، بنیاد بین‌المللی کیفری و زندانها و سازمان ملل متحد قرار گرفت. امروزه، تدابیر جایگزین زندان، طیف متنوعی از ضمانت اجراها را دربر می‌گیرد که بسیاری از پژوهشها بر مفید و مؤثر بودن آنها در کاهش تکرار جرم و اصلاح و بازسازی بزهکاران صحه گذارده‌اند. از میان این ضمانت اجراها، کار عام المنفعه، یکی از تدابیر جایگزین زندان به شمار می‌رود که به موجب آن، به بزهکار پیشنهاد می‌شود از طریق انجام کاری (رایگان) به نفع جامعه، به جای رفتن به زندان، در صدد جبران خطایی که مرتکب شده است برآید. به بیان دیگر، کار عام المنفعه، یکی از گزینه‌های محکومیت است که با تشخیص حالت خطرناک بزهکار و در قالب جبران خسارت و ترمیم نظم مختل شده جامعه توسط او - از طریق انجام یک کار رایگان برای جامعه - مورد حکم قرار می‌گیرد. نظام عدالت کیفری فرانسه، دارای مقررات پیشرفته‌ای در زمینه جایگزینهای مجازات

زندنان و از جمله، کار عام المنفعه است. آقای ژان ماری پیکار نیز در این مقاله به بررسی این تدبیر جایگزین حبس در نزدیک به دو دهه اخیر پرداخته است و با برگردان این مقاله چنین به نظر می‌رسد که نتایج پژوهش ایشان برای خوانندگان محترم - و شاید دست اندرکاران عدالت کیفری ایران نیز - مفید و جالب توجه باشد.

مترجم

کار عام المنفعه در فرانسه، برای نخستین بار به موجب یکی از قوانین مصوّب مجلس و به اتفاق آرای تمام احزاب سیاسی، در دهم ژوئن ۱۹۸۳ معرفی شد. بروز این رویداد در فرانسه بر حسب یک اتفاق نبود، بلکه عوامل زیر در آن نقش داشتند:

- ۱- موج فزاینده سریع جمعیت زندان؛
- ۲- ترکیب تجارب مختلف در فرانسه و سایر کشورها؛
- ۳- تغییر عقاید و تفکرات درباره پیشگیری از جرم؛

افزایش و رشد جمعیت زندان

در دهه‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۰، زندانهای فرانسه حدود ۳۰ هزار نفر گنجایش داشت. این فضا با توجه به شمار زندانیان و روند اعلام عفو پس از انتخابات ریاست جمهوری، کافی بود.

پس از سال ۱۹۷۵، جمعیت زندانها به سرعت رو به افزایش نهاد. برای بررسی این تورّم، دولت سوسیالیست که پس از انتخابات ۱۹۸۱ به قدرت رسیده بود، به طور پی در پی به اعلام و صدور فرمانهای عفو مبادرت ورزید، ولی پیامد تنزل جمعیت زندان،

ساختگی^۱ و زودگذر^۲ بود. شمار زندانیان در اوایل سال ۱۹۸۱ به سرعت رو به افزایش نهاد، به طوری که در ۱۹۸۹ به حدود ۴۹ هزار نفر رسید. (این رقم در ژانویه ۱۹۹۸ به ۵۳ هزار و ۸۴۵ نفر بالغ گردید).

از آن پس، اعلام فرمانهای سالیانه عفو از یک سو و سرمایه گذاری منابع در برنامه‌های احداث زندان از سوی دیگر، به یک ضرورت تبدیل شد. به این ترتیب، کار عام‌المنفعه در سال ۱۹۸۳، با آگاهی از اینکه منحنی جمعیت زندان بسرعت رو به افزایش است، وارد نظام حقوقی فرانسه شد.

ترکیب تجربه فرانسه و کشورهای خارجی

کار عام‌المنفعه ابتکار فرانسه نیست؛ کسانی که در سال ۱۹۸۳ به کارگیری این روش را مورد توجه قرار دادند، از «احکام خدمات عمومی»^۳ در حقوق آنگلو ساکسون (کامن لا) - بویژه کانادا - الهام پذیرفتند. آنها همچنین از تجربیاتی که در طول سالهای ۱۹۹۲ و ۱۹۹۳ در فرانسه صورت پذیرفته بود، استفاده کردند.^۴ من نیز در این تجربیات، افتخار حضور داشتم؛ تجربیاتی که به صورت طرحهای آزمایشی برای محک کار عام‌المنفعه، پیش از معرفی قانونی آن، طراحی و در نظر گرفته شده بود. من هنوز آن دوره شوق‌انگیز و پرجنب و جوش را به خاطر دارم که موظف بودیم بدون وجود هیچ چارچوب قانونی یا منابعی، ولی با انرژی بسیار و فکری باز، بر آموخته‌های خود بیفزاییم.

یکی از درسهایی که ما از این تجارب واقعی زندگی آموختیم این بود که کار عام‌المنفعه می‌تواند کاربرد کاملاً خوبی برای «بزهکاران نخستین»^۵ داشته باشد، و به این ترتیب از تماس آنها با محیط کیفری جلوگیری کند و به همان اندازه نسبت به

1. Artificial.

2. Temporary.

3. Community Service Orders.

۴. منظور، آقای ژان ماری پیکار - نویسنده مقاله - است.

۵. First offenders یا مرتکبان اولیه که در مقابل تکرار کنندگان جرم قرار می‌گیرند.

تکرار کنندگان جرم - که در بازداشت و حبس به سر می‌برند - نیز می‌تواند کاربرد داشته باشد (این مسأله در لایحه مقدماتی نیز در نظر گرفته شده بود).

تغییر عقاید و تفکرات درباره پیشگیری از جرم

کار عام المنفعه اغلب به عنوان یکی از مجازات‌هایی که در محدوده و قلمرو اجتماع^۱ اجرا می‌شود، توصیف می‌گردد. فرانسه، کار عام المنفعه را به عنوان یکی از سیاست‌های جدید پیشگیری از جرم - از جمله در خصوص مقام‌ها و مراجع محلی، بخش داوطلب، دستگاه‌های کیفری و دولت - معرفی کرده است.

در فرانسه یک «شورای سازمانی پیشگیری از جرم»^۲ وجود دارد که ریاست آن بر عهده اداره تعقیب عمومی (دادسرا)^۳ است. علاوه بر این، مراجع و مقام‌های محلی، به تشکیل شوراهای گروهی و مشترک^۴ ترغیب می‌شوند. بدیهی است، وظیفه گسترش حمایت از بزه دیدگان و طرح‌های خدمات عام المنفعه^۵ از اولویت‌های این مراجع بوده است. به این ترتیب، برای نخستین بار، آشکارا گفته شد که مبارزه با جرم، تنها، مسأله‌ای برای متخصصان دولتی (افسران پلیس، قضات، مجیستریتها،^۶ دادستانان،

1. Community.

2. Departmental council on crime prevention (CDPD).

3. The Public Prosecution Service (procureur de la Republique).

4. Communal councils.

5. Community service schemes.

6. Magistrates

آن دسته از پرونده‌های مدنی و کیفری که از شدت کمتری

برخوردارند (جرایم خرد) در دادگاه‌های مجیستریت رسیدگی می‌شوند. در این دادگاه‌ها هیأت منصفه وجود ندارد و معمولاً دو یا سه قاضی مجیستریت به پرونده رسیدگی می‌کنند. بیشتر آنها که به عنوان قاضی صلح شناخته می‌شوند، به طور نیمه وقت کار می‌کنند و مزدی دریافت نمی‌کنند. مجیستریتها هنگامی که به دعوایی رسیدگی می‌کنند، رأی می‌دهند و در صورت لزوم، تصمیم می‌گیرند که چه مجازاتی باید اعمال شود. آنها همچنین می‌توانند فرد را به قید ضمانت (کفالت) آزاد کنند. برای آگاهی بیشتر بنگرید به:

مأموران زندان و مددکاران اجتماعی^۱ نیست، بلکه به سیاستمداران منتخب، مقامها و مراجع محلی و بخش داوطلب نیز مربوط می‌شود.

الف. اسناد^۲ (اسناد قانونی)

در آغاز، گونه‌هایی از کار عام المنفعه، در نظام حقوقی فرانسه ایجاد شد. از سه مرحله رسیدگی‌های کیفری در فرانسه (پیش از محاکمه، در طول محاکمه و پس از آن)، کار عام المنفعه، تنها در دومین مرحله وجود دارد. کار عام المنفعه در این مرحله، یک مجازات معین در پایان یک محاکمه کیفری محسوب می‌شود. بنابر این کار عام المنفعه پیش از محاکمه وجود ندارد، هر چند برخی از صورتهای ساز و کار «بازسازی»^۳ - مانند میانجیگری یا میانجیگری - ترمیم^۴ - در مرحله تعقیب، به آن نزدیک‌اند. همچنین هیچ مقرراتی برای کار عام المنفعه پس از محاکمه - برای نمونه در ترکیب با برخی شکالهای آزادی در آزادی مشروط - وجود ندارد. فرانسه برخلاف آلمان یا زیمبابوه، مقرراتی برای کار عام المنفعه به عنوان جایگزینی برای جریمه‌ای که بزهکار قادر به پرداخت آن نیست، ندارد. از سوی دیگر، رویه‌ای وجود دارد که به موجب آن، قاضی اجرای مجازاتها از دادگاه، تبدیل یک دوره شش ماهه یا کمتر زندان را به یک محکومیت تعلیقی همراه با کار عام المنفعه^۵ درخواست می‌کند؛ به این ترتیب چهار ماه از حبس به

1. Social Workers.

2. Instruments.

3. Reparation.

4. Mediation - reparation

میانجیگری و ترمیم، در شمار یکی از معروف‌ترین

طبقه بندیهای تدابیر قضازدایی (Diversion) قرار دارند. قضازدایی عبارت است از جایگزین ساختن تدابیری به جای حبس (اعم از بازداشت و زندان) که از جدیدترین دستاوردهای سیاست فردی کردن مجازاتها به شمار می‌رود. در این مقاله، میانجیگری ترمیم، به عنوان تدابیری برای قضازدایی در مرحله تعقیب کیفری، از کار عام المنفعه - به عنوان تدبیری در مرحله صدور حکم - متمایز شده است.

5. A suspended sentence with community service

شرط اجرای کار عام المنفعه به مدت چهار ماه تعلیق می‌شود.

ب. اجرای کار عام المنفعه

کار عام المنفعه در بیشتر اوقات، به شکلهای گوناگون و در زمان صدور حکم به کار می‌رود. این تدبیر جایگزین زندان مدت زمانی بین ۴۰ تا ۲۴۰ ساعت کار رایگان را برای یک مرجع محلی، عمومی یا بنیاد خیریه شامل می‌شود که باید در یک دوره مشخص قانونی انجام شود (این دوره حداکثر ۱۸ ماه است، هر چند این موعده ممکن است به وسیله قاضی تجدید نظر در واکنش به مسائل خاصی - برای نمونه به دلیل سلامتی، اشتغال و... - معلق گردد). بزهارکار محکوم شده باید در جلسه رسیدگی حاضر شود و رضایت خود را ابراز داد. کار عام المنفعه را نمی‌توان نسبت به بزهارکاران غیر بزرگ سال (نابالغ)^۱ مورد حکم قرار داد. احکام خدمات عام المنفعه عمدتاً به دو گونه قانونی تقسیم می‌شوند:

کار عام المنفعه به عنوان محکومیت اصلی (شامل ۲۰۰ ساعت که باید در شش ماه انجام شود)؛ کار عام المنفعه در ترکیب با یک محکومیت تعلیقی (شامل سه ماه محکومیت تعلیقی زندان، به شرط انجام ۲۰۰ ساعت خدمات عمومی در مدت شش ماه) [ماده ۵۴-۱۳۲ قانون جزای فرانسه].

این مقررات به احکام تعلیق مراقبتی،^۲ خیلی نزدیک است و استفاده از آنها به

1. Non - adult offenders.

2. Probation: تعلیق مراقبتی، گونه متحولی از نظام تعلیق مجازات به شمار می‌رود که برخلاف تعلیق ساده، در آن، شرایط و تکالیف خاصی برای محکوم پیش بینی می‌شود و رفتار محکوم در دوران تعلیق، به وسیله مأمور تعلیق مراقبتی (Probation Officer) تحت مراقبت و نظارت قرار می‌گیرد و در نهایت، عدم رعایت شرایط و تکالیف مندرج در حکم، به لغو تعلیق مراقبتی منجر خواهد شد. نظام تعلیق مراقبتی، امروزه به گونه جدیدتری با عنوان تعلیق مراقبتی فشرده (Intensive Supervision Probation) تحول یافته است که به طبقات مختلفی از بزهارکاران - از جمله بزهارکاران مواد مخدر - روا داشته می‌شود.

هیچ شرطی بستگی ندارد.

اگر بزهکار در اجرای حکم از گونه نخست کوتاهی کند، نتیجه آن، تعقیب بعدی اوست. (ماده ۵۴-۱۳۲ از قانون جزا، دو سال حبس و ۲۰۰ هزار فرانک جریمه پیش بینی می کند، مشروط به اینکه دادسرا به تشکیل پرونده مبادرت کرده باشد) نقض دومین گونه کار عام المنفعه، از طریق لغو کلی یا جزئی تعلیق، قابل مجازات است. (صلاحیت آن بر عهده قاضی اجرای مجازاتها است) زمانی که کار عام المنفعه با موفقیت به اتمام می رسد، آثار آن - بویژه در مورد سوابق کیفری - بر حسب نوع خدمات عام المنفعه متفاوت است.

ج. انتشار اطلاعات

استفاده از خدمات عام المنفعه مستلزم تلاشهای گسترده ای به منظور انتشار اطلاعات از جهات مختلف است:

۱- سیاست ارتباطی کار عام المنفعه

ایجاد خدمات عام المنفعه بر این پیش فرض استوار است که افکار عمومی، مراجع محلی و داوطلب، علاوه بر سازمانهای اداری (اجرایی) مختلف، از وجود آن آگاه شوند. این مسأله از بیشترین اهمیت برخوردار است. شایان ذکر است که مراجع محلی و داوطلب در فرانسه، عموماً خدمات عام المنفعه را به صورتی مطلوب و با همدلی پذیرفته اند. بیشترین کمک از سوی رسانه های گروهی به این مجازات شده است: فیلم برداری و عکسبرداری از خدمات عمومی آسان است و همچنین نمایش نتایج آن - از جمله با تصویر و ارقام - ساده است.

برخی از شما ممکن است ماجرای آن مرد فرانسوی را که به دلیل داستانهایی جالبش و کارهایی که در حمایت از رستورانهای غذای رایگان برای فقیران انجام داد، مشهور شد، شنیده باشید. زمانی که او به کار عام المنفعه محکوم شد، رسانه های گروهی سرو صدای زیادی به راه انداختند و در نتیجه، موجب آگاهی عمومی از این طرح شدند.

بدون شک، کانتونا^۱ همان کار را در بریتانیا و سرتاسر جهان انجام داده است.

۲- اطلاعاتی برای دادگاهها

۲-۱- اطلاعات موثق درباره بزهکار

اثر خدمات عام المنفعه عمدتاً به توانایی بزهکار در انجام کار در چارچوب محدودیتهای تحمیلی به وسیله این نوع از مجازات - از جمله حضور و غیاب، توانایی کار گروهی، کیفیت کار، تحرک و... - بستگی دارد.

به منظور جلوگیری از کوتاهی در انجام دستور خدمات عمومی، دادگاه باید اطلاعات معتبری درباره شخصیت بزهکار داشته باشد. این اطلاعات ممکن است در جریان یک تحقیق اجتماعی^۲ که به وسیله یک مددکار اجتماعی یا مأمور تعلیق مراقبتی، پیش از رسیدگی انجام شده است به دست بیاید، چنانکه در بریتانیا و در برخی موارد در فرانسه معمول است. اطلاعات همچنین از طریق تحقیقاتی که پلیس انجام داده است نیز به دست می‌آید.

۲-۲- اطلاعات درباره اجرای حکم

در قلمرو نظام عدالت کیفری فرانسه، فقط دادرها اجرای کار عام المنفعه را درخواست می‌کنند و تنها دادگاهها چنین احکامی صادر می‌کنند. این در صورتی است که احساس کنند این احکام به درستی انجام خواهد شد و نقض آنها نیز با در پی داشتن ضمانت

۱. اشاره به ماجرای محکومیت اریک کانتونا - بازیکن سابق تیم فوتبال منچستر یونایتد انگلستان - به انجام کار عام المنفعه است. کانتونا در جریان یک مسابقه فوتبال در ورزشگاه اولدترافورد، در اثر فحاشی یکی از تماشاگران تیم مقابل به سوی او حمله‌ور شد و او را مصدوم و مجروح ساخت. پس از طرح محاکمه در دادگاه، کانتونا محکوم شد تا در ساعات فراغت خود، در یکی از پارکهای شهر منچستر، به کودکان یتیم آموزش فوتبال بدهد.م.

2. Social Enquiry.

اجراهای مناسب، کاملاً اطلاع داده خواهد شد.

د. مردم و نهادها

۱- قضات

وجود قضات ویژه نوجوانان و قضات تجدید نظر برای بزهکاران بزرگ سال، به معرفی خدمات عام المنفعه در فرانسه کمک زیادی کرد. این قضات، نه تنها در پذیراندن این طرح‌ها به مراجع محلی و بخش داوطلب فعال بوده‌اند، بلکه بر اجرای روزانه احکام نظارت داشته‌اند و در نتیجه، تداوم ارتباط دستگاه قضایی را تضمین کرده‌اند. این تضمین با توجه به اینکه خدمات عام المنفعه یک مجازات محروم کننده فرد از آزادی است، مهم و اساسی تلقی می‌شود.

۲- کارمندان خدمات اجتماعی وابسته به دادگاهها

در کنار قضات، مددکاران اجتماعی مسؤول و پاسخگو در قبال نوجوانان و مأموران تعلیق مراقبتی و کمیته‌های اصلاحی پس از آزادی نیز در ایجاد پستهای خدمات عام المنفعه^۱ و تضمین نظارت بر احکام آن، سهیمند و مهارت آموزشی آنها، یک مؤلفه اساسی در تضمین ورود بزهکاران به برنامه به شمار می‌رود.

۳- کارمندان نهادهای نظارتی خدمات عام المنفعه

تجارب نشان می‌دهد که در انتخاب نهادها و افرادی که محکومیت‌های خدمات عام المنفعه را اجرا می‌کنند، دقت بیشتری باید کرد. این نهادها می‌توانند مراجع محلی و داوطلب باشند (بنیادهای خیریه اجتماعی در فرانسه نقش بسیار مهمی در این مسأله

1. Community Service posts.

دارند؛ این بنیادها تجربه خوبی از کار برای بخشهای غیر انتفاعی جامعه دارند؛ بسیاری از بزهکاران در کار برای این بنیادهای خیریه، احساس همبستگی می‌کنند و پی می‌برند افرادی وجود دارند که از آنها ناتوان تر و کمتر علاقه‌مندند؛ به بیان دیگر آنها درمی‌یابند که تنها نیستند). آنها همچنین به اندیشه «کار برای هیچ»^۱ پی می‌برند و در نتیجه، ارتباط بسیار متفاوتی با پول خواهند داشت.

درگیر ساختن بزهکاران در یک تلاش گروهی - حتی در یک مفهوم محدود - خوب است، به شرط آنکه در چارچوبی واقع شود که قادر به نشان دادن ارزش و سودمندی کار و اهمیت آن در چارچوب اصول و قواعد کار (شامل حضور و غیاب،^۲ انجام صحیح و مناسب کار،^۳ معیارها و تدابیر امنیتی،^۴ سودمندی^۵ و کنترل نحوه عملکرد این قواعد و اصول و...) باشد.

در نهایت، آنچه اهمیت دارد این است که کسانی که برای این نهادها کار می‌کنند کاملاً از اهمیت نقش این نهادها و نیز از این واقعیت که خدمات عمومی یک ضمانت اجرای قانونی مشتمل بر یک سری تعهدات و الزامات است، آگاهی یابند. این ضمانت اجراها - بویژه زمانی که بزهکار از خود حسن نیت نشان نمی‌دهد یا در صورت بروز اتفاقی در جریان اجرای حکم - لازم است بسیار آشکار باشند.

ر. گرایشهای محکومیت در دادگاههای فرانسه

کار عام المنفعه از همان آغاز ورود به نظام حقوقی فرانسه، از سوی دادگاهها کاملاً مورد استقبال قرار گرفت. شمار احکام صادره خدمات عام المنفعه در دو ساله نخست، به ۱۰ هزار مورد رسید و پس از فرمان عفو عمومی ۱۹۸۸ با رشد سریعی که در دهمین سال آن

1. The idea of working for nothing.

2. Time keeping.

3. Doing the Job properly.

4. Safety measures.

5. The use fulness.

رخ داد، سرعت رو به افزایش نهاد.

خدمات عام‌المنفعه در عمل، برای سه دسته از بزهکاران به کار گرفته شده است:

- بزهکاران اتفاقی نخستین^۱ که جرمشان به نسبت، خطرناک و مهم بوده است؛
- بزهکاران سریالی^۲ که جرایم پایین تر از حد متوسط خطرناکی و سنگینی

مرتکب می‌شوند؛

□ مرتکبان جرایم رانندگی در دو طبقه پیشین.

بدیهی است خدمات عام‌المنفعه در فرانسه، بیشتر از سوی دادگاههای عالی به

کار گرفته می‌شوند تا تالی.

در سال ۱۹۸۴، پس از آشکار شدن قصد مجلس، دادگاهها شروع به، به کارگیری کار عام‌المنفعه به عنوان یک جایگزین غیر سالب آزادی^۳ کردند. آنها به هنگام ضرورت بازداشت و حبس، به صدور این احکام مبادرت می‌ورزیدند و زمانی که بزهکار از پذیرش کار عام‌المنفعه امتناع می‌کرد، وی را روانه زندان می‌ساختند.^۴ این ضمانت اجرای جایگزین، به تدریج از «کار عام‌المنفعه به عنوان یک جایگزین غیر سالب آزادی» به کار «عام‌المنفعه به عنوان مجازاتی که رأساً برای مقاصد دیگری به کار می‌رود»، دگرگون

اصطلاح بزهکاران اتفاقی، به طبقه بندی پیشگامان
 1. First accidental offenders: جرم‌شناسی تحقیقی در ایتالیا اشاره دارد. این دسته، یکی از گونه‌های بزهکاران، در طبقه بندی پنج گانه انریکوفری را تشکیل می‌دهند و چنانکه از عنوانشان پیداست، بر خلاف مجرمان مادرزاد یا اعتیادی، در شرایط و اوضاع و احوال خاصی، بر حسب اتفاق، مرتکب جرم می‌شوند و بنابر این مستوجب تدابیر خفیف‌تری نسبت به بزهکاران طبقات پیشین می‌باشند. قید «نخستین» (First) نیز آنها را از بزهکاران اتفاقی تکرار کننده جرم متمایز می‌سازد. م.

2. Serial offenders.

3. Non - custodia alternative.

۴. چنانکه پیش تر نیز اشاره شد، جلب رضایت متهم، یکی از اساسی‌ترین شرایط صدور حکم کار عام‌المنفعه است.

شده است. هدف کار عام المنفعه، تدارک یک تدبیر مستقل و منعطف^۱ است که یادآور واقعیت قانون^۲ و وسیله‌ای برای ترمیم و بازسازی - از طریق حمایت اجتماعی^۳، بازسازی اجتماعی^۴ اقدام آموزشی^۵: برای نمونه کار عام المنفعه در یک بیمارستان - باشد.

این دگرگونی در سیاست از سوی دادگاههای فرانسه، در سالهای پس از ۱۹۹۴، عمدتاً به خاطر معرفی قانون جزای جدید روی داد که:

دادگاهها را به ارایه دلایل خاص برای تحمیل یک محکومیت زندان ملزم می‌سازد؛ مقیاس بزرگتر و بیشتری برای استفاده از کارعام المنفعه - به عنوان یک محکومیت اصلی - تدارک می‌بیند و - دادگاهها را از کاربرد پی در پی جایگزینهای غیر سالب آزادی به جای محکومیتهای زندان باز می‌دارد.

بدین ترتیب کارعام المنفعه نسبت به سایر مجازاتهای سنتی - بویژه، نهاد تعلیق ساده^۶ مجازات و نیز جریمه نقدی^۷، و تا اندازه‌ای کمتر، تعلیق مراقبتی - موفق تر بوده است.

حال در شرایط کنونی، آیا می‌توان نتیجه گرفت که کار عام المنفعه در فرانسه به اهداف اصلی خود - یعنی کاهش میزان حبس - رسیده است؟

به نظر من، مطالعات کافی معتبری برای توجیه این نتیجه‌گیری وجود ندارد. ولی نتایج یکی از بررسی‌ها از ۱۹۸۴ تا ۱۹۹۴ نشان می‌دهد:

□ شمار تمام محکومیتها و شمار محکومیتهای سالب آزادی تقریباً ثابت مانده است (شمار افراد وارد شده به زندان تقریباً ثابت است. در مرکز فرانسه این رقم در ۱۵ سال گذشته بین ۹۰ و ۸۰ هزار - با جهتی متمایل به پایین - در نوسان بوده است). باری،

1. Independent and flexible measure.

2. The reality of the law.

3. Social Support.

4. Social rehabilitation.

5. Educational action.

6. The simple form of suspended sentence. (بنگرید به پانوش شماره ۲ ص ۳۲)

7. Fine.

در عدالت کیفری کنونی فرانسه هر چند ممکن است عده کمی به زندان بروند، ولی همین عده اندک، در مقابل، مدت زیادی در زندان می‌مانند!

□ کاربرد معافیت‌های از مجازات،^۱ جریمه‌ها، محکومیت‌های تعلیقی ترکیبی با سایر تدابیر نظارتی برای نوجوانان، به میزان چشمگیری تنزل پیدا کرده است.

□ استفاده فزاینده‌ای از تدابیر جایگزینی مانند تعلیق مراقبتی (کمتر به صورت ترکیبی با سایر محکومیت‌ها) و کار عام‌المنفعه بویژه زمانی که با محکومیت‌های تعلیقی ترکیب می‌شود، به عمل آمده است. با این حال، این ارقام باید در متن شرایط ازدیاد فزاینده کار عام‌المنفعه در دهه نخست ارایه آن، قرار گیرد (۱۳ هزار دستور خدمات عمومی در ۱۹۹۲ - در مقایسه با ۲۱ هزار مورد در ۱۹۹۴ - صادر شده است).

برداشت من از این ارقام این است که کار عام‌المنفعه شرایطی را که در آن از مجازات حبس در فرانسه استفاده می‌شود، به گونه‌ای اساسی و قابل توجه دگرگون ساخته است، ولی انتخاب موجود به سایر مجازات‌ها را تغییر داده است. از ۱۹۸۴ تا ۱۹۹۴ این ارقام نشان می‌دهد که:

□ میانگین دوره بازداشت تقریباً دو برابر شده است. (به این ترتیب که از حدود ۳/۵ ماه به ۷ ماه در ۱۰ سال، به ۸/۱ در ۱۹۹۷ رسید)؛

□ حبس، تماماً یا جزئاً بدون تعلیق، هنوز در ۲۵ درصد موارد استفاده می‌شود، و این رقم در سال ۱۹۹۴، حتی به ۲۵/۷ درصد می‌رسد. (این افزایش عمدتاً از طریق ارقام تمام محکومیت‌های غیر تعلیقی که از ۱۹/۵ درصد به ۲۰/۶ درصد رشد یافت، تشریح می‌شود)

□ برعکس، مجازات‌هایی غیر از حبس، هنوز در سه چهارم موارد به کار می‌رود، ولی توزیع^۳ میان جایگزین‌های مختلف غیر سالب آزادی تغییر یافته است.

بین سال‌های ۱۹۸۴ تا ۱۹۹۴، دادگاه‌های فرانسه بر استفاده خود از مجازات‌های

1. Discharges.

2. Supervisory measure for Juveniles.

3. The distribution.

غیر سالب آزادی برای بزهکاران بزرگ سال افزودند. (این مسأله بویژه در مورد کاربرد کار عام‌المنفعه آشکار است، ولی در مورد تعلیق مراقبتی نیز درست است) آنها همچنین از سایر مجازات‌های جایگزین بیشتر استفاده کردند.

این افزایش، برای بزهکاران بزرگ سال، به قیمت محکومیت‌های تعلیقی ساده جزئی^۱ (شاید با جایگزینی تعلیق مراقبتی جزئی) و جریمه‌های نقدی (با توجه به دشواری اجرای آن و بنابر این منجر شدن به حبس در صورت عدم پرداخت آن) روی داده است.

برای بزهکاران غیر بزرگ سال، افزایش استفاده از کار عام‌المنفعه کمتر به چشم می‌خورد. کار عام‌المنفعه با سایر گونه‌های سنتی تر محکومیت‌های اصلاحی (ترمیمی)^۲ در رقابت بوده است. با این حال، برای بزهکاران پایین تر از سن قانونی که نسبت به اندیشه محکومیت تعلیقی مقاومند، مؤثر شناخته شده است. این گروه از بزهکاران حتی بیش از بزرگ سالان، به یک ضمانت اجرای عینی^۳ که بوضوح توصیف شود، نیاز مندند.^۴

نتایج یکی از بررسی‌ها در سال ۱۹۹۷ نشان می‌دهد بیش از ۲۱ هزار دستور کار عام‌المنفعه در ۱۹۹۴ - که ۱۲ هزار مورد آن به جوانان بین ۱۸ و ۲۴ سال مربوط می‌شد - صادر شده است، در حالی که این گروه سنی در قبال کمتر از یک سوم جرایم مسؤول اند.

ز. تأثیر خدمات عام‌المنفعه بر جرایم و بازسازی بزهکاران

وقتی از قاضی اجرای مجازات‌ها پرسیده شود چند نفر از افراد از طریق کار عام‌المنفعه اصلاح شده‌اند، چنین پاسخ می‌دهد:

«می‌توانم بگویم چند نفر از افراد اصلاح شده از کار عام‌المنفعه سپاسگزار بوده‌اند. ولی بدون شک، بسیاری از قضات و مددکاران اجتماعی از این مجازات استفاده کرده‌اند».

1. Simple partially - suspended sentences.

2. Rehabilitative sentencing.

3. Concrete sanction.

۴. منظور، نیاز به شرایط واضح و روشن، و بازسازی آنان در یک بستر اجتماعی مناسب است.

پاسخ او به چه معناست؟ به طور قطع به این معنا نیست که شمار پستیهای قضاوت و مددکاری اجتماعی افزایش یافته است، بلکه بیشتر به این معنا است که:

۱ - مطالعات قابل توجهی در زمینه میزان تکرار جرم پس از اتمام کار عام‌المنفعه وجود ندارد. (با این حال باید خاطر نشان ساخت که مقایسه بررسی‌های تکرار جرم پس از اتمام آزادی مشروط و تعلیق مراقبتی نشان می‌دهد موارد اخیر اثر مثبتی در تکرار جرم دارند).

۲ - کار عام‌المنفعه با توجه به اثر اصلاحی آن برآورد نشده است.

۳ - متخصصان نظام عدالت کیفری، توان بسیار زیاد خدمات عام‌المنفعه را در رابطه با بزهکاران مورد ارزیابی مثبتی قرار داده‌اند.

در گسترش استفاده از کار عام‌المنفعه در فرانسه نباید نقش فعال مراجع محلی را از طریق نمایندگی «هیأت‌های مشترک برای پیشگیری از جرم» نادیده انگاشت. مراجع داوطلب و افرادی که تمایل خاصی به مطالعه و بررسی بزهکاران ندارند، مرتکبان را در گروه‌های مددکاران داوطلب خود جای داده‌اند.

به این ترتیب، هدف درگیر ساختن نهادهای اجتماعی مختلف در کار با متخصصان عدالت کیفری به منظور اصلاح و بازسازی بزهکاران و پیشگیری از تکرار جرم، دست یافتنی شده است. دستیابی به این هدف، در بردارنده زحمت و مشقت فراوان آن دسته از قضات و مددکاران اجتماعی بوده است که برای پذیراندن کار عام‌المنفعه به مراجع محلی و سازمانهای داوطلب، سخت کار کرده‌اند.

وظیفه آنها تشریح مجازات جدید بوده است، ولی به طور کلی تر، آنها خود را درگیر مباحثه‌هایی با رهبران بنیادهای خیریه و سیاستمداران محلی کرده‌اند. آنان همچنین اطلاعاتی در مورد مجازات‌ها، نظام حقوقی و کار کرد آنها و نیز درباره زندگی در زندان فراهم کرده‌اند و به این ترتیب هنگام گوش فرادادن به آنچه بزهکاران، خود باید بگویند، پرده از راز نظام کیفری برمی‌دارند.

اکنون در وضعیتی نیستیم که بگوییم آیا ما در اصلاح و بازسازی بزهکاران نقش داشته‌ایم یا خیر، هر چند تصور من از این مسأله، مثبت است. ولی از این نظر که

کار عام المنفعه، تصویر نظام عدالت فرانسه را از جهت مؤثر و انسانی تر شدن آن در نتیجه، بهبود بخشیده است یا نه، محکومم.

خدمات عمومی بخشی از سنت و عرف فرانسه محسوب نمی شود، ولی به نظام قضایی ما پیوند خورده است، به دلیل این واقعیت که به طور نزدیکی با گرایش اصلی سیاست کیفری ما از ۱۹۵۸ - با عنوان قادر ساختن دادگاهها به صدور مجازاتهای سودمند و هدفمندتر - سازگار و هماهنگ است.

ملاحظه های پایانی

نتایج یکی از آخرین پژوهشهایی را که در سال ۱۹۹۷ برای وزارت دادگستری فرانسه انجام شده است، در نمودار زیر ملاحظه کنید:

	۱۹۸۴		۱۹۹۴		اختلاف نوسان
مجموع محکومیتها	۴۱۹/۶۵۴	%۱۰۰	۴۰۶/۵۰۵	%۱۰۰	%-۳
محکومیتهای سالب آزادی	۸۱/۹۶۲	%۱۹	۸۴/۰۶۲	%۱۰۰	%+۲/۵
محکومیتهای تعلیقی جزئی	۱۳/۳۰۹	%۳/۱۷	۶/۲۱۷	%۱/۵	%-۴۳
محکومیتهای تعلیقی کلی	۱۱۵/۷۷۶	%۲۷/۶	۱۳۴/۱۴۲	%۳۳	%+۱۵
تعلیق مراقبتی جزئی	۹/۷۷۰	%۲/۳	۱۳/۶۳۷	%۳/۳۵	+۱۹
تعلیق مراقبتی کلی	۱۶/۹۶۴	%۴	۲۸/۴۲۳	%۶/۹	%+۶۷
محکومیت تعلیقی همراه با خدمات عام المنفعه	۱/۱۵۲	%۰/۳	۱۰/۵۹۱	%۲/۶	%+۸۱۹
خدمات عمومی به عنوان مجازات اصلی	۲/۴۷۷	%۰/۶	۱۰/۵۳۶	%۲/۵۹	%+۳۲۵
سایر محکومیتهای غیر سالب آزادی	۲۰/۹۱۹	%۵	۳۲/۶۶۳	%۸	%+۵۶
جریمه های نقدی	۱۱۵/۶۷۵	%۲۷/۵	۶۹/۷۰۷	%۱۷	%-۴۰
تدابیر آموزشی	۳۲/۸۶۶		۹/۳۷۱	%-۷۲	
معافیتهای مجازات	۷/۲۳۳		۶/۰۳۱		%-۱۷

حقوق و اخلاق

عباس منتهایی*

در نسبت میان حقوق و اخلاق، سخن بسیار است. اینکه حقوق چیست و اخلاق کدام است؟ رابطه و نسبت میان این دو چیست؟ آیا نسبتی وجود دارد یا نه؟ اگر وجود ندارد، چرا، و اگر وجود دارد به چه کیفیتی است و سؤالاتی از این دست که هم سزاوار طرح است و هم نیازمند پاسخی درخور.

در مطالعه این بحث مهم و اساسی باید گفت:

«در فلسفه حقوق، یکی از پیچیده‌ترین مباحث، دست یافتن به شمار منابع حقوق است و هنوز هم نظریه پردازان درباره آن به توافق نرسیده‌اند. ظاهر بینان منبع منحصر حقوق را قانون می‌دانند و همه ارزشها را به حاکمیت دولت باز می‌گردانند. با این تعبیر، دو واژه «قانون» و «حقوق» مرادف یکدیگر است و چون قانون وجودی محسوس دارد، حقوق را باید از واژه‌های حقوقی و فرهنگ این دانش حذف کرد. قانون یا اراده دولت حاکم، مسلط بر همه روابط اجتماعی است و حقوقدان کار مهمی جز اطاعت از قدرت و به ثمر رساندن هدفهای آن ندارد. تفسیر حقوقی به معنای شرح قوانین و مواد مصوب دولت است و «عدالت»، «حق» و «انصاف» هیچ نقشی در این زمینه ندارد. برعکس، پاره‌ای جامعه‌شناسان حقوقی منابع حقوق را محصور نمی‌دانند و قراردادهای خصوصی را، به دلیل ایجاد الزام برای دو طرف عقد، در زمره منابع حقوق می‌آورند.

بعضی نیز از آن تفریط و این افراط می‌پرهیزند، ولی خود نیز در این باره اختلاف

دارند.^۱

واقعیت این است که در قلمرو حقوق، «ارزش» غایت مطلوبی است که باید آن را شناخت و حقوق را در مسیر تحقق آن قرار داد. در این مفهوم «ارزش» نوعی و قابل مطالعه نوعی و فلسفی است و داوری بر مبنای آن منتهی به انتخاب بهترین قواعد سازگار با هدف مطلوب و ایجاد تکلیفهای ضروری و ملازم با آن می‌شود. به بیان دیگر، تمیز ارزشهای انسانی و اخلاقی سبب می‌شود که نظم حقوقی متناسب با هدف محقق ساختن آنها تدوین شود و رشد کند و راه حل اختلافها از آن الهام بگیرد. به عنوان مثال: «اگر عدالت ارزش مطلوب باشد، نظم عمومی در مرحله تدوین و تفسیر و اجرای قواعد بر مبنای این هدف جریان می‌یابد، در حالی که اگر اطاعت از اراده دولت باشد، این نظم در بسیاری از جهات دگرگون می‌شود. به طور خلاصه، ارزش هدف را تلقین می‌کند و غایت وسیله را.»^۲

بی تردید ارزشها، مایه‌های اصلی تمدن ملتها است و عوامل گوناگون طبیعی، نژادی، اجتماعی، مذهبی، اخلاقی، سیاسی، تاریخی و اقتصادی در ایجاد و پروردن آنها دخالت دارد، و بحث در باره اثر دقیق هر یک از این عوامل در ایجاد و تحول ارزشهای ملی و جهانی کاری است که جامعه‌شناسی و تاریخ و حقوق هنوز به انجام دادن آن توفیق نیافته‌اند. پس طبیعی است که همه نظرها آمیخته با تخیل و حدس و اعتقادهای ماورایی می‌شود. وانگهی، تحقیق در این باره از عهده دانش حقوق به تنهایی بر نمی‌آید. با وجود این، ادبیات مربوط به فلسفه ارزشها چندان غنی و خواندنی است که نمی‌توان از آن گذشت، و به گفته «روبیه»، استاد فرانسوی: «در آخرین تحلیل، حقوق بر فلسفه ارزشها آرمیده است.»^۳

۱. در این باره رک: ناصر کاتوزیان، فلسفه حقوق، ج ۲ (منابع حقوق)، ش ۸ به بعد. همچنین:

مبانی حقوق عمومی، ص ۳۴۱ به بعد.

۲. ناصر کاتوزیان، مبانی حقوق عمومی، ص ۳۴۰.

۳. ر. ک: روبیه، نظریه عمومی حقوق، ش ۳۶ به بعد، به نقل از منبع قبلی.

«مارکس و پیروان او کوشیدند که زیر بنای همه ارزشها را اقتصاد بدانند و به نیازهای مادی و شیوه توزیع ثروت و مالکیت ابزار کار اصالت دهند، ولی امروز، همه کم و بیش پذیرفته‌اند که در پاره‌ای دورانها، اعتقادات در تحولات اجتماعی و ایجاد ارزشها پیشتازند»^۱ و اخلاق و مذهب سهم اصلی و انکارناپذیر دارند.

مفهوم اخلاق

درباره معنی و مفهوم اخلاق، هر چند که مفهوم اجمالی و عرفی آنها روشن است، اما در مرحله تحقیق و تتبع، اختلاف آراء و نظرات در این زمینه بسیار است.^۲ ما در این گفتار کوتاه مجال اینکه وارد این بحث شویم نداریم، به همین جهت به بیان تعریفی از اخلاق که به لحاظ وجود «ارزش» در جوهر آن، با این بحث تناسب دارد و از جهت تکیه بر قواعد عملی رفتار انسانی، با این بحث تناسب دارد، بسنده می‌کنیم. در این تعریف چنین می‌خوانیم:

«مجموعه قواعدی است که رعایت آنها برای نیکوکاری و رسیدن به کمال لازم است. قواعد اخلاق میزان تشخیص نیک و بد است. احترام به این قواعد ریشه در ضمیر و نهاد انسان دارد و بی آنکه نیازی به دخالت دولت باشد، انسان در وجدان خویش آنها را محترم و اجباری می‌داند».^۳

۱. همان، ص ۳۴۲.

۲. اختلافی که در باره مفهوم اخلاق وجود دارد ناشی از اختلاف در منبع قواعد آن است. این اختلاف به طور کلی در سه شاخه خلاصه می‌شود، زیرا اخلاق را ناشی از سه منبع مختلف دانسته‌اند: الف) خداوند، که مظهر اراده او مذهب است، ب) انسان از راه عقل یا دل، ج) اجتماع. قائلان به این سه نظریه هر کدام بحثهای مستوفی و قابل تأملی در تثبیت نظریه خود دارند که جالب و خواندنی است. برای اطلاعات بیشتر در این باره، ر. ک: ریپر، قاعده اخلاقی در تعهدات مدنی، ناصر کاتوزیان، فلسفه حقوق، ج ۱، ش ۱۴۵ به بعد.

۳. ناصر کاتوزیان، فلسفه حقوق، ج ۱، ش ۲۰۵، ص ۵۴۶، همچنین، ر. ک: سن توماس

در این مفهوم، اخلاق نوعی، و حاوی امر و نهی است و تفاوت اصلی آن با حقوق در امرکننده یا منبع قاعده رفتاری است؛ اخلاق را وجدان فرمان می‌دهد و حقوق را دولت. در نتیجه، ضمانت اجرای ندای وجدان، درونی و تضمین‌کننده قاعده حقوقی، بیرونی و مادی است (مانند مجازات‌ها در امور کیفری و اجبار به انجام دادن تکلیف و وفای به عهد در امور مدنی) پس وقتی سخن از چهره اخلاقی ارزشها می‌شود، اشاره به نقشی است که داوری وجدان، قطع نظر از الزامهای اجتماعی و دولتی، در ایجاد و پرورش ارزشها دارد. به هر حال آنچه از این بحث حاصل می‌شود این است که اخلاق معیار ارزشها است و ارزش معنوی مفهومی اخلاقی است، چراکه وجود و میزان آن وابسته به اعتقاد و باور قلبی است، خواه منبع اخلاقی مذهب باشد یا عقل یا اجتماع. به عنوان مثال، اگر پذیرفته شود که منبع مستقیم حقوق اراده دولت است و قاعده‌ای وصف حقوقی می‌یابد که دولت از اجرای آن پشتیبانی کند، باز هم معیار ارزش آن در اخلاق است. مردم در وجدان خویش قاعده تضمین شده دولتی را ارزیابی می‌کنند و در برابر آن موضع مناسب می‌گیرند. به همین جهت «ریبر» استاد توانای فرانسوی، در همان حال که حقوق را ناشی از اراده دولت می‌داند، اعلام می‌کند:

«مهارت حکمرانان در این است که از نیروهای اخلاقی به سود خود استفاده کنند، زیرا قانونی که با آرمانهای اخلاقی مردم همساز باشد به آسانی اجراء می‌شود. احترام به چنین قانونی بر پایه اجرای ارادی و دلخواه تکلیف است. رعایت آن را همه از وظایف خود می‌شمرند و به کسی که نافرمانی کند به دیده متجاوز می‌نگرند و بر عکس، قانونی که با آرمان اخلاقی برخورد کند، جز به طور ناقص اجراء نمی‌شود، مگر اینکه روزی بتواند، با

داکن، که اخلاق را «قاعده رفتار انسانی» تعریف می‌کند و مقصود از رفتار انسانی کاری است که انسان عاقل، به فرمان عقل و برای رسیدن به هدفی که عقل دارد، آزادانه انجام می‌دهد. بنابراین کاری می‌تواند موضوع اخلاق قرار گیرد که به آزادی انجام گرفته باشد. اعمال غیر ارادی و غریزی و اجباری، صفت اخلاقی (اعم از نیک و بد) را ندارد: نقل از مبانی حقوق عمومی، ص ۳۴۵ به بعد.

همه‌دشواریهایی که در راه اجراء آن وجود دارد، آرمان اخلاقی را منحرف و دگرگون سازد و خود به عنوان ترجمان آرمان دیگری جلوه گر شود»^۱

ریشه‌سایر ارزشهای اجتماعی نیز اخلاق است که به طور معمول چهره قومی دارد و گاه که گستره جهانی پیدا می‌کند، ارزش جهانی نیز به وجود می‌آورد. برای مثال، حمایت بین‌المللی از حقوق بشر محصول گسترش اخلاق اجتماعی و ایجاد این ارزش است. منشور ملل متحد وسیله رسمی و اجباری شدن این اخلاق جهانی است. ماده ۵۵ این منشور اعلام می‌دارد:

«ملل متحد احترام جهانی و واقعی حقوق بشر و آزادیهای اساسی را برای همه انسانها، بدون توجه به نژاد و جنس و زبان یا مذهب، تسهیل خواهند کرد».

استاد کاتوزیان درباره این ماده چنین می‌نویسد: در صورت ظاهری، این اجبار ناشی از پیوستن به سازمان ملل متحد و پذیرش منشور آن است و چهره قراردادی دارد. ولی، چون امروز پیوستن به جامعه جهانی و عضو شدن در سازمانهای بین‌المللی از ضرورتها و لوازم زندگی در خانواده جهانی است، باید اجبار مربوط به رعایت حقوق بشر و آزادیهای اساسی را به اخلاق جهانی منسوب کرد نه اراده دولتهای عضو. با وجود این، باید دانست که اعلامیه حقوق بشر تنها حاوی یک سلسله اصول راهنما است و قوانین داخلی باید شیوه تحقق خارجی آنها را فراهم سازد.»

از نظر علمی و اجرائی نیز، معلوم است که ارزش قانون در عملی شدن و به کار بستن آن است؛ اگر قانون عملی نشود، یا پیوسته با توسل به حیل و تشبثات قانونی، تأثیر قاطع آن خنثی گردد، اثر و نتیجه مطلوب بر آن مترتب نخواهد بود. و چنین قانونی اندک اندک، در حکم بی‌قانونی در خواهد آمد. نیز معلوم است که برای عمل شدن به قانون تنها وجود ضمانتهای اجرایی کافی نیست. بلکه آنچه قانون را در سطح فرد و جامعه و در حال مراقبت و عدم مراقبت و نیز در احوال گوناگون دیگر منشأ اثر می‌سازد، وجود نیروی

۱. ریپر، قاعده اخلاقی در تعهدات مدنی، ش ۱۵، ص ۲۵. به نقل از همان.

اخلاقی و تعهد فردی و جمعی است در عمل کردن به قانون. از اینجاست که اهمیت قانون مبتنی بر ارزشهای انسانی و اخلاقی بر قانون غیر مبتنی بر این ارزشهای تجربی آشکار می‌گردد. این است که صاحب‌نظران و آگاهان، در این مقوله، از جمله مقایسه میان قوانین اسلام (که مبتنی بر ارزشهای عالی و والای اخلاقی است) و حقوق مدنی آمریکا، چنین گفته‌اند:

«قانون در آمریکا فقط یک تماس محدود با اجرای وظایف اخلاقی دارد. در حقیقت یک شخص امریکایی در همان حال که ممکن است یک فرد مطیع قانون باشد، ممکن است یک فرد پست و فاسدی هم از حیث اخلاقی باشد. ولی بر عکس آن، در قوانین اسلامی سرچشمه و منبع قانون ارادهٔ خداست، اراده‌ای که به رسول او محمد (ص) مکشوف و عیان گردیده است. این قانون و این ارادهٔ الهی، تمام مؤمنین را جامعهٔ واحدی می‌شناسد، گرچه از قبایل و عشایر گوناگون تشکیل یافته و در مواضع و محل‌های دور و مجزا از یکدیگر واقع شده باشند. در اینجا مذهب، نیروی صحیح و سالم التصاق دهندهٔ جماعت می‌باشد نه ملیت و حدود جغرافیایی. در اینجا خود دولت هم مطیع و فرمانبردار قرآن است.... به نظر مؤمن این جهان دهلیزی است به جهان دیگر که جهان بهتر باشد و قرآن قواعد و قوانین و طرز سلوک افراد را نسبت به یکدیگر و نسبت به اجتماع آنها معین می‌کند، تا آن تحوّل سالم را از این عالم به عالم دیگر، تأمین نماید. غیر ممکن است تئوریه‌ها و نظریات سیاسی و یا قضایی را از تعالیم پیامبر (ص) تفکیک کرد، تعلیماتی که طرز رفتار را نسبت به اصول مذهبی و طرز زندگی شخصی و اجتماعی و سیاسی همه را معین می‌کند. این تعلیمات بیشتر وظیفه و تکلیف برای انسان تعیین می‌کند تا حقوق. یعنی تعهدات اخلاقی که فرد ملزم به اجرای آن می‌باشد، بیشتر مطمح نظر است. و هیچ مقامی هم در روی زمین نمی‌تواند فرد را از انجام آن معاف بدارد، و اگر از اطاعت سرپیچی کند، حیات آینده خود را به مخاطره انداخته است.»^۱

۱. مجید خدوری، حقوق در اسلام، هربرت، لیسنی، ترجمهٔ زین العابدین رهنما، چ اقبال، ۱۳۸۰

بر این اساس خوب معلوم است که قدرت اخلاق و ارزشهای اخلاقی عامل عمده‌ای است در اجرای دقیق قوانین و مقررات و نشر و گسترش حقوق و اجرای نظم و عدالت. حقوق به عنوان رشته‌ای از علم و دانش؛ مانند بذری است که باید در زمین مساعد بروید. زمینی که حقوق - به مثابه بخشی از فرهنگ و فضیلت یک جامعه - می‌تواند در آن بروید و ببالد، اخلاق است.

چون اسلام، از آغاز، با تعلیم اخلاق پیش آمد و تقوی را بر تعلیم مقدم داشت، همواره در میان مسلمین نفوس پاکی که حامل علم و دانش باشند به هم رسیده‌اند و تربیت شده‌اند. بر عکس در دنیای مسیحیت که توحش، سنگدلی، انحطاط و فرومایگی حکومت داشت - از آن نمونه که در جنگهای صلیبی دیده شد - زمینه‌ای برای نفوذ و گسترش فروغ علم و دانایی نبود. دوران جهالت و جاهلیتی که بر مسیحیت گذشت، تنها دوران فقدان علم نبود، بلکه فقدان اخلاق نیز بود. این است که در این باره مطلعان و آگاهان از مذاهب و اقالیم گوناگون، مطالب بسیاری گفته و نوشته‌اند و از جمله در مقایسه میان مسلمانان - به عنوان نمونه‌های فضیلت و اخلاق و دارای زمینه عمیق و پیشینه‌ی مبنایی تعالیم اخلاقی - با مسیحیان گفته‌اند:

«مسلمانان مردتر از مسیحیان بوده‌اند، پیمانها را بهتر رعایت می‌کردند. با مغلوبان رحیم‌تر بودند. در تاریخ خود بندرت مانند مسیحیان هنگام تسلط بر بیت المقدس (۴۹۳ هـ = ۱۰۹۹ م) وحشیگری کرده‌اند. موقعی که شریعت اسلام مقداری مقررات قانونی مترقی داشت که به وسیله قاضیان روشنفکر اجرا می‌شد، قانون مسیحی طریقه داورى الهی را به وسیله جنگ تن به تن یا آب و آتش به کار می‌برد...»^۱

اخلاق مسلمین در جوانب گوناگون نمونه بود، از جمله اخلاق نظامی آنان (در

تهران، ۱۳۳۶ ش، از مقدمه ربرت هرگوت جاکون (دادستان دیوان کشور آمریکا). به نقل از محمد رضا حکیمی، دانش مسلمین، ص ۲۹۵ به بعد.

۱. ویل دورانت، تاریخ تمدن، (بخش تمدن اسلامی)، ص ۳۱۸ به نقل از همان منبع.

رعایت حقوق جنگ) زیرا طبق دستورهای پیامبر اکرم (ص) و سپس امیرالمؤمنین (ع) سپاهیان اسلام حق نداشتند کار مجروحی را تمام کنند، اموال مغلوبان را به یغما برند، بر پیران حمله کنند، به کودکان و زنان یورش برند، و حتی اگر زنان دشمن به رهبران اسلام دشنام دهند و ناسزا گویند، سرباز اسلامی حق ندارد متعرض آنان بشود، چون جنگ، جنگ پیام است و هدایت (و مبتنی بر اخلاق و ارزشهای اخلاقی) نه جنگ تملک و عداوت. این شمشیر، بیشتر جراح است نه خنجر سفاح. شمشیری است که در راه دفاع به کار می‌رود نه در راه حمله.

شمشیر محمدی است نه شمشیر سزاری و خسروی.

شمشیری است که بر آن «لا اله الا الله» نقش است نه «أَعْلِ هُبَل».

شمشیری است که بر آن «لَا تَكُنْ عَبْدَ غَيْرِكَ» نقش است، نه «همه بندگانیم

خسرو پرست»...

والسلام

امام علی بن ابیطالب علیه السلام:

مَا هُنَّ الْعَطَاءُ مَنْ مَنْ بِهِ

آن که در وعده سستی کند، وفا به آن نکرده است.

نقش ایرانیان مسلمان در فقه اسلامی

(بخش دهم)

محمد علی اختری*

مدفن ابن سیرین در بصره است^۱ و چون انس بن مالک درگذشت، وصیت نمود که ابن سیرین او را تجهیز و تکفین کند، ولی ابن سیرین در آن هنگام در زندان بود. او را برای یک روز از زندان بیرون آوردند تا انس بن مالک را تکفین نماید. ابن سیرین در روزگار فرمانروایی خشونت‌بار عمر بن هیبره (۱۰۵ - ۹۷) در عراق نتوانست ناخوشنودی‌اش را از حکومت وی کتمان نماید و نیز از پذیرفتن مالی که عمر بن هیبره برای او فرستاده بود، سر باز زد و همچنین از پذیرفتن مقام قضاء تن زد و ناچار به یمامه گریخت اما در واپسین سالهای زندگی به بصره بازگشت.

ابن سیرین مورد وثوق کامل اهل سنت است و احادیث منقول از او را در تمام کتابهای صحاح ششگانه آورده‌اند. وی سی نفر از اصحاب پیامبر را درک کرده بود. ولی از نوشتن احادیث خودداری می‌کرد و هیچ نوشته‌ای را هم نزد خود نگاه نمی‌داشت. معاصرین او و متقدمین نویسندگان درباره علم تعبیر خواب محمد بن سیرین چیزی به دست نداده‌اند و احتمال داده‌اند که کتاب «تفسیر الاحلام»، نوشته یکی از شاگردان او ابوسعید خرگوشی بوده باشد که به ابن سیرین نسبت داده شده است. حتی گفته شده سبب اینکه نویسندگان و مترجمان سده‌های بعد آثار خود را درباره علم تعبیر خواب به ابن

۱. لغت نامه دهخدا، ج اول، ص ۳۶۸.

سیرین نسبت می‌دهند، این است که آنان برای مقبول افتادن آثارشان ناگزیر بوده‌اند که آن آثار را به یکی از بزرگان متقدم نسبت دهند.^۱ باور نویسنده این مقاله این است که چنان هم نبوده که ابن سیرین به کلی از علم تعبیر خواب بی بهره باشد بلکه شاید اندکی از آراء او درباره علم تعبیر خواب بسیار مشهور بوده، لذا دیگران هم آثار خود را به او نسبت داده‌اند. یکی از تعبیرهای مشهور او را مؤلف تاریخ حبیب السیر چنین می‌نویسد:

در زمانی ابن سیرین مشغول به خوردن طعام بود. زنی نزد او آمد و گفت خوابی دیده‌ام که می‌خواهم بر تو عرض کنم. سپس آن زن گفت در خوابی دیده‌ام که ماه به آسمان درآمد و منادی پشت سر من ندا کرد که برو نزد ابن سیرین و خواب خود را به او بیان کن. گویند چون ابن سیرین این خواب را شنید احوالش دگرگون شد و رنگ روی او زرد گشت، پس خواهر ابن سیرین از او پرسید تو را چه می‌شود؟ ابن سیرین جواب داد که این زن گمان می‌برد که هفت روز بعد من خواهم مرد، و چنانکه گفته بود هفت روز بعد از شنیدن خواب آن زن ابن سیرین درگذشت.^۲

مرحوم مدرس خیابانی صاحب «ریحانة الادب» مطالب جالبی از انواع تعبیر خوابهای ابن سیرین آورده است. آن مرحوم می‌نویسد: ابن سیرین جمالی بس زیبا و سرشتی بس نیکو داشته و شغل بزازی پیشه کرده بود. روزی زنی راغب او شده، از او درخواست می‌کند تا اجناس بزازی را به خانه آن زن برد تا هر کدام را پسندید خریداری کند، وقتی که ابن سیرین داخل منزل شد. آن زن با غنچ تمام عرض اندام نموده و خواستار کام گردید و ابن سیرین شرحی از مذمت زنا گفته، آن زن را نصیحت نمود، اما سودی نبخشید و عاقبت چاره در آن دید که به بهانه‌ای بیرون شده و خود را آلوده به نجاست کرده و بازگشت. چون زن آن حالت را دید او را از خانه بیرون کرد و ابن سیرین هم از اجناس بزازی صرف نظر کرده، به خانه خود برگشت، همچنان که حضرت یوسف (ع) به

۱. دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج اول، ص ۷۳۶.

۲. تاریخ حبیب السیر، ج ۲، ص ۱۸۰.

ذکوان یا ابو عبدالرحمن همان امام ابو الزناد مدنی است و آزاد کرده دختر شیبیه ابن ربیعیه است و بعضی گفته‌اند که آزاد کرده عایشه دختر عثمان است.^۱ وی در حدیث ثقه بود و تعداد شاگردان او را در علم فقه و صرف سیصد تن نوشته‌اند.^۲ و بعضی گفته‌اند آزاد کرده رمله منکوحه عثمان بن عفان باشد.^۳

۱۷ - عمر بن دینار: آزاد کرده باذان و از ایرانیان مقیم یمن بوده. سال وفات او را ۱۲۵ یا ۱۲۶ هـ ق نوشته‌اند. از اصحاب حضرت امام باقر (ع) و امام صادق (ع) بوده است. حضرت امام باقر (ع) جلالت مقام و علو قدر او را ستوده است و پس از درگذشت عطاء، عمر بن دینار جانشین او شده است. از ابن عینیه نقل شده که افقه علمای مکه عمر بن دینار است، از جابر بن عبدالله و عبدالله بن عباس و عبدالله عمر روایت حدیث کرده است.^۴ در کتبی که در اختیار نگارنده قرار گرفته تاریخ تولد یا طول عمر او را نتوانستم به دست بیاورم.

۱۸ - ابو عبدالله بن یزید بن هرمز: شرح حال او فقط در کتاب طبقات الفقهاء آمده ولی تاریخ حیات او روشن نشده، لیکن تصریح شده که از استادان مالک بن انس و اعلم زمان خود بوده است.^۵

۱۹ - عطاء بن مرکبود: از فقها و تابعین مقیم یمن بود. نام پدرش درست ضبط نشده یقیناً نامی ایرانی و پارسی بوده که تعریب شده و به این صورت نامفهوم درآمده است شرح حال مختصر او در طبقات الفقهاء ابواسحق و طبقات الفقهاء الیمن تألیف عمر بن علی بن مسمره جعدی آمده و سال تولد و فوت او مشخص نشده است.^۶

۲۰ - حماد بن ابی سلیمان: وی استاد ابوحنیفه بوده و در سال ۱۱۹ یا ۱۲۰ درگذشته است. او را از اصحاب حضرات باقر و صادق (ع) دانسته‌اند. وی از انس و زید بن

۱. ادوار فقه، ج ۳، ص ۲۸۲. ۲. لغت نامه دهخدا، ج ۱۰، ص ۱۵۷۱۸.

۳. حمداله مستوفی، تاریخ گزیده، به کوشش عبدالحسین نوایی، امیر کبیر، تهران، ۱۳۳۹، ص ۲۵۰.

۴. ادوار فقه، ج ۳، ص ۴۲۲ تا ۴۲۴، و تاریخ گزیده، ص ۲۵۵.

۵. ادوار فقه، ج ۳، ص ۲۹۲. ۶. همان، ص ۴۴۵ - ۴۴۹.

وهب و سعید بن مسیب و سعید بن حجیر و عکرمه و ابراهیم نخعی روایت کرده است و گفته شده که در حدیث ضعیف بوده و اگر رأی خود را اظهار می کرده، درست می گفته، ولی در مورد رأی دیگران اغلب خطا می کرده است. صاحب کتاب حبیب السیر تاریخ فوت حماد بن ابی سلیمان را جزء وقایع سال ۱۲۰ هـ ق ذکر کرده است.^۱

۲۱- ابو ایوب سختیانی: در سال ۶۶ هـ ق متولد و در سال ۱۳۱ به مرض طاعون درگذشته و ۶۵ سال عمر کرده است. مقیم بصره بوده و از (سفیان) ثوری و مالک، اخذ روایت نموده است. شیخ طوسی در آنجا که از اصحاب امام باقر (ع) یاد کرده، نام او را ابو ایوب ابن تمیم، کیان سجستانی عنبری بصری آورده است. از عادات او این بود که سالی یک بار موی سر خود را می تراشیده و چون دوباره موی سرش بلند می شده آن را شانه می زده و جدا می کرده. بعضی هم او را در عداد اصحاب حضرت امام صادق (ع) ذکر کرده اند. کسانی از شرح حال نویسان هم او را سجستانی منسوب به سجستان یا سیستان می دانند، ولی اکثر سختیانی منسوب به سختیان می دانند و سختیان خرید و فروش پوست بز و میش است.

ابو ایوب سختیانی به سید الفقهاء معروف است ولی کوشش فراوان داشته که زهد خویش را از مردم پنهان بدارد و تظاهر به خوبی و زهد نکند. از عمل به رأی احتراز می نموده. از او نقل شده که گفته است اگر کسی را سه دختر یا سه خواهر باشد و او کفالت و نگهداری از آنها کند بهشت بر او واجب می شود. از حسام بن هشام روایت شده که گفته حج ابو ایوب سختیانی به اندازه چهل بار حج است.^۲ مؤلف حبیب السیر زمان فوت او را سال ۱۳۰ هـ ق ذکر کرده است.^۳

۲۲- رفیع بن مهران: وی از آزاد کرده های قبیله بنی ریاح و از تابعین است که در بصره اقامت داشت. وفاتش در ۹۰ یا ۹۶ هـ ق بود. کتاب تفسیری از قرآن به وی منسوب

۱. حبیب السیر، ج ۱، ص ۱۸۴ و لغت نامه دهخدا، ج ۶، ص ۹۱۹۱.

۲. ادوار فقه، ج ۳، ص ۵۶۲ و ۵۶۱. ۳. حبیب السیر، ج ۱، ص ۱۹۹.

است.^۱ در بصره و مدینه به جمع احادیث پرداخت و از ثقات محسوب می‌شد. به نام ابوالعالیه ریاحی هم معروف است. صاحب حبیب السیر نام او را ربیع بن مهران الریاحی البصری ذکر کرده و گفته در طول زندگانی خود ۶۵ بار حج کرده است.^۲

پس از حفظ کردن قرآن آن را بر اُبی بن کعب عرضه کرد. ابن مهران مدتی پس از اقامت در بصره به مدینه رفت و از جمعی صحابه حضرت رسول (ص) حدیث شنید و در بعضی از فتوحات مانند فتح اصفهان و شوشتر حضور داشت. در زمان معاویه با سپاه سعید بن عثمان بن عفان به ماوراءالنهر رفت و نخستین کسی بود که در آن خطه اذان گفت. وی در زمان مرگ وصیت کرد که ثلث مالش را به آل علی (ع) بدهند. اصل کتاب تفسیر منسوب به او از میان رفته ولی طبری در تفسیر خود از آن استفاده کرده است.^۳ مؤلف لغت نامه دهخدا نام او را ربیع بن یزید بن مهران الریاحی البصری نوشته و گفته او از عمر بن خطاب و ابن ابی کعب روایت آورده است.^۴ تاریخ ولادت ابوالعالیه به درستی معلوم نشده است. ابو نعیم او را به هنگام درگذشت پیامبر (ص) ۴ ساله دانسته و این مطلب با مسلمان شدن او که دو سال پس از رحلت پیامبر واقع شده سازگاری ندارد و تاریخ درگذشت او در بیشتر منابع ۹۰ یا ۹۳ هـ ق و در بعضی اقوال ضعیف ۱۰۰ هـ ق آمده است. چنانکه از نام پدرش مهران پیدا است، ایرانی نژاد بوده است. این قُتیبه نیز او را (حمیل) یعنی آزاد شده در سرزمین بیگانه شمرده است. وی به فارسی سخن می‌گفته و در تکلم به زبان عربی دارای لهجه بوده است (یا لحن) ابوالعالیه ۱۰ سال پس از درگذشت پیامبر به خواندن قرآن پرداخت و پس از حفظ قرآن آن را بر اُبی بن کعب و به قولی چندین بار بر عمر تلاوت نمود. گروهی هم از او قرآن فرا گرفته‌اند، از آن جمله اعمش و ابو عمر و بن علاء شایان ذکرند. ابوالعالیه پس از استفاده از جمعی از یاران پیامبر (ص) در بصره برای استماع حدیث از یاران دیگر پیامبر (ص) به مدینه مسافرت کرد. در میان یاران حضرت

۱. دانشنامه ایران و اسلام، ج ۷، ص ۹۶۲. ۲. حبیب السیر، ج ۱، ص ۱۶۳.

۳. معارف و معاریف، ج ۱، ص ۴۷۷ - ۴۷۸. ۴. لغت نامه دهخدا، ج ۱، ص ۴۵۹.

رسول اکرم (ص) از عمر بن خطاب، اُبی بن کعب، ابن مسعود، ابن عباس و دیگران حدیث شنیده. نام کتاب تفسیر او را به روایت ربیع بن انس بکری تفسیر ابی العالیه و الربیع یا تفسیر ابی العالیه خوانده‌اند.^۱

۲۳ - ابن کثیر، ابو سعید یا ابوبکر عبدالله بن کثیر دارانی، یکی از قراء سبعه است و در سال ۴۵ هجری قمری در مکه از خاندانی ایرانی الاصل که از یمن آمده بودند متولد شد و از آزاد کردگان عمر بن علقم کنانی بود. به عطر فروشی اشتغال داشت و عطار را در حجاز دارانی گویند. ابن کثیر در روایان حدیث کوفی و بصری معاصر خود مانند سفیان بن عینیّه و دو حماد تأثیر قاطع داشت.^۲ او از پارسیان یمن است که کسری انوشیروان برای طرد حبشه با کشتی به یمن فرستاده بود. وفات او را در سال ۱۲۰ ه. ق در مکه نوشته‌اند.^۳ قرائت او را محمد بن عبدالرحمن فخری به سال ۲۴۱ ه. ق و ابوالحسن احمد بن محمد ملقب به ابن بزی متوفی در سال ۲۷۰ روایت کرده‌اند. داری یا دارانی به معنای بوی فروش و عطاری و آن شغل پدر ابن کثیر بود.^۴

۲۴ - نافع: ابو عبدالله نافع، آزاد کرده عبدالله بن عمر اصلاً دیلمی و از کبار تابعین و از ثقات محدثین است، به طوری که اهل حدیث گفته‌اند: «روایت شافعی از مالک و روایت مالک از نافع و نافع از عبدالله بن عمر سلسله الذهبی است به برکت جلالت قدر هر یک از آن راویان. نافع مدتی به فرمان عمر بن عبدالعزیز به مصر رفت و مصریان را فقه آموخت. درگذشت او به سال ۱۱۷ یا ۱۲۰ اتفاق افتاده است.^۵

۲۵ - ابن ماجشون: عبدالملک بن عبدالعزیز بن عبدالله بن سلمه مدنی، فقیه مالکی معروف و اجداد او اصلاً ایرانی و از مردم اصفهان بوده‌اند. یکی از نیاکان او اسلام آورد و عبدالعزیز پدر عبدالملک از فقهای زمان خویش بود و او نزد پدر و مالک ابن انس

۱. دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۵، ص ۶۵. ۲. دانشنامه ایران و اسلام، ج ۶، ص ۸۰۴ - ۸۰۵.

۳. معارف و معاریف، ج ۱، ص ۳۱۳. ۴. لغت نامه دهخدا، ج ۱، ص ۳۸۷.

۵. همان، ج ۴، ص ۲۲۲۰۲.

فقه و حدیث آموخت و در پایان عمر نابینا شد. او را با احمد بن حنبل و شافعی مباحثاتی است. گویند ابن ماجشون به غنا و لعی تمام داشت و پیوسته خنیاگری ملازم او بود و نیز گفته شده لقب ماجشون را که به معنی سرخ و سپید است، سکینه دختر حضرت امام حسین (ع) بدو داده است. ماجشون معرب میگون (می: سرخ رنگ و گون: رنگ یا گونه و برخی آورده‌اند که ماجشون از کلمه (شونی - چونی) مشتق شده زیرا ایرانیان در پرسش از احوال یکدیگر می‌گویند «چونی = چگونه‌ای».^۱

ابن ماجشون در سال ۱۶۰ فوت شد و در بغداد گورستان قریش مدفون گردید. او از ابن شهاب زهری، عبدالله بن دینار و صالح بن کیسان و هشام بن عروه و... روایت اخذ نموده و کسان بسیاری چون لیث بن سعد و بشیر بن مفضل و... از او روایت آموخته‌اند. به هنگام خاک سپاری او در بغداد مهدی، خلیفه عباسی بر او نماز گذارد.^۲ به قول ابن ندیم ماجشون را کتابی است در فقه که متأسفانه نام آن را ابن ندیم در کتاب خود سفید گذاشته است. در کتاب لغت اقرب الموارد درباره کلمه (ماجشون) گوید: ماجشون، جامه رنگین و معرب ماه گون فارسی یا مهتابی رنگ است و این واژه فارسی در مدینه آن زمان میان مردم رایج بوده است.^۳

۱. لغت نامه دهخدا، ج ۱، ص ۳۸۶.

۲. ادوار فقه، ج ۳، ص ۴۰۲ تا ۴۰۵.

۳. ابن ندیم، الفهرست، ص ۳۱۲.

اجرای احکام داورى تجارى بين المللى

(بخش پایانی)

محمود محمدزاده*

پاره‌ای از منابع و مقررات راجع به داوری بین‌المللی
در تعیین قانون حاکم بر ماهیت دعوی

اول: کنوانسیون اروپایی راجع به داوری بازرگانی بین‌المللی (۱۹۶۱ ژنو) ماده ۷
مقرر می‌دارد:

۱ - طرفین آزادند حقوقی را که داوران باید در ماهیت دعوی اجرا کنند، تعیین نمایند. در صورتی که طرفین قانون حاکم را تعیین نکرده باشند، داوران با استفاده از قاعده تعارضی که در خصوص مورد، مناسب تشخیص می‌دهند قانون حاکم را تعیین خواهند کرد. در هر دو مورد داوران مندرجات قرارداد و عرف‌های بازرگانی را در نظر خواهند گرفت.

۲ - داوران به طور کدخدامنشی حکم خواهند کرد، در صورتی که اراده طرفین بر آن باشد و قانون حاکم بر داوران آن را تجویز نماید.

دوم: مقررات داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی (I.C.C)

در بند ۳ ماده ۱۳ مقررات فوق آمده است:

«طرفین آزادند حقوقی را که داور باید در ماهیت دعوی اجرا کند تعیین نمایند، در صورت عدم تعیین حقوق لازم الاجرا از سوی طرفین داور قانونی را اجرا خواهد کرد که به

موجب قاعده تعارضی که مناسب تشخیص می‌دهد تعیین شده است.»

بند ۴ همان ماده:

«اگر طرفین به داور اختیار داده باشند که به طور کدخدا منشی دعوی را فیصله دهد

او دارای چنین اختیاری می‌باشد.»

سوم: کنوانسیون حل و فصل اختلافات راجع به سرمایه گذاری ۱۹۶۵

بند ۱ ماده ۴۲ کنوانسیون چنین مقرر می‌دارد:

«دادگاه درباره اختلافات، بر طبق قواعد حقوقی که طرفین پذیرفته‌اند حکم خواهد کرد. در صورت عدم توافق طرفین دادگاه حقوق دولت طرف قرارداد را که طرف دعوی نیز می‌باشند - از جمله قواعد مربوط به تعارض قوانین و همچنین اصول حقوق بین الملل را در آن زمینه اجرا خواهد کرد.» و نیز آمده است: «طرفین نیز حق دارند نسبت به یک قانون غیر ملی - مانند حقوق بازرگانی فراملی به عنوان قانون حاکم توافق نمایند.»

چهارم: بیانیه الجزایر راجع به حل و فصل دعاوی (بین ایران و ایالات متحده آمریکا)

در ماده ۵ بیانیه مقررات مربوط به تعیین قانون حاکم بر ماهیت دعوی پیش بینی شده که البته عین عبارت ماده ۳۳ اصلاحی مقررات آنستیرال می‌باشد. فقط بند شماره ۲ از طرف دیوان داوری (لاسه) بدین مضمون (که در صورت تراضی صریح و کتبی طرفین دیوان بتواند بر اساس قواعد انصاف رأی دهد) به آن افزوده شد. عبارت ماده چنین است:

«دیوان داوری باید مطابق حقوق موضوعه نسبت به دعاوی رسیدگی و رأی صادر

نماید و هرگاه طرفین در قرارداد قانون ملی کشور خاصی را بر روابط قرارداد پیش بینی کرده باشند همان قانون مبنای رسیدگی بوده و دیوان ملزم به رعایت آن است و در صورت عدم تعیین قانون خاص دیوان هر قانونی را که با رعایت قواعد تعارض مناسب دعاوی مطروحه بداند اجرا خواهد کرد و دیوان در عین حال رعایت مقررات تجارت بین المللی یا اصول حقوق بین المللی را که مؤثر در اتخاذ تصمیم تشخیص دهد به کار خواهد گرفت و

هرگاه اوضاع و احوال زمان انعقاد قراردادی که فعلاً مستند دعواست تاکنون تغییر یافته باشد میزان تاثیر اوضاع و احوال تغییر یافته را نیز مد نظر قرار خواهد داد و این رعایت قاعده *Rebus sic stantibus* می‌باشد.

نتیجه این که چون در داوری تجارت بین المللی اصل و مبنا، اراده طرفین است و بنابراین حاکمیت اراده اگر طرفین قانون حاکم بر ماهیت دعوی را تعیین کرده باشند داور باید از آن تبعیت نماید و اصولاً نمی‌تواند از آن عدول نماید.

احکام داوری تجاری بین المللی

تشریفات رسیدگی

آنچه که مسلم است رسیدگی داوری به طور ناگهانی آغاز نمی‌شود. بلکه طرفین پس از برگزاری جلسات متعدد یا مکالمات تلفنی گوناگون و رد و بدل نمودن نامه‌ها در خصوص حل و فصل اختلاف تلاش لازم را به کار می‌بندند ولی وقتی که طرفین از حصول نتیجه مأیوس شده و به بن بست رسیدند به ورود در جریان داوری می‌اندیشند.

ابتدایی ترین موضوع مقدماتی، تهیه دادخواست توسط خواهان می‌باشد. یعنی بایستی اسناد، مدارک ارقام و اقلام که مورد اختلاف را تهیه و ضمیمه درخواست خود نمایند. از وظایف اولیه داور در هر دعوی می‌تواند تلاش در جهت حصول اطمینان نسبت به این امر باشد که طرفین حداقل راجع به اصل «موضوع مورد اختلاف» توافق دارند. معمولاً خواهان کسی است که دعوی را آغاز می‌کند اما در مراحل رسیدگی معلوم شود که خواننده دعوی بزرگتری دارد و محق تر است چه بسا داور دستور دهد که نقش آنها معکوس شود.

اصولاً در داوریه‌ها رسیدگی به صورت کتبی و شفاهی است.

در مرحله کتبی خواهان به صورت دادخواست و منضمات و مستندات آن و خواننده به صورت لایحه و جوابیه ادعاهای خود را می‌نویسند و با توجه به دلایل حقوقی بین الملل اعم از قراردادی یا عادی دفاع می‌کنند و اسناد و مدارک لازم را به داوران

تسلیم می‌کنند. این لوایح معمولاً به زبان هر یک از طرفین تدوین و ترجمه آن به زبان طرف دیگر نیز منظم می‌شود.

مرحله شفاهی: عبارت است از اقامه دلایل و ادای توضیحات که به وسیله طرفین اختلاف یا نمایندگانشان در جلسه داوری صورت می‌گیرد که معمولاً اختیاری است. جلسات داوری معمولاً به سبب مسائل حرفه‌ای غیر علنی است ولی چنانچه طرفین توافق بر علنی بودن رسیدگی داشته باشند داوران می‌توانند تصمیم به برگزاری علنی جلسات بگیرند.

باید به این موضوع اشاره کرد که رسیدگی غیابی در داوری مفهومی ندارد زیرا اصولاً داوری از طریق حل مسالمت‌آمیز اختلافات است و باید با رضایت و توافق طرفین صورت بگیرد. بنابر این حضور طرفین یا نمایندگان یا وکلای آنان و شرکت آنها در مراحل مختلف دادرسی ضروری است.

محکمه رسیدگی داوران پس از دریافت لوایح و استماع دلایل طرفین در مدت زمان معین و رسیدگی جامع و کامل حکم صادر می‌نماید، حکم دیوان داوری قطعی و غیر قابل استیناف است البته استثنائاتی دارد که قبلاً بیان شد.

ماده ۲۲ قانون داوری تجاری بین المللی ایران مقرر می‌دارد:

۱- خواهان باید ظرف مهلتی که طرفین توافق کرده‌اند یا توسط «داور» تعیین شده است، تعهدات یا جهات دیگری که به موجب آن خود را مستحق می‌داند همچنین نکات مورد اختلاف و خواسته یا خسارت مورد درخواست را ارایه می‌کند، و خوانده نیز باید دفاعیه خود در خصوص موارد مذکور را ظرف مهلت مورد توافق یا تعیین شده توسط «داور» تسلیم کند.

طرفین می‌توانند کلیه مدارکی را که مرتبط تشخیص می‌دهند و یا فهرست مدارک یا سایر ادله‌ای که در نظر دارند بعداً تسلیم کنند همراه با درخواست یا دفاعیه خود تقدیم دارند.

در ماده ۴۷۶ قانون آیین دادرسی مدنی نیز آمده:

«طرفین باید اسناد و مدارک خود را به داوران تسلیم نمایند. داوران نیز می‌توانند توضیحات لازم را از آنان بخواهند و اگر برای اتخاذ تصمیم جلب نظر کارشناس ضروری باشد، کارشناس انتخاب نمایند.»

انواع داوری و فایده عملی تفکیک آرای داوری

الف - داوری داخلی (ملی): این است که موضوع مورد اختلاف طرفین، تابعیت طرفین و داوران، قانون قابل اجراء و محل اجرای رأی داوری منحصرأً به یک حاکمیت و قلمرو سیاسی آن مرتبط باشد. البته این تعریف از جهاتی بدون ایراد نیست، چرا که مثلاً اجرای رأی داوری در خارج از سرزمین تحت حاکمیت یک کشور آن داوری را از داوری داخلی خارج نمی‌سازد. و یا این که تابعیت طرفین در خصیصه یک داوری داخلی نقشی ندارد.

ب - داوری خارجی: رأیی که در قلمرو یک کشور صادر شده و بر مبنای توافق طرفین بوسیله مرجع قضایی کشور دیگری دستور اجرای آن صادر شده باشد. یا به عبارت دیگر: هر رأی داوری صادره در یک داوری داخلی ضرورتاً برای کشورهای دیگر یعنی کشورهای غیر از کشوری که داوری در آن جریان داشته است، خارجی است.

ج - داوری بین‌المللی: بعضی از حقوقدانان اعتقاد دارند داوری تجاری وقتی بین‌المللی است، که راجع به معاملات بین‌المللی اعم از این که میان اشخاص خصوصی باشد یا اشخاص عمومی مثل دولتها ولی از نظر سیستم قضایی یک کشور، داوری زمانی بین‌المللی است که اختلاف موضوع داوری دارای یک عنصر خارجی باشد، چون اصحاب دعوی نسبت به کشورهای داوری بیگانه‌اند و یا این که داوری به یک سازمان داوری بین‌المللی مانند (مرکز بین‌المللی حل و فصل اختلافات ناشی از سرمایه‌گذاری) واگذار شود، یا داوری تابع مقرراتی باشد که جنبه بین‌المللی دارند. در بند ۳ ماده ۱ قانون نمونه داوری آنستیرال آمده است که داوری در صورتی بین‌المللی است که:

۱- مرکز فعالیت طرفین موافقتنامه داوری در زمان انعقاد قرارداد مذکور در کشورهای مختلف باشد.

۲- یکی از محلهای زیر خارج از کشوری باشد که مرکز فعالیت طرفین در آن کشور واقع است و محلها عبارتند از اقامتگاه طرفین دعوی، محل داوری، محل اجرای تعهدات کشورهای چون کانادا، تونس، هنگ کنگ، استرالیا که قانون نمونه داوری آنستیرال را پذیرفته‌اند و نیز کشورهای همچون فرانسه و سوئیس که در قوانین خود داوری بین المللی را تعریف کرده‌اند مشمول این گونه داوری هستند. البته دیوان دعاوی ایران و ایالات متحده از جمله نمونه داورهای‌های که به خاطر سازمانشان بین المللی تلقی شده که دیوان مزبور طبق بیانیه‌های الجزایر در سال ۱۹۸۱ تاسیس شد که بر اساس قواعد و مقررات آنستیرال عمل می‌کند.

اما فایده تفکیک آرای داوری از همدیگر در چگونگی شناسایی و اجرای آرای صادر می‌باشد، به این صورت که آرای داخلی در یک کشور احتیاج به شناسایی ندارند یعنی اصلاً موضوع شناسایی آرای داخلی مطرح نمی‌شود. ولی آرای که خصیصه خارجی دارند یقیناً بایستی توسط دادگاه صالح شناسایی شود و فایده دوم این که چه در زمینه ابطال رأی و چه در زمینه بکارگیری روش‌های اجرا و موانع اجرای اجباری احکام تمایز بین احکام داخلی و خارجی از اهمیت عملی برخوردار است.

حکم داوری

احکام داوری به هر لفظی که نامیده شود از قبیل حکم، تصمیم، گزارش و یا نظریه داوری و غیره تأثیری در ماهیت حقوقی آن ندارد. بررسی اسناد بین المللی داوری و قانون داوری جدید ایران و همچنین قانون نمونه آنستیرال Uncirtal بیانگر این موضوع است که حکم داوری همچون احکام قضایی محاکم دادگستری، کتبی و با امضاء اکثریت داوران صادر شود. مگر این که در قرارداد ترتیب دیگری مثلاً اتفاق آراء یا اکثریت بخصوص پیش بینی شده باشد. در آرای صادره با امضاء اکثریت، باید نظریه اقلیت یا عدم امضاء

دیگر اعضای داوری ذکر شود. و به طور معمول رأی داوری به طور مخفی صادر می شود. بند ۱ ماده ۳۰ قانون داوری تجاری بین المللی ایران بیان می دارد. «رأی باید به صورت کتبی باشد و به امضاء داور یا داوران برسد. در مواردی که داور بیش از یک نفر باشد امضاء اکثریت کافی خواهد بود. مشروط به این که علت عدم امضای دیگر اعضا ذکر شود.»

ماده ۲۹ قانون مزبور مقرر می دارد.

«در داوریهایی که توسط بیش از یک داور صورت می گیرد، هر تصمیم هیأت داوری باید با اکثریت امضاء هیأت داوری اتخاذ شود. مگر این که طرفین به نحو دیگری توافق کرده باشند.»

در بند دوم ماده یکم کنوانسیون شناسایی و اجرای احکام داوری خارجی نیویورک ۱۹۵۸ آمده است. «مراد از احکام داوری نه فقط احکام صادره توسط داورانی است که در هر پرونده انتخاب می شوند بلکه شامل احکام صادره از نهادهای دائم داوری که اصحاب دعوی به آنها رجوع کرده اند نیز می باشد.»

در بعضی از قراردادهای داوری مانند ماده ۱۸ قرارداد کمیسیون آشتی سال ۱۹۴۸ فرانسه و ایتالیا به صراحت ذکر کرده اند که حکم داوری باید شامل اسامی طرفین، موضوع اختلاف، بیانیه نهایی، عوامل یا نمایندگان طرفین، شرح موجبات عملی و حقوقی، تصمیمات مدلل و موجه دادگاه، نحوه پرداخت هزینه داوری تاریخ و امضاء باشد.

ماده ۴۸۲ قانون آیین دادرسی مدنی نیز مقرر می دارد:

«رأی داور باید موجه و مدلل بوده و مخالف با قوانین موجد حق نباشد.»

آثار احکام داوری تجاری بین المللی

الف - الزامی بودن حکم داوری

حکم داوری برای اصحاب دعوی و تا حدودی که با مقررات قرارداد داوری مطابقت داشته باشد الزام آور است. این اصل الزامی بودن حکم داوری مبتنی بر قاعده وفای به عهد و

احترام به قول *Pacta sunt servanda* می‌باشد. چنانچه بیان شد مبنای داوری اراده آزاد طرفین بوده چه بعد و چه قبل از اختلاف چه به صورت قرار یا شرط داوری، اهمیت چندانی ندارد که مبنای این قدرت الزامی را پذیرش قبلی طرفین اختلاف بدانیم یا بر اساس این عقیده تلقی کنیم که چون حکم داوری بر پایه موازین حقوقی صادر شده است الزام آور می‌باشد.

الزام آور بودن آرای داوری در متون و کنوانسیونهای بین‌المللی مورد تأیید و تصریح قرار گرفته است.

درخصوص مورد می‌توان به ماده ۵۳ کنوانسیون حل و فصل اختلافات ناشی از سرمایه‌گذاری بین دولتها و اتباع دول دیگر در واشینگتن ۱۹۶۵ اشاره کرد که آمده است «رأی نسبت به طرفین الزام آور است...» و هر کدام از طرفین باید از مفاد رأی تبعیت کند و مودای آن را اجرا نماید...

ماده ۳ کنوانسیون شناسایی و اجرای آراء داوری خارجی نیویورک ۱۹۵۸ نیز بدین شرح احکام داوری را الزام آور دانسته است.

«دول متعاهد احکام داوری را الزام آور خواهند شناخت و آن را مطابق آیین داوری محلی که حکم داوری در قلمرو آن مورد استناد قرار گرفته است با رعایت شرایط مندرج در مواد آتی این کنوانسیون اجرا خواهند کرد. به هنگام شناسایی و اجرای احکام داوری موضوع این کنوانسیون، هیچ‌گونه شرایطی که اساساً شدیدتر باشد یا حق الزحمه‌ای یا هزینه‌ای بیشتر از آنچه که در شناسایی و اجرای احکام داوری داخلی معمول است، تحمیل نخواهد شد».

ماده ۳۵ قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران بیان می‌دارد:

۱- به استثنای موارد مندرج در مواد ۳۳ و ۳۴ آرای داوری که مطابق مقررات این قانون صادر شود، قطعی و پس از ابلاغ لازم‌الاجرا است و در صورت درخواست کتبی از دادگاه موضوع ماده (۶) ترتیبات اجرای احکام دادگاهها به مورد اجرا گذاشته می‌شوند.

ماده ۸۱ کنوانسیون ۱۹۰۷ لاهه مقرر می‌دارد. «با صدور و ابلاغ صحیح رأی به

نماینده رابط طرفین، دعوی به طور قطعی و بدون تجدید نظر مختومه می‌گردد. که در حقیقت هدف ماده همانا تدوین مفهوم اعتبار قضیه مختومه» در حقوق بین الملل عرفی می‌باشد.

حکم داوری اعتبار امر مختومه را دارد و فقط نسبت به طرفین یک دعوی و در مورد اختلاف معینی معتبر است و نسبت به دولت ثالث اثری ندارد و نمی‌تواند به حقوق آنان لطمه‌ای بزند مختومه بودن حکم داوری دارای آثار نتایجی است از جمله آن که داوران پس از صدور و امضاء رأی خود دیگر صلاحیتی برای رسیدگی و اظهار نظر نسبت به آن اختلاف را ندارند و وظیفه آنان خاتمه یافته تلقی می‌شود. و دیگر آن که طرفین اختلاف مکلفند که مفاد حکم را اجراء نمایند و چنانچه قوانین داخلی اقداماتی را برای اجرای حکم ضروری می‌داند باید اقدامات را طرفین انجام و موانع را از لحاظ حقوق داخلی رفع نمایند.

در این رابطه ماده ۳۰ قواعد نمونه داوری مقرر می‌دارد «حکم داوری به محض صدور رأی برای طرفین الزام‌آور است و در نتیجه کشورهای طرف دعوی مکلفند کلیه تدابیر قانونی، اداری، مالی و قضایی لازم را برای اجرای حکم داوری اتخاذ نمایند.

ب - قطعی بودن حکم داوری

حکم داوری قطعی است و منظور این است که پس از اتخاذ تصمیم توسط داوران و امضاء و اعلام آن، دیگر همچون محاکم دادگستری مراحل رسیدگی استیناف یا تمیز ندارد البته این قطعیت حکم بدان معنی نیست که حکم داوری در هیچ صورت قابل تجدید نظر نباشد. البته در مواردی امکان تجدید نظر در آرای داوری پیش بینی شده است. چنانکه در مواردی در موضوع عبارات و مفاد حکم و تفسیر آن و همچنین تجاوز داوران از حدود صلاحیت خود، یا عدم توجه به بعضی از نکات و اصول اساسی و اسناد جدید که مربوط به موضوع اختلاف بوده و طرفین داوری از آن اطلاع نداشته یا داوران مورد توجه قرار نداده باشند.

ماده ۵۱ کنوانسیون حل و فصل اختلاف واشینگتن ۱۹۶۵ مقرر نموده

درخواست تجدید نظر می تواند «به استناد کشف بعدی بعضی واقعیات که به طور قطعی در رأی مؤثر است» به عمل آید. همچنین واقعیاتی می باید بر دیوان نیز بر تجدید نظر خواه مجهول مانده باشد و جهل تجدید نظر خواه نسبت به آنها نباید ناشی از غفلت او بوده باشد.

گذشته از موارد فوق چنانچه قبلاً نیز بیان شد قرارداد یا شرط داوری حاصل توافق طرفین می باشد لذا طرفین می توانند حق درخواست تجدیدنظر را برای خود در قرارداد داوری محفوظ دارند مگر در مواردی که خلاف آن شرط شده باشد درخواست تجدیدنظر معمولاً به مرجع صادر کننده رأی تسلیم می شود چنین درخواستی فقط بر مبنای مدارک و اسناد و حقایق جدیدی که تأثیر قطعی بر حکم داشته و در زمان ختم رسیدگی برای مرجع داوری و درخواست کننده تجدید نظر ناشناخته بوده باشد.

شناسایی و اجرای احکام داوری تجاری بین المللی

شاید بتوان گفت که شناسایی و اجرای احکام خارجی در جامعه کنونی و در مراودات بین المللی یکی از موضوعات مهم در بین کشورها و ارتباطات فی ما بین بوده باشد چون هرگاه کلیه کشورها احکام صادره در کشورهای دیگر را مورد شناسایی قرار می دهند موجبات ثبات روابط اشخاص در سراسر جهان فراهم می شود.

اما منظور از شناسایی رأی داوری در تجارت بین المللی چیست؟ منظور این است که به رأی داوری ارزش و قدرتی همانند با احکام صادره از دادگاههای کشوری اعطاء شود که شناسایی رأی داور در آنجا درخواست شده. به عبارت دیگر به رسمیت شناختن رأی داوری توسط نظام حقوقی کشور محل اجرای رأی می باشد.

منظور از اجرای رأی آن این که محکوم علیه متعهد و ملتزم باشد مفاد رأی صادره داوری را طبق مفاد آن به اجرا بگذارد. و یکی از اهداف شناسایی رأی این است که محکوم علیه، از اخذ هرگونه حکم دیگری نسبت به همان دعوا منع گردد.

مفهوم شناسایی و اجرای احکام

با این که داوری از طریق قرارداد خصوصی و توافق بین طرفین اختلاف برقرار می‌شود، اغلب حقوقدانان داوری را نیز در ردیف رسیدگی دادگاه می‌دانند، زیرا ارجاع مورد اختلاف به داوری جهت حل و فصل آن، در این مقام داور جایگزین قاضی شده و رأی خود را صادر می‌کند. گرچه رأی داوری فی حد ذاته تصمیم قضایی نیست اما با شباهتهایی که با احکام دادگاه دارد دارای ماهیت شبه قضایی و بعضاً دارای ماهیت قضایی می‌باشد. ولی تا زمانی که از طرف یک مقام قضایی دستور اجرای رأی داوری صادر نشده باشد. رأی داوری خاصیت قضایی پیدا نمی‌کند و لازم و الاجرا نیست. به همین جهت از نظر حقوق بین الملل خصوصی رأی داوری نیز مانند حکم دادگاه‌ها به کشور محل صدور رأی و صدور دستور اجرای رأی مرتبط می‌باشد اصولاً قدرتی که به دولتها، اجرای آرای قضایی بیگانه را تحمیل کند، وجود ندارد. ولی نفع دولتها در اجرای احکام خارجی است و در حقیقت ضرورت و احتیاج و ارتباط مداوم کشورها با همدیگر است که اجرای احکام خارجی را ایجاب می‌کند.

درخصوص موضوع بحث مواد دوم و سوم کنوانسیون شناسایی و اجرای احکام

داوری بین المللی (نیویورک ۱۹۵۸) مقرر می‌دارند:

ماده ۲- دول متعاقد هر موافقت نامه کتبی را که طرفین به موجب آن متعهد شده باشند تمام یا قسمتی از دعاوی موجود یا دعاوی آتی خود را به داوری ارجاع نمایند و این دعاوی ناشی از رابطه حقوقی یعنی، اعم از قراردادی یا غیر آن بوده و موضوع آن از طریق داوری قابل حل و فصل باشد، به رسمیت خواهد شناخت.

ماده ۳- دول متعاقد احکام داوری را الزام آور خواهند شناخت و آن را مطابق آئین دادرسی محلی که حکم داوری در قلمرو آن مورد استناد قرار گرفته است ... هیچ گونه شرایطی که اساساً شدیدتر باشد یا حق الزحمه‌ای یا هزینه‌ای بیشتر از آنچه که در شناسایی و اجرای احکام داوری داخلی معمول است، تحمیل نخواهد شد. در بند ۱ ماده ۳۵ قانون و مقررات آنستیرال ۱۹۸۵ آمده است:

«داوری صرف نظر از کشوری که در قلمرو آن صادر شده بایستی لازم الاجراء شناخته شود...»

در ماده ۵۴ کنوانسیون قانون حاکم و اجرای در داوریهای موضوع کنوانسیون حل و فصل اختلافات ناشی از سرمایه‌گذاری... ۱۹۶۵ نیز شناسایی رأی داوری صادره تحت مقررات کنوانسیون به عنوان یک رأی الزام‌آور به نحوی که به منزله یک رأی نهایی صادره از محاکمه داخلی همان کشور تلقی شود را به عنوان وظیفه کلیه کشورهای متعاقد عضو کنوانسیون شناخته است.

به عبارت دیگر ماده ۵۴ کنوانسیون کشور متعاقد را ملزم کرده است که رأی داوری را معادل و همانند با احکام نهایی صادره از محاکم داخلی خود تلقی نماید. ماده مذکور کشورهای متعاقد را به چیزی بیش از این ملزم نمی‌داند و نیز آنها را متعهد به اجرای اجباری آرای داوری مرکز در مواردی که احکام نهایی دادگاههای داخلی که مشابه با چنان رأی داوری است نتواند به اجرا در آید نکرده است. در نهایت کنوانسیون تعهد به شناسایی و اجرای رأی داوری را برای کلیه کشورهای متعاقد شناخته است.

باید اذعان داشت که توسعه روز افزون در تمامی زمینه‌ها به ویژه در روابط تجاری بین‌المللی موضوع شناسایی و اجرای احکام خارجی و آرای داوری را به صورت غیر قابل تردید مطرح نموده است.

البته رأی داوری بر اینکه در کشوری قابلیت اجرای پیدا کند ضروری و لازم است شرایطی را که نظام حقوقی کشور محل اجرای رأی وضع نموده است دارا باشد. در غیر این صورت امکان استفاده از قدرت قانون برای اجرای آن وجود نخواهد داشت.

موانع اجرای احکام داوری تجاری بین‌المللی

در این مبحث به طور خلاصه به موانعی که در سر راه اجرای احکام وجود دارد می‌پردازیم:

الف - عدم رعایت شرایط دادرسی

در هر رسیدگی باید قواعد و مقررات و آئین دادرسی مربوطه رعایت شود منجمله ابلاغ

دادخواست چه بصورت واقعی یا قانونی، دادرسی بیطرفانه تبادل لوایح، برقراری جلسات منظم دادرسی، بررسی دقیق دفاعیات و مستندات طرفین که عدم رعایت این موازین در حکم سلب حق دفاع از مدعی علیه تلقی شده و رأی صادره حتی اگر از سایر جهات معتبر بوده و در کشور محل صدور قابلیت اجرا داشته باشد، دارای تأثیر برون مرزی نخواهد بود. به عنوان مثال بند ۱ ماده ۵۲ کنوانسیون واشینگتن ۱۹۶۵ ناظر به همین موضوع است. د - در صورتی که از اصول اساسی آیین دادرسی ترک [نقض] شده باشد. ه - در صورتی که دلایل مبنای صدور حکم بیان نشده باشد.

ب - مغایرت حکم با نظم عمومی

تعریف نظم عمومی در ازمنه و امکانه و امصار متفاوت است، در یک کشور تشکیلات و سازمانهای مختلف، معمولاً هم آهنگ تدارک دیده شده و مقام قانونگذار علی القاعده در تصویب هر قانون تمام ابعاد موضوع را، در نظر می‌گیرد، قانونی وضع می‌کند که در آن جامعه متجانس شناخته شود و محیط برای اجرای آن مساعد باشد، قوه قانونگذار از خود همان جامعه است و با موازین دینی، اخلاقی، سوابق تاریخی ریشه‌های قومی و نژادی ارگانه‌های عمومی آشنایی کامل دارد وضع قانون طی مراحل صورت می‌گیرد. بنابراین هرگاه اجرای حکم صادره از محاکمه خارجی خللی به نظم عمومی کشور محل اجرا وارد کند به عنوان یک قاعده مسلم حقوقی چنین حکمی را نمی‌توان مورد شناسایی و اجرا قرار داد.

قسمت ۲ بند (ب) ماده ۳۴ قانون نمونه درباره داوری تجاری بین المللی (آنستیرال) به مغایرت حکم با نظم عمومی به عنوان یکی از دلایل ابطال، که به منزله تنها راه اعتراض به رأی تلقی شده است. اشاره کرده است.

قسمت (ب) بند ۲ ماده ۵ کنوانسیون ۱۹۵۸ نیویورک نیز به مغایرت حکم با نظم عمومی به عنوان یکی از دلایل رد تقاضای شناسایی و اجرای حکم تصریح کرده است.

ج - تعارض آرای صادره

فقدان قواعد و مقررات واحد در زمینه صلاحیت در میان کشورهای مختلف امکان واجد صلاحیت بودن دادگاههای دو کشور نسبت به موضوع واحد وجود دارد و در نتیجه ممکن است دعوی واحد در دو کشور مختلف طرح شده و منتهی به صدور احکام معارض گردد. بعضی از حقوقدانان اعتقاد دارند که محاکم در مواجهه با چنین آرای هم‌چون قوانین مصوب در موضوع واحد عمل نمایند. یعنی با وجود قانون لاحق قانون سابق نسخ می‌شود با صدور حکم لاحق حکم سابق نسخ می‌شود. ولی این نظریه از لحاظ حقوقی قابل دفاع نیست.

ماده ۳۷۶ ق. آ. د. م جدید در خصوص آرای مغایر صادره در موضوع واحد بیان می‌دارد «چنانچه در موضوع یک دعوا آرای مغایری صادر شده باشد بدون این که طرفین یا صورت اختلاف تغییر نماید و یا به سبب تجدید نظر یا اعاده دادرسی رأی دادگاه نقض شود، رأی مؤخر بی اعتبار بوده و به درخواست ذی نفع بی اعتباری آن اعلام می‌گردد. هم‌چنین رأی اول در صورت مخالفت با قانون نقض خواهد شد، اعم از این که آرای یاد شده از یک دادگاه یا دادگاههای متعدد صادر شده باشد.»

اما در سطح بین‌المللی چون احکام صادره بر اساس قواعد و مقررات و حاکمیت دول مختلف می‌باشد و اجرای هر یک از احکام متعارض به منزله ترجیح یکی از دو حاکمیت خارجی می‌باشد. لذا به نظر بهترین راه حل می‌تواند این باشد که از اجرای هر دو حکم متعارض امتناع شود.

د - تقاضای ابطال رأی

یکی از موارد موانع اجرای رأی داوری تقاضای ابطال آن می‌باشد. این اصل و قاعده که رأی داوری قطعی است و قاطع دعوی می‌باشد بایستی مبتنی بر اجرای صحیح مفاد توافقنامه داوری، صدور رأی بر طبق اصول و قواعد حقوقی و منطقی که رأی متکی به آن و عملکرد صحیح داوران، رعایت موازین دقیق حقوقی باشد، در غیر این صورت رأی

داوری قابل ابطال خواهد بود.

در بند ۴ ماده ۳۴ قانون آنستیرال آمده است. «دادگاه می‌تواند در مواردی که از او تقاضای ابطال رأی داورى شده، در صورت اقتضاء و درخواست یکی از طرفین به منظور ایجاد فرصت برای دیوان داورى جهت از سرگیری رسیدگی یا سایر اقدامات مشابه که به نظر دیوان داورى دلایل ابطال را منتفی می‌سازد، رسیدگی به تقاضای مذکور را برای مدتی که خود تعیین می‌کند، معلق نماید.» درخصوص موضوع باید بین مفاهیم بطلان و قابلیت ابطال که گاهی از آنها به بطلان مطلق و نسبی یاد می‌شود باید تمایز قائل شد.

در بطلان نسبی (قابلیت ابطال) تنها کسی که بطلان برای حمایت از منافع او است، حق درخواست ابطال رأی را دارد. در حالی که در ابطال مطلق هر ذی نفع می‌تواند ابطال رأی را از دادگاه بخواهد و دادگاه از پیش خود نیز می‌تواند از اجرای آن خودداری کند.

بطلان مطلق علی‌الاصول نباید محتاج حکم دادگاه باشد، تنها چون به صورت ظاهر یک رأی داورى وجود دارد و اساساً برای اثبات خلاف این ظاهر است که «بطلان» عنوان می‌شود، ناچار دادگاه باید بطلان رأی را اعلام کند و به اختلاف پایان دهد.

در ماده ۳۳ قانون داورى تجارى بین المللى ایران نیز موارد درخواست ابطال رأی داورى احصاء شده است. و موارد بطلان رأی و غیر قابل اجرا بودن آن در ماده ۳۴ قانون داورى بیان شده است.

عمدتاً مواردی که در بررسی رویه قضایی بین المللی برای ابطال و بطلان رأی داورى تأکید می‌شود. از جمله می‌توان فقدان اهلیت طرفین، عدم رعایت آیین رسیدگی داورى، صدور رأی خارج از حدود اختیارات داور، مفاد رأی مخالف با قواعد امره و نظم عمومی کشور محل صدور یا اجرای رأی باشد را نام برد.

کنوانسیون شناسایی و اجرای آراء داورى خارجى نیویورک ۱۹۸۵ در قسمت (ج)

بند ۱ ماده ۵ موضوع تجاوز از حدود و اختیارات را به این ترتیب بیان کرده است:

۱- درخواست شناسایی و اجرای حکم داورى فقط در صورتی می‌تواند به تقاضای

کسی که علیه او به حکم استناد شده رد شود که طرف مذکور نزد مرجع صالح محلی که در

آنجا تقاضای شناسایی و اجرای حکم شده است، دلایل و مدارک مثبت‌های ارائه دهد مبنی بر این که:

الف) طرفین موافقتنامه داوری ... به جهتی فاقد اهلیت بوده.

ب) تعیین داور یا جریان رسیدگی داوری به طرفی که علیه وی به حکم استناد شده، درست ابلاغ نگردیده.

ج) حکم داوری مربوط به اختلافی باشد که نظر به ارجاع آن به داوری نبوده یا داخل در موضوع ارجاع به داوری نیست،.....

د) نحوه تشکیل مرجع داوری یا تشریفات داوری منطبق با توافق طرفین نبوده یا.....

ه) حکم داوری هنوز نسبت به طرفین لازم الاجرا نشده یا این که مرجع صالح کشوری که حکم در قلمرو آن یا موجب قوانین آن صادر شده، ابطال یا معلق گردیده است....

طبق ماده ۵۲ کنوانسیون حل و اختلاف ناشی از سرمایه گذاری... واشنگتن ۱۹۶۵ درخواست ابطال رأی داوری می تواند به استناد یک یا چند مورد از موارد زیر به عمل آید:

الف) دیوان داوری صحیحاً تشکیل نشده باشد.

ب) دیوان آشکار از اختیارات خود تجاوز کرده باشد.

ج) یکی از اعضای دیوان رشوه گرفته باشد.

د) یکی از قواعد اساسی مربوط به آئین دادرسی نقض شده باشد.

ه) در صورتی که دلایل مبنای رأی نشده باشد.

درخواست ابطال رأی باید ظرف ۱۲۰ روز پس از صدور، یا در صورت وقوع رشوه پس از ۱۲۰ روز بعد از کشف آن و به هر حال ظرف سه سال به عمل آید.

بدیهی است درخواست ابطال رأی به دیوانی که آن را صادر کرده است، تسلیم نمی شود، بلکه توسط یک کمیته سه نفره خاص که اعضای آن به وسیله شورای داوری مرکز حل و فصل اختلافات ناشی از سرمایه گذاری و از میان گروه داوران مرکز منصوب

می‌شوند، مورد رسیدگی قرار می‌گیرد.

اجرای احکام داورى

توافق اولیه جهت ارجاع حل و فصل اختلافات به داورى به طور ضمنى مبین این امر است که حکم داورى صادره در خاتمه رسیدگی باید اجرا گردد. چنانچه احکام داورى به تعداد قابل ملاحظه‌ای اجرا نگردد و یا اشکالات و موانعی در اجرای آن بروز نماید، دیگر داورى فاقد ارزش و اعتبار خواهد بود.

توسعه و گسترش روزافزون روابط تجارى بین المللى در جهان به همراه آن موجب توسعه و موفقیت فوق العاده داورى تجارى بین المللى نیز گشته و این امر ضرورت ضمانت اجرای احکام داورى صادره را ایجاب می‌کند. اجرای احکام داورى می‌تواند به صورت اجرای اختیاری یا اجبارى مطرح شود.

اجرای ارادى و اختیاری احکام به لحاظ احترامى که به آرای صادره قائل می‌شوند در همه موارد مورد تأکید قرار می‌گیرد و این امر در قوانین و مقررات بین المللى و متون کنوانسیونها تأکید می‌شود و از طرفین و دولتها درخواست می‌شود که به آرای صادره دادرسی به دیده احترام بنگرند و موانع در راه اجرای احکام را مرتفع نمایند.

در نظام حقوقى داخلی کشورها، تمامی مقررات قانونى مورد احترام است و خود به خود از آنها متابعت می‌شود بی آن که نیاز به فشار از جانب دولت باشد و این متابعت علل گوناگونى دارد که بدیهی‌ترین آنها احتمال قوی و قریب به یقینى است که در مورد عواقب ناگوار امتناع از رعایت مقررات وجود دارد در نظام بین المللى نیز همین قاعده در مورد احکام داورى رعایت می‌شود البته اجرای اختیاری رأی داورى می‌تواند علتهاى بسیارى داشته باشد و همیشه با طیب خاطر انجام نمی‌شود.

برای مثال وجود یک قانون ملی یا کنوانسیون بین المللى به نفع داورى و نقش بازدارنده رویه قضایى در زمینه پژوهش خواهی یا اعتراض به اجرای احکام را می‌توان در زمره این دلایل دانست. گذشته از عللى که به طور مستقیم موجب اجرای اختیاری احکام

داوری می‌شود در اینجا لازم است به ضمانت اجرای اختیاری احکام داوری به معنای مطلق آن بازگردیم. نکته‌ای که در این مورد قابل ذکر است این است که بهترین تضمین برای اجرا «کیفیت رأی داور» است. در اجرای اجباری احکام داوری کشورها معمولاً یکی از او روش دو انتخاب می‌کنند.

اول - روش شبیه به یک حکم قضایی خارجی که طی مراحل از جمله اخذ دستور اجرا را به دنبال دارد.

دوم - روشی که کم و بیش شبیه به یک حکم داوری ملی را البته در سیستم سنتی کشورهای کامن‌لا دادخواست‌های حقوقی عادی به منظور اخذ تأییدیه حکم داوری و تبدیل آن به یک حکم دادگاهی تقدیم می‌گردد.

برخی از راه‌حلهای ارائه شده در قوانین و رویه‌های قضایی ملی از شناسایی و اجرای احکام خارجی استقبال کرده و به سود داوری بوده‌اند، ولی در کل گستردگی و پیچیدگی موضوع و اختلافات موجود میان سیستم‌های حقوقی باعث پیچیدگی و نامطمئن بودن راه‌حلهای عرضه شده توسط قوانین ملی می‌باشد و به سود داوری نیست و علت اصلی و قطعی تنظیم ماهرانه و موفقیت‌آمیز کنوانسیونهای بین‌المللی در این موضوع است. منجمله مواد ۵۳ الی ۵۵ کنوانسیون واشینگتن ۱۹۶۵ در خصوص الزام‌آور بودن رأی نسبت به اصحاب دعوی اختصاص یافته است.

ماده ۵۳ بیان می‌دارد: «رأی نسبت به طرفین الزام‌آور است...» و «هر کدام از طرفین باید از مفاد رأی تبعیت کند و مؤدای آن را اجرا نماید. ماده ۵۴ کنوانسیون فوق هم نهایه بودن رأی در قلمرو برون مرزی - یعنی در برابر دادگاههای داخلی کشورهای متعاقد را مورد تأیید قرار داده است.

رأی داوری صادره تحت کنوانسیون در هر کدام از کشورهای متعاقد دارای اعتبار قضیه مختومه می‌باشد.

ماده ۵۵ - «هیچ یک از موارد مذکور در ماده ۵۴ نباید به عنوان عدول از مقررات قابل اجرای کشورهای متعاقد در ارتباط با مصونیت اجرایی آن دولت یا هر دولت خارجی

دیگر تعبیر شود.»

در ماده سوم کنوانسیون شناسایی و اجرای احکام داوری خارجی نیویورک ۱۹۵۸ آمده است:

«دول متعاقد احکام داوری را الزام آور خواهد شناخت و آن را مطابق آیین دادرسی محلی که حکم داوری در قلمرو آن مورد استناد قرار گرفته است، با رعایت شرایط مندرج در مواد آتی این کنوانسیون اجرا خواهند کرد...».

در خصوص اجرای رأی قانون داوری تجاری بین المللی ایران نیز در ماده ۳۵ بیان می‌دارد:

۱ - به استثناء موارد مندرج در مواد ۳۳ و ۳۴ آرای داوری که مطابق مقررات این قانون صادر شود قطعی و پس از ابلاغ لازم الاجرا است، و در صورت درخواست کتبی از دادگاه موضوع ماده (۶) ترتیبات اجرای احکام دادگاهها به مورد اجرا گذاشته می‌شوند... نهایتاً در جمع بندی و نتیجه گیری مطالب در خصوص ضمانت اجرای احکام داوری تجاری می‌توان بیان کرد مشکلاتی که اجرای احکام را احاطه می‌کند، به ویژه اجرای احکام از طریق فشار دولتها نه فقط موارد استثنایی را تشکیل می‌دهد و اهمیت این حوادث نباید بیش از حد بزرگ جلوه داده شوند، بلکه مسئله متداولی نیز در امر داوری به شمار نمی‌رود که مبین بعضی تخلفات نادر در این امر است، و اجرای احکام اعم از اجباری یا اختیاری دو رکن مرتبط به هم و حتی تکمیل کننده یکدیگر هستند.

فرهنگ اصطلاحات حقوقی - ثبتی

سید جلیل محمدی*

اشاره

سطوری که در پی می‌آید بخشی از تألیف ارزشمند آقای سید جلیل محمدی، با عنوان «فرهنگ اصطلاحات حقوقی - ثبتی» است که مدتهاست در زمینه تألیف و تدوین آن همت کرده‌اند و سعی دارند در تألیف منظور که کلیه لغات و اصطلاحات مربوط به اراضی، املاک، آب و خاک و کشاورزی، اوزان و مشاغل را خصوصاً از منابع، مدارک و قبایله‌ها و پرونده‌های کهن و نیز بر مبنای کتب تاریخی و سوابق ثبت اسناد و املاک گرد آورده و معانی و مفاهیم خاص اصطلاحی این فنون را برای کلمات برگزیده، انتخاب و ذکر کنند.

ضمن آرزوی موفقیت مشارالیه و همه کسانی که قدمی برای تعالی فرهنگ و دانش بر می‌دارند، بخشی دیگر از تألیف مشارالیه را از نظرتان می‌گذرانیم:

* دادستان دادسرا و دادگاههای انتظامی سردفتران.

- اَتَّهَاب. هبه از همدیگر قبول کردن. هبه پذیرفتن. (تاج المصادر بیهقی) || بخشش پذیرفتن. (لغت نامه دهخدا)
- اِثَاء. سنگها. (منتهی الارب) (لغت نامه دهخدا)
- اَثَاث. رخت خانه و قماش خانه. وسایل زندگی. وسایل خانه. اثاث البیت. (لغت نامه دهخدا)
- اِثَاث البیت. وسایل و لوازم خانه. وسایل مخصوص زندگی در خانه. - نفقه عبارت است از مسکن و البسه و غذا و اثاث البیت که به طور متعارف با وضعیت زن متناسب باشد. (ماده ۱۱۰۷ ق.م)
- اِثْبَات. ثبت کردن. مرحله علم به چیزی را مرحله اثبات آن چیز نامند... (لغت نامه دهخدا) || ثابت کردن. پابرجا کردن. (فرهنگ عمید)
- اثبات ید بر مال غیر بدون مجوز هم در حکم غصب است. (ماده ۳۰۸ ق.م)
- هر کس مدعی حقی باشد باید آن را اثبات کند. (ماده ۱۲۵۷ ق.م)
- اِثْر. نشانه. علامت. تأثیر. || به تبع. به پیروی.
- صبر و ظفر هر دو دوستان قدیمند بر اثر صبر نوبت ظفر آید (حافظ - لغت نامه دهخدا)
- مدیران و نمایندگان ثبت و مسئولین دفاتر و صاحبان دفاتر اسناد رسمی جز در محل مأموریت خود نمی توانند انجام وظیفه نمایند. اقدامات آنها در خارج از آن محل اثر قانونی ندارد. (ماده ۲ ق.ث)
- اَثْر اِنْگُشت. نشان و علامت انگشت. جای انگشت.

اثر عقود. تأثیر پیمانها. اعتبار عقود و قراردادها. نتیجه عقود.

- معاملات و عقود فقط درباره طرفین مُتعاملین و قائم مقام قانونی آنها مؤثر است. (ماده ۲۳۱ ق. م. مبحث سوم - اثر عقود)

اثری. مرد بسیار مال. مقابل ثروی: زن بسیار مال. (لغت نامه دهخدا)

اَثْبُ. دیوارها. (لغت نامه دهخدا)

اَثَل. درخت گز. (فرهنگ معین)

اَثَلَب. خاک و سنگها. سنگریزهها. (منتهی الارب) (لغت نامه دهخدا)

اَثْمَار. میوهها. (لغت نامه دهخدا)

اِثْمَار. میوه آوردن درخت. میوه دادن. بار آوردن (زوزنی) || توانگر شدن. بسیار مال شدن. (تاج المصادر) (لغت نامه دهخدا)

اَثْمَر. پر میوه تر. میوه دار تر. سودمند تر. (لغت نامه دهخدا)

اِثْنَا عَشْرَ. دوازده. ائمه اثناعشر: دوازده امام شیعیان (لغت نامه دهخدا)

اِثْنَان. دو. دو مرد. (مُهْدَب الاسماء) (لغت نامه دهخدا)

اجابت. قبول کردن. پاسخ دادن. پذیرفتن (فرهنگ معین).

اجاد. چیزی مانند طاق خُرد و کوتاه. طاق عمارت (لغت نامه دهخدا)

- دفاتر اسناد رسمی هنگام گرفتن اثر انگشت سبابه دست راست ارباب رجوع ذیل اوراق و اسناد و دفاتر به موارد زیر توجه نمایند:

۱ - انگشت کاملاً تمیز و خشک باشد.

۲ - انگشت به قدری به جوهر استامپ آغشته گردد که پس از انگشت زدن، خطوط بند اول انگشت آن به طور واضح روی اسناد منعکس شود.

۳ - از به کار بردن جوهر خودنویس و خودکار اکیداً خودداری شود.

۴ - محلی که روی بند باید انگشت زده شود فاقد هر گونه نوشته و علامت گذاری و غیره باشد که بعداً با خطوط اثر انگشت تداخل نمایند. (بند ۸۷ مجموعه بخشنامهها)

- گواهی اثر انگشت افراد بی سواد به منزله گواهی امضاء است. (بند ۸۸ همان مجموعه) به «آغشته» رجوع شود.

اَثْرُ ضَمَان. تأثیر ضمان. نتیجه ضمانت و کفالت.

- بعد از اینکه ضمان به طور صحیح واقع شد ذمه مضمون عنه بری و ذمه ضامن به مضمون له مشغول می شود. (ماده ۶۹۸ ق. م)

نسبت به ملکی امین محسوب بوده و به عنوان مالکیت تقاضای ثبت آن را بکند به مجازات کلاهدار محکوم خواهد شد. (ماده ۱۰۷ ق. ث)

اجاره اشخاص. اجاره انسان. کسی که به موجب قراردادی برای مدت مُعینی به منظور انجام امر یا امور مُعینی به کار گرفته یا به عبارت دیگر اجیر می‌شود. مانند: کُلفت، نوکر و کارگر از هر نوع. || در گذشته معمول بود بعضی از خانواده‌های عیالوار که از نظر اقتصادی ضعیف بودند جوانان و حتی کودکان خود را به موجب قراردادی (سر خط^۱) به مدت یک یا دو سال برای انجام کارهای منزل، مغازه، چرا و نگهداری گاو و گوسفند و غیره، انجام امور زراعی به عنوان «نوکر» به خانواده‌ای می‌سپردند و در قبال آن مبلغی پول یا مقداری گندم یا جو از اجیر کننده یا کارفرما می‌گرفتند. ضمناً خوراک و پوشاک معمولی کارگر یا نوکر با صاحب خانه یا مغازه‌دار بود. || برای بعضی کارها مثل: حَمّامی، سلمانی و چوپانی هم

۱. در اصطلاح عام کسی که می‌خواهد شدت درجه ارادت و دوستی خود را ابراز نماید می‌گوید: «ما هنوز سر خط نوکری را پاره نکردیم، یعنی هنوز یادمان نرفته».

أجادیب. زمینهای سخت که آب در آن وا ایستد و زود باز نخورد. (مهذب الاسماء) جاهای خشک و بی نبات (منتهی الارب) (لغت نامه دهخدا)
إجّار. بام خانه. (منتهی الارب) (لغت نامه دهخدا)

اجارات مُترادِفِه. هرگاه کسی مالی را به مُدت مُعینی (مثلاً سی سال)، به سی عقد اجاره پی در پی، ولی در جلسه واحد بدهد که مبدأ اولین اجاره مُتصل به زمان عقد بوده و مبدأ دومین عقد اجاره، مُتصل به پایان مُدت نخستین عقد اجاره باشد و هکذا، این اجارات را «اجارات مترادفه» نامیده‌اند. (دائرة المعارف) (فرهنگ لغات و اصطلاحات اقتصاد اسلامی)

أجارد. زمینهای بی نبات. (منتهی الارب) (لغت نامه دهخدا)
اجاره. کرایه. مالی که مستأجر دهد موجر را در ازاء منفعت (تملیک منافع). (لغت نامه دهخدا)

- اجاره عقدی است که به موجب آن مستأجر مالک منافع عین مستأجره می‌شود. اجاره دهنده را موجر و اجاره کننده را مستأجر و مورد اجاره را عین مستأجره گویند. (ماده ۴۶۶ ق. م)
- هر کس به عنوان اجاره‌یا...

عنوان سرقفلی، مورد اجاره را برای همان شغل و در صورتی که منع قانونی وجود نداشته باشد و با قرارداد اجاره مُناقات نداشته باشد برای مشاغل دیگر، با رعایت سایر شرایط مندرج در اجاره نامه به دیگری منتقل نماید. (ماده ۱۵ آیین نامه اجرائی قانون روابط موجر و مستأجر تصویب نامه، ۶۹۱۴۵-ت/۱۹۸۴۵/هـ - ۷۸/۳/۱۷ هیأت وزیران)

اجازه حیوان. نوعی اجاره است که مورد اجاره آن حیوان باشد.
- در اجاره حیوان تعیین منفعت یا به تعیین مُدت اجاره است یا به بیان مسافت و محلی که راکب یا محمول باید به آنجا حمل شود. (ماده ۵۰۷ ق. م)
اجاره خاص. نوعی از اجاره خدمات است که اجیر، در زمان معین، نیروی کار خود را در اختیار کارفرما قرار می‌دهد و تحت اداره و تبعیت او کار می‌کند. به همین جهت در طول آن مُدت، حق ندارد تعهدی از دیگری بپذیرد و برای او کار کند، مگر آنکه عملاً بین دو تعهد، بی‌اشکال باشد. اجیر خاص را «اجیر واحد» هم خوانده‌اند و «اجیر منفرد» هم نامیده شده است. (دائرة المعارف) (فرهنگ لغات و اصطلاحات اقتصاد اسلامی)

سرخط می‌نوشتند. (خوانسار - مؤلف)
- در اجاره اشخاص، کسی که اجاره می‌کند مستأجر و کسی که مورد اجاره واقع می‌شود اجیر و مال الاجاره اُجرت نامیده می‌شود. (ماده ۵۱۲ ق. م)
- اقسام عمده اجاره اشخاص از قرار ذیل است:

- ۱- اجاره خدمه و کارگران از هر قبیل.
- ۲- اجاره متصدیان حمل و نقل اشخاص یا مال التجاره اعم از راه خُشکی یا آب و هوا. (ماده ۵۱۳ ق. م)
اجاره بندی. تعیین اجاره یک یا چند مُستغل. (لغت نامه دهخدا)
اجاره بها. پولی که مستأجر بابت کرایه خانه یا دکان به مالک یا موجر می‌دهد. مال الاجاره. (فرهنگ عمید)
اجاره به ثالث. اجاره عین مستأجره به شخص ثالث است. این قسم اجاره را اجاره ثانی، اجاره فرعی، اجاره مستأجر به مستأجر هم گویند. در عُرف مُسلم کنونی این قسم اجاره بدون تصریح در سند اجاره، غیر نافذ و فضولی است. (مبسوط)
- مستأجر اماکن تجاری در مُدت اجاره چنانچه حق انتقال به غیر از او سلب نشده باشد می‌تواند با اخذ مبلغی به

مستأجر، کار نمی‌کند. (کشاف اصطلاحات الفنون، ج ۱، ص ۹۸) (فرهنگ لغات و اصطلاحات اقتصاد اسلامی)

اجاره مؤجل به مؤجل. ممکن است منفعت مورد اجاره برای مدت معینی پس از عقد، تسلیم مستأجر گردد، مثلاً بنگاه حمل و نقل، یک کامیون با ظرفیت مشخص، بدون تعیین خصوصیت آن برای ده روز بعد اجاره دهد و اجاره بها نیز برای ده روز بعد، قابل پرداخت باشد. لکن قرارداد اجاره، امروز بسته شود. در این صورت، عقد اجاره مؤجل به مؤجل، واقع می‌شود. بعضی از فقهای شافعی آن را به «بیع کالی به کالی» شبیه کرده‌اند. (دائرة المعارف) (فرهنگ لغات و اصطلاحات اقتصاد اسلامی)

اجاره نامچه. اجاره نامه. سند و قبالة اجاره ملکی یا کالایی را در اصطلاح عامیانه می‌گویند. (لغت نامه دهخدا)

اجاره نامه. سند و قبالة اجاره ملک (اعم از خانه، مغازه، زمین، کالا و غیره). اجاره نامچه

- دفاتر اسناد رسمی مکلفند علاوه بر نکاتی که به موجب قوانین و مقررات باید رعایت شود نکات زیر را در اجاره نامه تصریح کنند:

اجاره خدمه و کارگر. نوعی عقد اجاره است که خادم یا کارگری را برای مدت معینی در برابر مزد اجیر کنند.

- خادم یا کارگر نمی‌تواند اجیر شود مگر برای مدت معینی یا برای انجام امر معینی. (ماده ۵۱۴ ق.م)

اجاره خلاف قانون. مانند اجاره دادن انبار برای ذخیره کردن اسلحه غیر مجاز یا انباشتن مواد قاچاق یا اجاره دادن دکان به مشروب فروش و مانند اینها. (جواهر) (امبسوط)

اجاره دار. مستأجر. (لغت نامه دهخدا) || اجاره نشین (مؤلف)

اجاره داری. استیجار. (لغت نامه دهخدا)

اجاره عقار. اجاره آب و ملک. (آب و زمین زراعتی)

- در اجاره عقار آفت زراعت از هر قبیل که باشد به عهده مستأجر است مگر این که در عقد اجاره طور دیگر شرط شده باشد. (ماده ۵۰۶ ق.م)

اجاره فرعی. آن است که مستأجر، مورد اجاره را به دیگری اجاره دهد. (الحاوی، ج ۱، ص ۱۴۵) (فرهنگ لغات و اصطلاحات اقتصاد اسلامی)

اجاره مشترک. اجاره‌ای است که به موجب آن، اجیر تحت تبعیت و اداره

مَدَّت. || این نوع اجاره بیشتر برای املاک و مُستغلات موقوفه تنظیم می‌گردد. || در ازدواج مُنقطع نیز گاهی زمان نود و نه ساله تعیین می‌شود. (مؤلف) - مُدَّت اجاره نود و نه سال و اجاره بها هر پنج سال یک مرتبه قابل تجدید نظر است. (بند ج از ماده ۸ آئین نامه اصلاحات ارضی ۱۳۴۳)

اجازَه. اذن. رضایت. موافقت || اعلام یا اظهار رضایت شخصی که برابر قانون یا شرع رضای او شرط تأثیر عقد یا ایقاع باشد. (لغت نامه دهخدا) - اجازه در صورتی مؤثر است که مسبوق به رد نباشد و الاً اثری ندارد. (ماده ۲۵۰ ق. م.)

اجازه نامه. جواز. پروانه. گواهی نامه. مجوز رسمی || پروانه یا گواهی نامه‌ای که سازمانها، وزارت خانه‌ها و مراجع رسمی صادر می‌کنند. (مؤلف) اجازه وَلّی. موافقت سرپرست. رضایت و موافقت پدر یا جدّ پدری در امر ازدواج.

- نکاح دختر باکره اگر چه به سنّ بلوغ رسیده باشد موقوف به اجازه پدر یا جدّ پدری او است و هر گاه پدر یا جدّ پدری بدون علّت موجّه از دادن اجازه مُضایقه کند اجازه او ساقط و در این

۱ - اقامتگاه موجر به طور کامل و مشخص.

۲ - نشانی کامل مورد اجاره و قید این که از لحاظ رابطه اجاره این محلّ اقامتگاه قانونی مُستأجر می‌باشد یا ترتیب دیگری به تراضی طرفین.

۳ - عین مستأجره در تصرف کدام یک از طرفین است.

۴ - تعیین اجاره بها و نحوه پرداخت هر قسط آن.

۵ - تصریح به این که مستأجر حق انتقال به غیر را کلاً یا جزئاً دارد یا ندارد.

۶ - تعیین تکلیف عین مستأجره پس از پایان مُدَّت اجاره از لحاظ تخلیه یا تجدید اجاره با تراضی.

۷ - حق فسخ موجر در صورت تخلف مستأجر از پرداخت اجاره بها در موعد مقرر یا سایر شروط اجاره نامه. (ماده ۵ قانون روابط موجر و مستأجر ۱۳۵۶)

اجازَه نشین. مستأجر. خوش نشین. کسی که خانه یا محلّ مسکونی را اجاره و در آن سکونت می‌کند. (لغت نامه دهخدا) || کسی که از خود خانه ندارد و در خانه دیگری با پرداخت اجاره سکونت می‌کند. (مؤلف)

اجازَه نود و نه ساله. اجاره دراز

(زوزنی) (منتھی الارب) (لغت نامه دهخدا) || به زور و فشار. اکراه || بدون اکراه و اجبار باغ مو خود را وقف قنات ده کرد. (مؤلف)

أَجْبُو. زمینهای بلند که رنگ گل آنها سرخ باشد. || پشته‌ها. (لغت نامه دهخدا)

إِجْتِدَار. دیوار ساختن. (لغت نامه دهخدا)

إِجْتِرَاح. کسب کردن (منتھی الارب). اکتساب. (لغت نامه دهخدا)

إِجْتِرَاف. بدون کیل و وزن خریدن. چکی خریدن. (لغت نامه دهخدا)

إِجْتِرَام. اجترام نخل: اندازه کردن خرما بر درخت (منتھی الارب) (لغت نامه دهخدا) || برآورد محصول خرما هنگامی که چیده نشده است. (مؤلف)

إِجْتِنَاب. پرهیز. احتراز. پرهیز کردن. (منتھی الارب) کناره کردن. (لغت نامه دهخدا)

إِجْحَاف. کار بر کسی تنگ گرفتن. (تاج المصادر). اضرار. تکلیف ما لا یطاق (لغت نامه دهخدا)

إِجْدَاب. خشک و بی نبات گردیدن (مکان). زمین را خشک و بی نبات یافتن. (منتھی الارب). خشکسالی یافتن (زوزنی) (لغت نامه دهخدا)

صورت دختر می تواند با معرفی کامل مردی که می خواهد با او ازدواج نماید و شرایط نکاح و مهری که بین آنها قرار داده شده پس از اخذ اجازه از دادگاه مدنی خاص به دفتر ازدواج مراجعه و نسبت به ثبت ازدواج اقدام نماید. (ماده ۱۰۴۳ ق.م. اصلاحی ۱۳۷۰)

- در مواردی که اجازه ولی زوجه ضرورت دارد، بایستی ولی، ثبت دفتر و قبالة ازدواج را امضاء نماید. (بند ۱۵۷ مجموعه بخشنامه‌های ثبتی تا اول مهر ماه ۱۳۶۵)

أُجَاق. (ترکی) أجاغ. دیگدان. || دودمان. آل. خاندان.

|| نشیمن مستراح (لغت نامه دهخدا) || اجاق کور: بلا عقب. عقیم. (لغت نامه دهخدا)

إِجَام. جمع أجمه. به اجم و اجمه رجوع شود. (لغت نامه دهخدا)

إِجْبَاء. فروختن کشت نارسیده. (منتھی الارب). بفروختن کشت پیش از آنکه بجایی می رسد. (تاج المصادر) (لغت نامه دهخدا)

أَجْبَاج. مکانهایی که درختهای خرما دارد. نخلستان خرما. (لغت نامه دهخدا)

أَجْبَار. جبر. به ستم کاری داشتن.

جریان انداختن قانونی که به تصویب رسیده.

-قوانین ۱۵ روز پس از انتشار، در سراسر کشور لازم الاجرا است مگر آن که در خود قانون ترتیب خاصی برای موقع اجرا مقرر شده باشد. (ماده ۲ اصلاحی ۱۳۴۸ ق.م)

اجراییه. ورقه‌ای است که به منظور آگاهی کسی که اجرا (به مرحله عمل گذاشتن حکمی که قطعیت یافته است) یا مفاد اسناد رسمی لازم الاجرا علیه اوست از طرف اجراء دادگستری یا ثبت به وی ابلاغ و پس از مهلت مقرر اجرا شروع می‌شود. (فرهنگ معین) || برگه‌ای است که نسبت به اجرای احکام قطعی صادره دادگاهها و همچنین به منظور اجرای مفاد اسناد رسمی لازم الاجرا یا برای وصول چکهای بانکی برگشت داده شده، به ترتیب به وسیله اجرای احکام دادگستری، دفاتر اسناد رسمی و ازدواج و طلاق و ادارات ثبت علیه محکوم علیه یا متعهد و بدهکار صادر می‌گردد. ورقه اجراییه نیز گفته می‌شود. (مؤلف)

اجداد. جمع جد. نیاکان. (فرهنگ عمید) || هر یک از پدر و مادر ابوین «جد» نامیده می‌شود.

- از جمله اشخاصی که به موجب نسب ارث می‌برند، اجداد و برادر خواهر و اولاد آنها است. (ماده ۸۶۲ ق.م) (مؤلف) **اجر.** پاداش عمل. مُزد. أُجرت. مزدکار || کابین زنان. (منتهی الارب) مهر زن. (لغت نامه دهخدا) قل لا استلکم علیه اجراً الا المودة فی القربی. بگو من از شما اجر رسالت جز این نمی‌خواهم که مودت و محبت مرا در حق خویشاوندانم منظور دارد. (آیه ۲۳ سوره شوری)

اجراء. روان کردن. به جریان انداختن. (لغت نامه دهخدا). (ثبت) به جریان انداختن و اجراء کردن مفاد اسناد رسمی لازم الاجرا || در تشکیلات سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، در مرکز، اداره‌ای تحت عنوان «اداره کل اجرای اسناد رسمی» و در ادارات کل ثبت استانها و کلیه واحدهای ثبتی سراسر کشور اداره یا دوایری و یا قسمتی به نام «اجرای ثبت اسناد» وجود دارد که برابر قوانین و مقررات مفاد اسناد رسمی لازم الاجرا را اجرا می‌نماید. (مواد ۹۲، ۹۳ ق.ث و آیین نامه اجرا)

اجراء قانون. اعمال قانون. به

نقدی بر مقاله

«اجرای مقررات نظام وظیفه در دفاتر اسناد رسمی»

احمد علی سیروس*

*. سردفتر اسناد رسمی شماره ۱۱۱ تهران و نایب رئیس هیأت مدیره کانون سردفتران و دفترياران.

مجله محترم کانون

با عرض سلام و تحیت، در مجله شماره ۳۱، صفحه ۳۲ الی ۴۰ آن ماهنامه محترم مقاله‌ای به قلم همکار گرامی، آقای سید فریدالدین محمدی، سردفتر محترم اسناد رسمی ۷۲۷ تهران تحت عنوان «اجرای مقررات نظام وظیفه در دفاتر اسناد رسمی» به چاپ رسید که ضمن تشکر و قدردانی از دقت و زحمت آن همکار گرامی در تحقیق و ارائه مقاله مذکور و ابراز امیدواری نسبت به همکاران جدید این شغل پرمسئولیت، نکاتی در مقاله مذکور به نظر اینجانب رسید که نیاز به تفحص و بررسی بیشتر دارد:

در انتهای صفحه ۳۶ و صدر صفحه ۳۷ مقاله مذکور مرقوم فرموده‌اند: «... اسنادی را که جنبه نقل و انتقال ندارد باید کنار گذاشت مانند وکالت خودروها، اسناد با حق استرداد، اجاره، وصیت عهدی و غیره. در مورد بقیه اسناد مالی که جنبه نقل و انتقال دارد، باید رعایت مقررات نظام وظیفه را نمود.»

نکته اول آنکه چرا فقط وکالت خودروها جزو اسناد غیر مالی تلقی شده، آیا سایر وکالتنامه‌ها مالی به حساب می‌آیند؟ هر چند در انتهای جمله، کلمه «و غیره» به کار رفته، لکن خواننده به طور ناخودآگاه این گونه استنباط می‌نماید که فقط وکالت خودروها غیر مالی می‌باشند و نقل و انتقال غیر قهری اموال محسوب نمی‌گردند.

نکته دوم آنکه اجاره را نیز به مثابه اسناد غیر مالی محسوب و از شمول قانون

وظیفه عمومی خارج دانسته‌اند و حتی در جدولی که در پایان مقاله مذکور تهیه شده، اجاره سند غیر مالی تلقی و عدم نیاز به رعایت مقررات قانون وظیفه عمومی درباره آن را استدلال نموده‌اند. حال آنکه به موجب ماده ۴۶۶ قانون مدنی: «اجاره عقدی است که به موجب آن مستأجر مالک منافع عین مستأجره می‌شود.» لذا در عقد اجاره نقل و انتقال منافع بین موجر و مستأجر تحقق می‌یابد و عقد اجاره از عقود لازمه است و طبق ماده ۴۹۷ ق.م با فوت موجر و مستأجر باطل نمی‌شود. بنابراین در تنظیم سند اجاره که طبق ماده ۱۲۳ قانون ثبت و نیز تبصره ۱ ماده ۵۰ قانون دفاتر اسناد رسمی به آن حق الثبت تعلق می‌گیرد و از جمله اسناد مالی است باید قانون وظیفه عمومی رعایت شود.

نکته آخر آنکه در مقاله مذکور وصیت عهدی را از جمله اسناد غیر مالی و وصیت تکمیلی را سند مالی تلقی نموده، لذا مرقوم داشته‌اند که وصیت عهدی نیاز به رعایت مقررات قانون وظیفه عمومی ندارد و در مقابل برای تنظیم سند وصیت تکمیلی، اخذ پایان خدمت و یا رعایت قانون مذکور را ضروری دانسته‌اند.

خاطر نشان می‌شود طبق ماده ۸۲۶ قانون مدنی، وصیت تملیکی عبارت است از اینکه کسی عین یا منفعتی را از مال خود برای زمان بعد از فوتش به دیگری مجاناً تملیک کند و طبق ماده ۸۳۸ همان قانون، موصی می‌تواند از وصیت خود رجوع کند. همچنین در ماده ۸۳۹ ق.م آمده است: «اگر موصی ثانیاً وصیتی برخلاف وصیت اول نماید، وصیت دوم صحیح است»، لذا در وصیت اعم از عهدی یا تملیکی، هیچ‌گونه نقل و انتقالی صورت نمی‌گیرد تا مشمول قانون خدمت وظیفه عمومی باشد و چنانچه انتقالی هم صورت بگیرد بعد از فوت موصی است و با توجه به اینکه در هر لحظه و هر زمان موصی می‌تواند از وصیت خود رجوع کند و یا وصیت دیگری تنظیم نماید لذا هیچ انتقال و تملیکی صورت نگرفته تا [آن را] نقل و انتقال غیر قهری اموال تلقی نموده و نیازمند رعایت قانون خدمت وظیفه عمومی باشیم، لذا تنظیم سند وصیت مانند بقیه عقود جایزه، نیاز به رعایت قانون خدمت وظیفه عمومی ندارد.

با توجه به اینکه قانون خدمت وظیفه عمومی در سال ۱۳۶۳ در اوج جنگ

تحمیلی و با شرایط حاکم بر آن زمان به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید با اتمام جنگ تحمیلی و گذشت قریب ۱۴ سال از آن آیا کماکان بند «و» ماده ۱۰ قانون مذکور توجیه زمان فعلی را می‌نماید، حال آنکه بسیاری از اسناد مشاعی و یا ورثه‌ای و حتی معاملات کسانی که در خارج از کشور به سر می‌برند به دلیل این الزام غیر ملموس فعلی، دچار مشکل شده و این بند قانون، عامل بازدارنده در مقابل رشد و حرکت اقتصادی شده است که با توجه به قریب الوقوع بودن تقدیم اصلاح قانون نظام وظیفه عمومی به مجلس شورای اسلامی، از جناب آقای علیزاده معاونت محترم قوه قضاییه و ریاست سازمان ثبت اسناد و املاک کشور استدعا می‌شود تا نسبت به انعکاس این مشکل به مسؤولین امر جهت حل این معضل اقتصادی اقدام گردد.

امام علی بن ابیطالب علیه السلام:

إِسْتَدَلَّ عَلَيَّ مَا لَمْ يَكُنْ بِمَا كَانَ فَإِنَّ الْأُمُورَ أَشْبَاهُ

آنچه نیست دلیل آنچه هست باشد زیرا کارها همانند همنند.

آراء، اخبار، نامه‌ها و...

اشاره

در این شماره از ماهنامه نیز از میان اقدامات گوناگون و مهمی که توسط هیأت مدیره کانون صورت گرفته است و در نامه‌ها و مکاتبات و... منعکس می‌باشد، تعدادی انتخاب و به منظور آگاهی سران محترم دفاتر اسناد رسمی و دیگر مخاطبان در پی درج می‌گردد؛ اخبار و گزارشهایی در مورد برگزاری مراسم تقدیر از کمیسیونهای همکار کانون و نیز اقدامات و مکاتبات هیأت مدیره در زمینه بیمه مسؤولیت مدنی سردفتران، سن بلوغ، تجهیز کتابخانه کانون، آراء وحدت رویه و... .

تجلیل و تقدیر از اعضای کمیسیونهای همکار کانون

اشاره

روز شنبه یازدهم خرداد ماه ۸۱ همزمان با ایام ولادت باسعادت و فرخنده حضرت ختمی مرتبت، محمد بن عبدالله (ص) و فرزند گرامی اش، امام جعفر صادق (ع) مراسمی باشکوه به منظور گرامیداشت این ایام و نیز تجلیل و تقدیر از اعضای کمیسیونهای همکار کانون در سالن اجتماعات کانون سردفتران و دفتریاران با شرکت جمعی از سردفتران و دفتریاران تهران، اعضای هیأت مدیره کانون و نیز هیأتی از مدیران محترم سازمان ثبت اسناد و املاک کشور برگزار شد.

در این مراسم شکوهمند و معنوی جناب آقای علیزاده، معاون محترم قوه قضاییه و رئیس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور و نیز آقای دکتر محمدشیرازی، رئیس هیأت مدیره کانون به ایراد سخنرانی در حوزه مباحث گوناگون مرتبط با صنف و همچنین تبیین عظمت مقام والای حضرت رسول اکرم (ص) و امام جعفر صادق (ع) پرداختند که جهت اطلاع همکاران عزیز، چکیده مطالب در پی درج می‌گردد:

**چکیده سخنرانی رئیس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
در مراسم تقدیر از کمیسیونهای همکار کانون**

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على نبينا محمد و آله اجمعين

والضحى * والليل اذا سجى * ما ودّعك ربك و ما قلى * وللآخرة خيراً لك من
الاولى * ولسوف يعطيك ربك فترضى * الم يجدك يتيماً فاوى * و وجدك
ضالاً فهدى * و وجدك عائلاً فاغنى * فاما اليتيم فلا تقهر * و اما السائل فلا
تنهر * و اما بنعمة ربك فحدث *

در آغاز، ایام خجسته میلاد پیغمبر اکرم (ص) و امام جعفر صادق (ع) را به محضر حضار
محترم و همکاران ارجمند تبریک عرض می نمایم. و امید آنکه از پیروان و ره پویان
راستین این برگزیدگان خدا قرار گیریم.

خداوند در بسیاری از سوره های کتاب مبین خود، وصف بنده برگزیده خود را نموده
است. از جمله در همین سوره مبارکه ای که قرائت شد، خداوند پیامبر (ص) را توصیف

می‌نماید تا عظمت هستی و وجود مبارک رسول الله (ص) را بهتر دریابیم. در جای دیگر و در حدیث قدسی می‌فرماید: *لو لاک لما خلقت الافلاک*؛ اگر بخاطر وجود تو نبود، افلاک را نمی‌آفریدم! وجود پیغمبر نور است. رسول اکرم (ص) از جهت خلقت، مقدم بر همه بوده و از جهت بعثت مؤخر؛ خاتم الانبیاء. از ایشان در قرآن به عنوان پیغمبر رحمت، رحمة للعالمین و دارای خلق عظیم یاد شده است. اگر خلق نیکو و گرمی مهر وجودش نبود، دین اسلام اینقدر پیشرفت نمی‌کرد. این وجود مبارک، مجمع بزرگترین و بهترین صفات است. نمونه این خلق الهی و عظیم را در جمله‌ای که پیغمبر در پاسخ یکی از اصحاب که در فتح مکه گفت: «الیوم یوم المنتقمه» می‌توان به روشنی مشاهده کرد: «الیوم یوم المرحمه». در زیارت حضرت رسول هم هست که اگر گناهکاران بیایند و متوسل به حضرتش شوند و آن حضرت برایشان استغفار کند، بخشوده می‌شوند و مورد لطف و عنایت خداوند قرار می‌گیرند. و این صفات الهی، در همه ائمه معصومین (ع) مشاهده می‌شود. نمونه آن، درخشندگی رفتار امیر المومنین علی (ع) در مقابل کسی است که آب دهان به روی مبارکش انداخت. به هر روی، حیات مذهب و آیین ما از سرچشمه زلال و نورانی چهارده معصوم (ع) است، ولی از میان ائمه هدی (ع) ظاهراً امام جعفر صادق (ع) در بیان آثار مبعث، فرصت بیشتری داشته‌اند. علامه طباطبایی -رحمة الله علیه - می‌فرماید اگر امام حسن (ع) بجای امام حسین (ع) بود و امام حسین (ع) بجای امام حسن (ع)، امام حسین (ع) با معاویه صلح می‌کرد و امام حسن (ع) در کربلا شهید می‌شد. نیز اگر امام جعفر صادق (ع) بجای امام حسین (ع) بود در کربلا شهید می‌شد و امام حسین (ع) تدریس، تبیین، گسترش و تعمیق معارف ناب اسلامی را عهده‌دار می‌شد. اقتضای زمان هر کدام، آن عملی بود که انجام دادند و در این میان، طی کردن راه و صراط مستقیم الهی، گوهر اصلی حرکات است و فرقی در آن میان نیست.

بزرگترین نعمتی که خداوند به بشر عطا کرد و منت نهاد، رسالت پیغمبر اکرم (ص) است. خداوند برای هیچ نعمتی بر بندگان خود منت نگذاشت جز رسالت حضرت رسول (ص). بنابراین، به سبب این منتی که خداوند بر عالم وجود نهاد، ایام ولادت پیغمبر

اکرم (ص)، ایام سپاسگزاری و تشکر است و این همان تناسب انتخاب این روز برای این مراسم است.

بدین سبب لازم می‌نماید از دوستان و عزیزان، مسؤولان و کارشناسان سازمان و دیگر همکاران محترم که با حضور خود در این جلسه، بر اهمیت موضوع تجلیل و قدردانی از زحمات خالصانه خدمتگزاران جامعه صحه گذاشتند، تشکر کنم.

در اینجا در کنار هم گرد آمدیم تا قدردانی کنیم از زحماتی که دوستان گرامی و همکاران محترم در کانون انجام دادند و بحق هم خوب کمک کردند. در تأیید نظر جناب دکتر شیخ رئیس نیز عرض می‌نمایم که در حقیقت، همکاری و حضور برای حل مشکلات و ایجاد زمینه پیشرفت، و همکاری و هماهنگی با دیگر ارکان و مراکز مرتبط و ... خدمت به صنف محترم سردفتران و دفتریاران اسناد رسمی و در واقع خدمت به خود است و از نگاهی دیگر و کلان تر خدمت به جامعه مسلمان این سرزمین. اگر این صنف رفاه داشته باشد، اشکالات اجرایی رفع شده باشد و یا به حداقل برسد و... این، خدمت به کل جامعه است. به هر روی، از همه کسانی که مورد تقدیر قرار می‌گیرند، تشکر می‌کنم و این نکته را متذکر می‌شوم که تقدیر از زحمات به معنی اتمام و قطع آن نیست و امیدواریم که این گونه تلقی نشود. متأسفانه در کشور ما تقدیر و تشکرها بیشتر پس از مرگ شخص انجام می‌شود حال آنکه باید در مدت زندگانی و حیات فرد از او تجلیل شود که این، آثار مثبت و فراوانی، هم برای او و هم اطرافیان و جامعه در پی دارد. البته اخیراً توجه به نیکوکاران و خادمان و بزرگان فرهنگی جامعه بیشتر شده است و این مایه امیدواری است و ان شاء الله ادامه پیدا کند و البته همان طور که عرض کردم تقدیر و تجلیل نباید به معنای پایان خدمت یا توجه و قدرشناسی داشته باشد. و باید زمینه رشد و تعالی بیشتر و روشنی بخشی افزونتر تقدیر شدگان و خادمان جامعه فراهم شود و در مشورتها و رایزنی‌ها از تجربیات و نظریات آنها سود جست.

جلسه حاضر، به منظور تقدیر از اعضای کمیسیونهای همکار کانون، هیأت مدیره سابق و... است. هیأت مدیره پیشین هم واقعاً زحمت کشیده‌اند و بعضاً مدتی طولانی خدمت کرده‌اند و باید اذعان داشت در زمانی که هیأت مدیره انتصابی بود، این عزیزان به

قول حقیر از دو طرف کتک می‌خوردند، هم از طرف سازمان و هم از طرف همکارانشان که هر دو طرف خواسته‌هایی از آنها داشتند و شاید به آن حد لازم نمی‌توانسته‌اند کاری انجام بدهند، اگرچه کارهای خوبی هم انجام شد که از آن مطلع هستیم، از جمله این که پایه‌ریزی بسیاری از کارها قبلاً انجام شد و زمینه‌هایی برای اقدامات کنونی فراهم گشت و در زمینه برگزاری انتخابات نیز همکاریه‌های خوبی کردند.

کمیسیون وحدت رویه نیز زحمات زیادی متقبل شده است و همواره در زمینه اقدامات اعضای محترم آن اظهار نظرهای امیدوار کننده و خوبی شنیده می‌شود. نظریات ایشان واقعاً راهگشاست و خود سازمان هم از این نظریات بهره می‌گیرد و در مواردی هم که نظریات اعضای محترم کمیسیون مورد قبول سازمان واقع نمی‌گردد، تنها اختلاف مبنای کار است و نه این که آن نظریات بی‌مبنا باشد.

کمیسیون تقسیم اسناد و کمیسیون مربوط به حق التحریر هم واقعاً در طی مدت فعالیت خود زحمت کشیده‌اند. کمیسیون حق التحریر در ارائه نظریاتشان واقعاً جدی بوده‌اند و دلایل خوبی ارائه کرده بودند. در نظریات ابرازی آنها، جوانب امر خوب در نظر گرفته شده بود و در نظریاتشان آن ظرفیتی را که باید برای تعیین حق التحریر در نظر گرفته می‌شد، محسوس بود و من باور نمی‌کردم کار این کمیسیون این قدر خوب و مدلل باشد.

اعضای کمیسیون بررسی قوانین هم بسیار زحمت کشیده‌اند و من از حامیان جدی حضور فعال این کمیسیون هستم و ان شاء الله این کمیسیون هم بیشتر و بهتر و مدلل‌تر از پیش به کار خود ادامه بدهد و به یاری خدا، قوانین و تئوریه‌ها را به گونه‌ای کار کنند که جنبه اجرایی قوی‌تری برای قوانین حادث شود و در حد معقول و مطلوب کارها پیش برود و باید شاخه‌های متعدد برای آن در نظر گرفته شود. همچنین آنها باید در موارد متعدد کار و فعالیت کنند و وقتی یک گروه کار کرد، گروه دیگر روی آن نظر کنند، حتی خوب و ثمر بخش است که هیأت مدیره کانون نیز روی آن کار کند و خود ما هم نتیجه خوبی از این شیوه در کارهای سازمان گرفته‌ایم و این شیوه در سازمان معمول است.

پایه‌گذاری کمیسیون تعیین و تشخیص مدارک لازم برای تنظیم اسناد هم حقیقتاً کار بسزا و بجایی بود که نتیجه کارها و بحثها و تبادل نظرهای آنها هم در کتابی

خوب و سودمند که واقعاً نیاز به آن همیشه احساس می‌شد از نتایج مفید کارهای این عزیزان و اعضای محترم آن است که ان شاء الله در جهت رفع نواقص مختصر آن هم اقداماتی بشود و رضایت کامل حاصل شود. در کمیسیون حل اختلاف دارایی هم واقعاً زحمت کشیده می‌شود در جهت این که شما مالیات واقعی را پرداخت کنید و البته توقع این نیست که مالیات پرداخت نکنید بلکه مالیات واقعی باید پرداخت شود.

هیأت نظارت بر انتخابات هم که جایگاه ویژه‌ای دارد و زحمات ایشان خیلی ثمربخش و درخور تقدیر بوده است و خود من حتی از نزدیک شاهد تلاش مخلصانه ایشان از جمله در روز برگزاری انتخابات بودم و دیدم که چگونه و با چه وسواس و دقتی و با چه خلوصی کارها را پیش می‌برند بدان گونه که نتیجه آن هم همین شد که همگان به سلامت انتخاب کانون معترفند و حتی موجب قدردانی ریاست معظم قوه قضاییه از ایشان نیز گردید. البته عزیزانی هم در سازمان ثبت در کنار ایشان بودند که از آن جمله جناب آقای حسینی، مدیر کل حفاظت اطلاعات سازمان، جناب آقای یادگاری، مدیر کل امور اسناد و سردفتران، جناب آقای محمدی، دادستان انتظامی سردفتران و... می‌باشند. امیدوارم که همه ما توفیق ادامه خدمات خالصانه به جامعه اسلامی و نظام مقدس اسلامی را داشته باشیم و این خدمات استمرار داشته باشد و پشیمانی از عدم ارائه خدمت یا تداوم آن دامنگیرمان نشود. یکی از تعابیری که در مورد روز قیامت می‌شود، یوم الحسرة است یعنی روزی که دیگر فرصت عمل داده نمی‌شود و خدمتی که می‌بایست قبلاً انجام می‌شد، امکان ارائه آن دیگر وجود ندارد.

خداوند نیز این توفیق را به هرکس نمی‌دهد. این مقام و شغل و ارجاع کار برای ما امتحان است و یک فرصت کسب توفیق. امیدوارم که لیاقت توفیق خدمت را در وجود خود زنده کنیم و زنده نگه داریم و قدر آن را بدانیم و انجام کارهای ماندگار و راهگشا و افتخار آفرین را در برنامه زندگانی و کارهای خود قرار دهیم، ان شاء الله. در پایان، مجدداً از زحماتی که همکاران و عزیزان یاور در جهت آسایش دو گیتی کشیده‌اند، تشکر می‌کنم و همه شما را به خداوند بزرگ می‌سپارم.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

چکیده سخنرانی جناب آقای دکتر محمد شیخ رئیس کرمانی رئیس هیأت مدیره کانون

بسم الله الرحمن الرحيم

قال الله الحكيم في كتابه:

يا ايها النبي انا ارسلناك شاهداً و مبشراً و نذيراً و داعياً الى الله بأذنه و سراجاً منيراً و بشرّ المؤمنين بانّ لهم من الله فضلاً كبيراً و لا تطع الكافرين و المنافقين و دع اذاهم و توكل على الله و كفى بالله وكيلاً

خير مقدم و تحليل در مورد سبب انعقاد مجلس

با عرض سلام خدمت رئيس معظم سازمان ثبت اسناد و املاك كشور جناب آقای عزیزاده و جناب آقای دکتر میرحسینی، معاون محترم سازمان و سایر همراهان گرامی و همچنین همه حاضران در جلسه و عرض خیر مقدم خدمت همه سروران.

غرض از تشکیل این جلسه، قدردانی و سپاسگزاری از دوستان و عزیزانی است که هر کدام به نحوی از انحاء برای پیشبرد و تعالی اهداف کانون کمک کرده و همکاری نموده‌اند. اگر چه دوستان عزیز سردفتر کمکها و همکاریهایی که ارائه فرموده‌اند، در واقع

به صنف خود و خودشان بوده است و این، هموار کردن مسیر پر فراز و نشیب ترقی و اعتلای آرمانهای صنفی آنان است. مع ذلک این همت و همکاری، مایه تشکر است، زیرا بین کسی که همت به حل مشکل خود می‌کند با کسی که بی تعهد صرفاً متوقع بهره‌مندی از نتیجه زحمات دیگران است، فرق بسیار است. البته بهترین پاداش و جزا برای ایشان همان رضایت خاطر خودشان و پاداش معنوی است که خداوند مرحمت می‌فرماید و نیاز به پاداشهای صوری دیگری نیست. به عبارت دیگر، آنکه کاری برای رضای خدا و آرامش وجدان خود انجام دهد، نباید منتظر پاداش و سپاس باشد. پس مطمئناً چشمداشتی به قدردانی و تشکر نیست، ولی به هر حال دیگران هم در قبال کار خوب دیگران تکلیفی دارند که «مَنْ لَمْ يَشْكُرِ الْمَخْلُوقَ لَمْ يَشْكُرِ الْخَالِقَ» و «اعملوا آل داوود شكراً و قليل من عبادي الشكور»

حدیثی درباره شکر

از معصوم (ع) حدیث بسیار زیبا و ارزشمندی نقل شده است که می‌فرماید:

«الشکر قید للموجود و صید للمفقود» یعنی سپاسگزاری از کسانی که خدماتی می‌کنند و محبتی در رفتار و اعمال خود به دیگران ارائه می‌نمایند دو خاصیت دربر دارد:

۱- امور موجود را مقید و پایدار می‌کند و در واقع خدمات را استوار می‌سازد و نگه می‌دارد.

۲- آن اموری را نیز که الآن موجود نیست، صید می‌کند و در دسترس قرار می‌دهد. یعنی آنچه را موجود است، از زوال محفوظ می‌دارد و موجب می‌شود که کارهای خوب و ثمر بخش دیگر هم تحقق پیدا کند.

و ما امیدوار هستیم که دوستان عزیز همکار به خدمت خودشان به صنف و جامعه ادامه بدهند و برکات و نعمات خوبی از این همکاریها عاید جامعه بشود، دیگران نیز به خدمات عامه تشویق شوند.

معرفی کمیسیونهای همکار کانون

اما دوستان و عزیزانی که به منظور قدردانی از زحماتشان در اینجا در خدمتشان هستیم، اعضای محترم کمیسیون وحدت رویه، کمیسیون تقسیم اسناد، کمیسیون حق التحریر، کمیسیون بررسی قوانین و نیز کمیسیون تعیین و تشخیص مدارک لازم برای تنظیم اسناد رسمی‌اند که بحق در طی مدت فعالیت خود، زحمات بی شائبه‌ای را متحمل شده‌اند. از همه ایشان تشکر می‌نماییم و امیدواریم خداوند پاداش نیکو از این جهت به آنان عنایت کند و ایشان را همواره به کار خیر موفق بدارد.

انتخاب این روز به مناسبت میمنت این ایام

اما انتخاب این روز برای این جلسه به مناسبت فرخندگی و میمنت این ایام است که مصادف با سالروز ولادت با سعادت و فرخنده حضرت ختمی مرتبت، منجی عالم بشریت نبی اکرم (ص) و میلاد با عظمت امام بحق ناطق، جعفر بن محمد الصادق (ع) پایه گذار مذهب حقه شیعه است. و چون بناست این روز، روز نشاط و انبساط و شادی باشد؛ به دو دلیل، یکی جشن بزرگ دینی و مذهبی به مناسبت دو میلاد بزرگ و باشکوه و دیگری توفیقات حاصله برای کانون و کمیسیونهای همکار، لذا بهتر است بجای سخنرانی، بیشتر به شعر خوانی پردازم و فضای مجلس را با اشعاری در ستایش پیامبر (ص) و امام جعفر صادق (ع) معطر و پر نشاط کنم.

نخست ابیاتی چند که عصر امروز و به همین مناسبت و به یاد امام صادق (ع) سروده‌ام قرائت خواهم کرد. آنگاه غزل معروف سعدی را در مدح پیامبر گرامی تیمناً می‌خوانم، سپس ابیاتی از سروده‌های خود را که به استقبال از غزل سعدی علیه‌الرحمه در همان وزن و ردیف ولی با قافیه دیگر در مدح پیامبر سروده شده است، تقدیم می‌کنم:

کیست به غیر از امام جعفر صادق (ع)^۱

رهبر دین پیشوای سابق و لاحق
بر زبر کوه مجد قله شاهق
شهرت فضلش گرفته پهنه گیتی
حوزه فیض مغرب است و مشارق
بر همه نام آوران مهیمن و غالب
بر همه دانشوران مسیطر و فائق
نیست پیمبر و لیک هر نفس اوست
پُر ز کرامات و معجزات و خوارق
باغ شریعت به دست او ثمر آورد
این همه گلهها و لالهها و شقایق
راست بگو باغبان گلشن احمد
کیست به غیر از امام جعفر صادق؟
صدق مجسم بُد او و هیچ عجب نیست
پی به مقامش اگر نبرد منافق
حجت حق بودی و به مردم حقجوی
باز نمودی نهفته باب حقایق
مذهب تو مذهب حق است و بجز آن
هر چه دگر مذهب است باطل و زاهق
تالِب شیخ الرئیس مدح تو گوید
خلق بدو عاشقند و او به تو عاشق

۱. سروده دکتر محمد شیخ رئیس کرمانی.

و اینک غزل سعدی:

عشق محمد بس است و آل محمد (ص)^۱

ماه فرو ماند از جمال محمد
سرو نروید به اعتدال محمد
قدر فلک را کمال و منزلتی نیست
در نظر قدر با کمال محمد
و عده دیدار هر کسی به قیامت
لیلة الأسری شب وصال محمد
آدم و نوح و خلیل و موسی و عیسی
آمده مجموع در ظلال محمد
عرصة دنیا مجال همت او نیست
روز قیامت مگر مجال محمد
شمس و قمر در زمین حشر نتابد
نور نتابد مگر جمال محمد
و آنهمه پیرایه بسته جنت فردوس
بو که قبولش کند بلال محمد
همچو زمین خواهد آسمان که بیفتد
تا بدهد بوسه بر نعال محمد
شاید اگر آفتاب و ماه نباشد
پیش دو ابروی چون هلال محمد
چشم مرا تا بخواب دید جمالش
خواب نمی‌گیرد از خیال محمد
سعدی اگر عاشقی کنی و جوانی
عشق محمد بس است و آل محمد

۱. سروده شیخ مصلح الدین سعدی شیرازی.

و این هم سروده من:

جمله دلهاست بی قرار محمد (ص)^۱

چرخ زند دور بر مدار محمد
کون و مکان عبد خاکسار محمد
عالم خاکی به بارگاه سماوات
فخر فرو شد به افتخار محمد
ماه خجل از جمال و مهر ز نورش
کوه سرافکنده از وقار محمد
مرغک اندیشه را چه تاب و چه جرأت
تا که کند عزم کوهسار محمد؟
لفظ و لغت را کشد به بحر تحیر
موج کمالات بی شمار محمد
سرمه چشم خرد به بینش و دانش
خاک کف پای راهوار محمد
محو کند هرچه مکتب است به گیتی
جلوه آیین پایدار محمد
جن و ملک، عرش و فرش، عالم و آدم
شـیفته روی نـوربار محمد
فخر ملک گشت جبریل چو گردید
در شب اسـرری رکـابدار محمد
معنی والعصر را بدان که بدانی
فخر دهـور است روزگار محمد

۱. سروده دکتر محمد شیخ رئیس کرمانی، رئیس هیأت مدیره کانون.

سورة والنجم را بخوان که بفهمی

تا به چه حد است اقتدار محمد

شمس به هر بامداد سرکشد از چرخ

تا که زند بوسه بر مزار محمد

گردن گردونِ دون کشیده به زنجیر

طـنـنـة عـزم استوار محمد

توده جانهاست بسته بر سر مویش

جمله دلهاست بی‌قرار محمد

خم شده پشت فلک کمال ادب را

تا که زند بوسه بر عذار محمد

پا نهد اندر حریم امن سعادت

هر که شود داخل حصار محمد

در دو جهان بر سریر قرب نشیند

هر که به جان گشت دوستدار محمد

پیرهن از شوق بر درم اگر آرد

باد صبا بویی از دیار محمد

کاش مرا بُد هزار جان به تن اندر

تا همه را کردمی نثار محمد

ملجأ شیخ الرئيس احمد و آل است

ره نرود جز ره تبار محمد

* * *

تشکر، دعا و توصیه آخر

در پایان، با عذر خواهی از تصدیعی که داده شد و تشکر از ریاست معظم سازمان، جناب آقای حاج محمد رضا علیزاده و هیأت محترم همراه و همه عزیزان حاضر در جلسه به

مناسبت حضورشان در این مجلس، شایسته و بسزاست از زحمات اعضای سابق هیأت مدیره کانون و مدیر مسؤول مجله وزین کانون و هیأت تحریریه آن که منشأ آثار خوبی بوده‌اند، تشکر و قدردانی کنم و از خداوند بزرگ می‌خواهم همه ما را به راه خیر و صلاح و فلاح راهنمایی کند و دل‌هامان را مخلص و اعمال ما را خالص فرماید و از ریا و تزویر و ظاهر سازی دور بدارد.

ان شاء الله تعالی تلاش کنیم کارهایی که می‌کنیم برای رضایت خداوند باشد زیرا: کل من علیها فان و یبقی وجه ربک ذوالجلال و الاکرام؛ همه چیز از بین می‌رود و آن کارهایی که صرفاً برای خدا باشد می‌ماند و لاغیر.

تلاش کنیم اعمال صالحه‌ای را برای خودمان ذخیره کنیم که ان المرء اذا هلک قال الناس ما ترک و قالت الملائکة ما قدم؛ تنها صالحات باقیات است که می‌تواند مایه امید و دلگرمی ما باشد:

و الباقیات الصالحات خیر عند ربک ثواباً و خیر اماً

در خاتمه، مجدداً ولادت با سعادت حضرت ختمی مرتبت، محمد بن عبدالله (ص) و حضرت امام جعفر صادق (ع) را به همه مسلمانان و شیعیان جهان و خدمتگزاران به دین و مذهب و حضار محترم مجلس تبریک و تهنیت گفته، به سخن خود پایان می‌دهم.

* * *

پس از پایان سخنرانی ریاست هیأت مدیره کانون، اعضای کمیسیونهای همکار، هدایایی را که به رسم یادبود تهیه شده بود، از دست ریاست محترم سازمان دریافت کردند و سپس با شرکت در نماز جماعت بر غنای معنوی مراسم افزودند.

تصویری از مراسم تقدیر از کمیسیونهای همکار کانون

تصویب دیگر از مراسم تقدیر از کمیسیونهای همکار کانون

تاریخ: ۱۳۸۰/۹/۳

باسمه تعالی

شماره: ۳۰۳۴۸

جناب آقای شهری

مدیرکل محترم دفتر حقوقی و تدوین قوانین قوه قضائیه

با سلام و تحیات

احتراماً، تنظیم سند در دفاتر اسناد رسمی برای اشخاصی که در سنین بعد از بلوغ و قبل از هیجده سال تمام دارند، رویه واحدی ندارد و اغلب این گونه مراجعین با مشکل روبرو هستند، خواهشمند است نظر آن مرجع محترم را درخصوص مسائل زیر اعلام فرمایند.

- ۱ - با عنایت به مفاد ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی و تبصره‌های آن و مفاد رأی وحدت رویه شماره ۳۰ - ۱۳۶۴/۱۰/۳ - آیا شخصی که به سن بلوغ رسیده قبل از این که به سن ۱۸ سال تمام رسیده باشد، پدر یا جد پدری یا قیم مأذون می‌تواند بدون حضور او مبادرت به نقل و انتقال اموالش بنماید. تکلیف دفاتر اسناد رسمی در این گونه موارد چیست؟
- ۲ - اگر پاسخ مثبت است، در فرضی که برای این شخص حکم رشد صادر شده باشد و پدر و یا جد پدری یا قیم اعلام نکند و اموال او را انتقال دهد آیا سند تنظیمی اعتبار قانونی خواهد داشت؟
- ۳ - برای جلوگیری از توالی فواید بعدی آیا می‌توان پدر یا جد پدری یا قیم را مکلف نمود که اشخاص مذکور را نیز حاضر نموده و هر دو به اتفاق سند را امضا نمایند.

با تشکر از راهنمایی شما

دکتر محمد شیخ رئیس

رئیس هیأت مدیره کانون سردفتران و دفتریاران

تاریخ: ۱۳۸۰/۱۱/۲

باسمه تعالی

شماره: ۷/۸۸۲۳

جناب آقای دکتر محمد شیخ رئیس

رئیس محترم هیأت مدیره کانون سردفتران و دفتریاران

در مورد استعلام شماره ۳۰۳۴۸ - ۸۰/۹/۳، نظریه مشورتی اداره کل حقوقی به شرح زیر است:

- ۱ - با توجه به مفاد ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی و تبصره‌های آن و عنایت به رأی وحدت رویه شماره ۳۰ - ۶۴/۱۰/۳ - هیأت عمومی دیوان عالی کشور، افراد با وجود رسیدن به سن بلوغ تا وقتی به سن ۱۸ سال تمام نرسیده باشند، پدر یا جد پدری یا قیم مأذون می‌تواند بدون حضور وی مبادرت به نقل و انتقال اموالش بنماید.
- ۲ - چنانچه حکم رشد صادر شده باشد پدر یا جد پدری یا قیم نمی‌تواند اموال او را انتقال داده و سند رسمی تنظیم نماید، تنظیم چنین سندی اعتبار قانونی ندارد.
- ۳ - امضای صغار در سند رسمی ضرورت ندارد. پدر یا جد پدری یا قیم را نمی‌توان مجبور نمود که صغیر یا غیر رشید را برای امضای سند رسمی در محضر حاضر نماید.

مدیرکل حقوقی و تدوین قوانین قوه قضائیه

غلامرضا شهری

تاریخ: ۱۳۸۱/۲/۳۱

باسمه تعالی

شماره: ۸۹۹۳

حضرت مستطاب جناب آقای حاج محمد رضا علیزاده دام مجده العالی
معاون محترم قوه قضائیه و رئیس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور

با سلام و تحیات وافره

احتراماً، همان طور که در ملاقات مورخه ۸۱/۲/۱۷ به استحضار رسید، اشتغال مجدد سردفتران و دفتریاران منفصل موقت در مواردی، مدت‌ها پس از مضمی دوران انفسال طول می‌کشد. علت آن نیز رویه جاری در تفسیر ماده ۴۹ قانون دفاتر اسناد رسمی است.

این رویه به این ترتیب است که اسناد تنظیمی دفترخانه تحت تصدی سردفتر منفصل باید تا آخرین سند توسط بازرسان محترم ثبت و دارایی بازرسی شده و عدم بدهی دفترخانه توسط بازرسان محترم ثبت گواهی و اعلام شود و اداره دارایی نیز از جمیع جهات عدم بدهی دفترخانه را گواهی نماید تا ابلاغ صادر شود. این ترتیب مشکلات زیر را در پی دارد:

- ۱- با توجه به کمبود بازرس، ممکن است انجام بازرسی با تأخیر زیاد صورت گیرد.
- ۲- به فرض بازرسی، چنانچه در موضوعی ما به اختلاف، بازرس اعلام بدهی نماید، قبل از پرداخت بدهی تعیین شده یا تعیین تکلیف از طرف مراجع ذی ربط صدور ابلاغ متوقف می‌شود. حال آن که ماده ۴۹ فوق‌الذکر، صدور ابلاغ اشتغال مجدد سردفتر و دفتریار را به تصفیه محاسبات بدهی‌های مسلم ناشی از شغل او» موکل نموده است و لا غیر. بنا به مراتب به نظر نمی‌رسد رویه جاری منطبق با ماده مذکور باشد، زیرا اولاً، تکلیف بازرسی دفاتر را ماده ۷۳ قانون دفاتر بخصوص قسمت اخیر آن مشخص نموده و دفترخانه هیچ نقشی در آن ندارد و نمی‌تواند مانع از انجام وظیفه مراجع قانونی مقرر در ماده مذکور باشد.

ثانیاً، «بدهی مسلم» بدهی است که مراحل قانونی خود را طی کرده و قطعی شده باشد و همان طور که مستحضر هستند بخصوص بدهیهای مالیاتی ممکن است از مرحله تشخیص تا مرحله قطعیت سالها طول بکشد. رویه فعلی سردفتر و دفتربار را مجبور می‌کند تا تشخیصهای نابحق را نیز جهت اخذ مفاصا حساب بپذیرند که در این صورت تحمیلی است غیر موجّه.

با عنایت به مراتب فوق و اینکه انجام امور از مجاری صحیح و قانونی همیشه مورد نظر حضرت عالی بوده و پیوسته در رفع مشکلات این صنف تلاش بی وقفه نموده و دستورات مؤکدی صادر فرموده‌اند، تقاضا دارد در رفع این مشکل نیز دستورات لازم صادر فرمایند. بدیهی است در هر صورت سردفتران و دفترباران خود را مرهون محبت‌های آن مقام محترم می‌دانند. موجب امتنان است که مقرر فرمایند از نتیجه دستورات صادره کانون را نیز مطلع فرمایند.

دکتر محمد شیخ رئیس

رئیس هیأت مدیره کانون سردفتران و دفترباران

تصحیح و پوزش

۱ - بدین وسیله به اطلاع خوانندگان ارجمند می‌رساند که بااستناد صور تجلسه تنظیمی، اعضای جدید هیأت مدیره کانون از ۸۰/۱۱/۱۱ برای مدت ۶ ماه عهده‌دار مسؤولیت‌های خود شده‌اند که مراتب بدینوسیله تصحیح و اعلام می‌گردد.

۲ - در شماره ۳۰ ماهنامه کانون خبر درگذشت مرحوم محمد هادی مروج، سردفتر ۵۷۷ تهران بااستناد اعلام شفاهی یکی از همکاران به اشتباه «فرزند مرحوم آیت الله مروج، امام جمعه فقید اردبیل» درج شده بود که ضمن پوزش از جناب آقای هادی مروج و بیت ایشان اعلام می‌گردد که متوفی مورد نظر، مرحوم محمد هادی مروج «فرزند مرحوم آیت الله سید محمد جعفر مروج، یکی از علمای خوزستان» بوده است که ضمن تسلیت به بازماندگان ایشان، مراتب تصحیح می‌گردد.

تاریخ: ۸۱/۳/۴

شماره: ۹۳۴۶

باسمه تعالی

مدیریت محترم کل دفتر فنی مالیاتی وزارت امور اقتصادی و دارایی

احتراماً

با توجه به بخشنامه شماره ۷۳۱-۳۰/۵ مورخ ۷۳/۴/۷ که پیرو بخشنامه شماره ۴۶۳۸/۶۰۰۴۸ - ۳۰/۵ مورخ ۷۲/۱۱/۲۴ صادر گردیده، خواهشمند است اعلام نمایید آیا تنظیم سند رهنی متعاقب سند قطعی که مفاصا حساب مالیاتی موضوع ماده ۱۸۷ ق.م.م برای معامله قطعی صادر گردیده، در مدت اعتبار گواهی مذکور، نیاز به اخذ گواهی جدیدی دارد یا خیر؟

و من ... توفیق

نایب رئیس کانون سردفتران و دفتریاران

احمد علی سیروس

تاریخ: ۸۱/۳/۲۰

شماره: ۳۰/۵ - ۱۳۳۱

باسمه تعالی

کانون سردفتران و دفتریاران

عطف به نامه شماره ۹۳۴۶ مورخ ۱۳۸۱/۳/۴ اشعار می‌دارد:

همانگونه که مطلعید به موجب بخشنامه شماره ۴۶۳۸/۶۰۰۴۸ - ۳۰/۵ مورخ ۱۳۷۲/۱۱/۲۴ که از طریق اداره کل ثبت اسناد و املاک به دفاتر اسناد رسمی ابلاغ شده است، برای تنظیم اسناد رهنی، هنگامی که مال مورد وثیقه ملک و یا حقوق ناشی از آن باشد، دفاتر موصوف مکلف به اخذ گواهی انجام معامله موضوع ماده ۱۸۷ قانون مالیاتهای مستقیم مصوب اسفند ماه ۱۳۶۶ و اصلاحیه بعدی آن شده‌اند. از آنجایی که این تکلیف مستند به حکم کلی ماده قانونی مورد بحث و به صرف وصول بدهیهای مالیاتی احتمالی راهنین از محل اجاره و یا هر نوع استفاده دیگر از آن بر قرار شده است. در مواردی که سند رهنی همزمان با انتقال قطعی ملک مورد وثیقه به نام راهن و یا در مدت اعتبار گواهی مالیاتی مورد بحث تنظیم می‌شود نیازی به اخذ گواهی انجام معامله مجدد نخواهد داشت.

سیده علیرضا سجادی

مدیر کل فنی مالیاتی

اشاره

در نوزدهم اردیبهشت ماه سال جاری، مطلبی درخصوص «تأیید امضاء» در روزنامه اطلاعات به چاپ رسید که قضاوت و استنتاج غیر منصفانه و ناصحیح نویسنده، موجب اعتراض و پاسخگویی کانون سردفتران و دفتریاران به نوشته مذکور شد. ذیلاً متن مندرج در روزنامه اطلاعات و پاسخ کانون به آن، جهت اطلاع بیشتر همگان درج می‌گردد:

در دسر تأیید امضاء

(متن مطلب مندرج در روزنامه اطلاعات)

برای کار بانکی کوچکی بایستی یک وکالتنامه به خارج از کشور می‌فرستادم. یکی از متنهای آماده موجود در کامپیوتر را انتخاب کردم و مشخصات خودم و طرف وکالت را پر کردم. در متن کسی بایستی صحت امضای مرا تأیید می‌کرد. این کار خارج از کشور ظرف چند دقیقه توسط هر یک از هزاران تن افراد مجاز توسط دولتها و با صرف هزینه بسیار کمی قابل انجام است. پرس و جو کردم که در کشور ما چه کسی تأیید امضاء می‌کند. دو راه حل پیشنهاد کردند اول تأیید امضاء اینجانب توسط یکی از سفارتخانه‌های خارجی که آسان تر و سریع تر است و یا تأیید توسط دفاتر اسناد که دشوار، طولانی و پرهزینه تر است. فکر کردم خیلی بد است که امضاء مرا در کشور خودم یک سفارتخانه خارجی تأیید کند. به ناچار راه دوم را انتخاب کردم. به یکی از آشنایان که دفتر اسناد رسمی دارد تلفن کردم و پس از تعیین وقت مراجعه کردم. معلوم شد اول باید متن را توسط مترجم رسمی به فارسی ترجمه کنم و همراه با متن انگلیسی به دفتر ثبت اسناد ببرم. پس از تأیید امضاء آن را به اداره مرکزی ثبت ببرم تا صحت مهر و امضای دفتر تأیید شود سپس به اداره‌ای

در وزارت امور خارجه مراجعه کنم تا صحت امضا ثبت مرکزی را تأیید کنند. خیلی وقت‌گیر و سخت به نظرم آمد. فکر کردم یک تأیید امضاء قاعداً نباید اینقدر سخت باشد. با کمک یکی از دوستان با مسؤولین مربوط اداره سجلی در وزارت امور خارجه تماس گرفتم تا شاید آنها بتوانند مستقیماً امضاء اینجانب را ذیل متن تأیید نمایند. معلوم شد قانوناً تأیید امضاء ذیل متن انگلیسی فقط در سفارتخانه‌های جمهوری اسلامی ایران عملی است و خود وزارت امور خارجه نمی‌تواند تأیید امضاء کند. گفتند سالهاست این مشکل وجود دارد از ثبت کل درخواست کرده‌اند مرجعی برای گواهی امضاء معرفی کنند ولی هنوز نشده است. گله‌مند بودند که مقررات موجود بسیار قدیمی است و هیچکس اقدامی برای اصلاح آن نمی‌کند ولی از سر لطف پیشنهاد کردند چون موضوع وکالت مربوط به امور بانکی است اگر بانک طرف حساب اینجانب امضاء مرا گواهی کند و امضاء شعبه مزبور نیز توسط فرد معرفی شده در اداره مرکزی بانک تأیید شود، اداره سجلی وزارت خارجه می‌تواند امضاء را گواهی کند.

متن را به شعبه بانک بردم و با لطف رئیس شعبه امضاء مرا تأیید کردند و نامه‌ای هم برای اداره مرکز نوشتند ولی مسؤول مربوط در اداره مرکزی بانک اعلام کرد که فقط در موارد افتتاح حساب می‌توانند گواهی امضاء کنند. خواستم فقط امضاء مدیر شعبه بانک را تأیید نمایند که پذیرفته نشد و گفتند حتی مدیر شعبه هم اشتباه کرده و نباید امضاء مرا تأیید می‌کرده است. باز هم سر جای اول برگشته بودم. فکر می‌کنم راه حلی وجود ندارد و نباید در خلاف جهت جریان شنا کنم یا بایستی مهین دوستی تصویری را کنار بگذارم و برای گواهی امضاء به سفارت یک کشور خارجی مراجعه کنم. یا همه مراحل پیش گفته ترجمه و تصدیق امضاء را با صرف چند روز دوندگی در ادارات و دفاتر مربوط طی کنم و یا از فعالیت در کشوری که برای ساده‌ترین کار یا بایستی دشواری و مشقت فراوانی را تحمل کرد بگذرم و مثل خیلی‌های دیگر به جایی بروم که در آن مسؤولین دغدغه رفع مشکلات مردم را دارند و اینقدر بی‌دلیل آنها را عذاب نمی‌دهند.

امضاء محفوظ

پاسخ کانون

تاریخ: ۸۱/۲/۲۶

شماره: ۸۴۴۳

باسمه تعالی

روزنامه محترم اطلاعات

سلام علیکم

احتراماً در صفحه ۱۳ روز ۸۱/۲/۱۹ آن روزنامه محترم مقاله‌ای تحت عنوان «دردسر تأیید امضاء» چاپ شده خواهشمند است با توجه به ماده ۲۳ قانون مطبوعات نسبت به چاپ توضیح زیر اقدام فرمایند.

در مقاله مذکور نویسنده محترم درخصوص دردسر تأیید امضاء وکالتنامه‌ای که برای انجام امور بانکی می‌بایست به خارج ارسال می‌شد ابراز نارضایتی نموده و اظهار می‌دارند «جهت تأیید امضاء فوق ابتدا باید متن مذکور به فارسی ترجمه شود، سپس متن ترجمه شده به همراه متن انگلیسی به دفترخانه برای تأیید امضاء برده شود. پس از آن اداره ثبت و وزارت امور خارجه باید صحت امضاء دفترخانه را تأیید نمایند و در انتها نتیجه‌گیری کرده است که چنانچه متن فوق به هر یک از سفارتخانه‌ها برده می‌شد راحت‌تر و ارزانتر تأیید امضاء می‌گردید.»

- لذا برای روشن شدن اذهان خوانندگان محترم مراتب زیر را به اطلاع می‌رساند:
- ۱- وفق بند ۸۸ مجموعه بخشنامه‌های ثبتی، گواهی امضاء اوراقی که متن آن به زبان خارجی است قبل از ترجمه رسمی و حصول اطلاع از مدلول آن ممنوع است و متون و اوراق مالی را نمی‌توان گواهی امضاء نمود.
 - ۲- جهت گواهی امضاء متون غیر مالی، نیاز به ارائه متن انگلیسی آن نمی‌باشد.
 - ۳- وفق ماده ۲۰ قانون دفاتر اسناد رسمی، گواهی امضاء مخصوص اوراق عادی است و حسب اطلاع وزارت محترم دادگستری نیز از تأیید ترجمه متونی که گواهی امضاء شده‌اند خودداری می‌نماید و وکالتنامه‌هایی که در اوراق رسمی تهیه شده‌اند پس از ترجمه، توسط وزارت دادگستری تأیید می‌شوند.
 - ۴- تأیید مهر و امضاء دفترخانه توسط سازمان ثبت و نیز تأیید مهر و امضاء سازمان مذکور توسط وزارت امور خارجه بنا به درخواست مرجعی که وکالتنامه باید به آنجا ارائه شود انجام می‌شود و از لحاظ مقامات داخلی الزامی برای تأیید مهر و امضاء دفترخانه وجود ندارد.
 - ۵- هزینه تنظیم وکالتنامه در اوراق نیم برگی (چنانچه برای فروش ملک نباشد) -/۶۱/۷۵۰ ریال و چنانچه وکالتنامه مفصل باشد -/۱۰۱/۷۵۰ ریال و هزینه گواهی امضاء -/۱۰/۵۰۰ ریال است. حال آنکه سفارتخانه‌ها حسب اطلاع جهت گواهی امضاء یا تأیید متن، مبلغ -/۱۲۵/۰۰۰ ریال برای هر صفحه دریافت می‌نمایند.
- در خاتمه نگارنده محترم می‌توانند برای کسب اطلاعات بیشتر با دبیرخانه کانون سردفتران و دفتریاران واقع در تهران - خیابان استاد مطهری - روبروی سنایی یا با شماره تلفن ۸۷۲۸۷۵۶ تماس حاصل فرمایید.

کانون سردفتران و دفتریاران

تعدادی دیگر از آراء مصوب کمیسیون وحدت رویه که به تأیید سازمان ثبت رسیده است

در اجرای شق ۲ ماده ۶۶ قانون دفاتر اسناد رسمی و کانون سردفتران و دفتریاران، موضوعاتی که در کمیسیون وحدت رویه مطرح و منجر به اظهار نظر گردیده و به موجب نامه شماره ۳۴/۴۷۹ - ۸۱/۱/۲۶ و ۳۴/۸۷۹ - ۸۱/۲/۴ اداره کل امور اسناد و سردفتران مورد تأیید سازمان محترم ثبت اسناد و املاک کشور قرار گرفته و یا منصرف از نظر کمیسیون منجر به اظهار نظر گردیده است، جهت اطلاع و رعایت مفاد آن ذیلاً ابلاغ می‌شود:

۱- در خصوص سؤال دفترخانه ۴۸۰ تهران بدین شرح (آیا به استناد مفاصا حساب دارایی جهت معامله قطعی می‌توان با فاصله زمانی سند رهنی تنظیم نمود؟) به شرح ذیل اظهار نظر گردید:

به استناد گواهی دارایی موضوع ماده ۱۸۷ جهت تنظیم سند قطعی که در آن نسبت به تنظیم سند رهنی اشاره‌ای نشده باشد تنظیم سند رهنی صحیح به نظر نمی‌رسد.

۲- در مورد سؤال دیگر دفترخانه ۴۸۰ تهران مبنی بر اینکه (اگر در استعمال صادره از اداره ثبت اشاره به استعمال دفترخانه دیگری شده باشد استعمال از دفترخانه قبلی برای

انجام یا عدم انجام معامله لازم است یا خیر؟) بشرح آتی اظهار نظر گردید:
 با توجه به قسمت اخیر بند ۲۹ مجموعه بخشنامه‌های ثبتی تا اول مهر ۶۵
 استعلام از دفترخانه قبلی لازم و ضروری است.

۳- درخصوص سؤال دیگر دفترخانه ۴۸۰ تهران بدین شرح (در صورتی که بدون
 فسخ سند فقط از پلاک ثبتی مورد وثیقه فک رهن گردد چنانچه بعد از مدتی پلاک
 دیگری جایگزین پلاک قبلی در رهن بستانکار قرار بگیرد مورد مشمول حق الثبت است
 یا سند بی مبلغ محسوب می‌شود؟) به شرح ذیل اظهار نظر گردید:

در صورتی که فقط از پلاک مورد رهن و وثیقه سند تنظیم شده فک رهن به عمل
 آید و سپس پلاک دیگری صرفاً وثیقه همان دین قرارداد شده بدون تغییر در مفاد سند،
 چون حق الثبت مبلغ مندرج در سند قبلاً وصول گردیده، لذا مشمول ماده ۱۲۳ قانون ثبت
 نبوده و دریافت حق الثبت جدید موردی ندارد.

۴- درخصوص سؤال دفترخانه ۹۸ ترکمان چای تحت شماره ۱۸۸ - ۸۰/۵/۹
 مبنی بر اینکه (در تنظیم سند قطعی یا وکالت خودرو اگر خریدار یا وکیل تعهد پرداخت
 جریمه‌های احتمالی را بنماید دفترخانه می‌تواند بدون اخذ گواهی عدم خلاف سند را
 تنظیم کند یا خیر؟) بشرح آتی اظهار نظر گردید:

قبل از تنظیم سند قطعی یا وکالت خودرو سردفتر تنظیم کننده سند مکلف به اخذ
 گواهی عدم خلاف وسیله نقلیه مورد انتقال می‌باشد.

اشاره

یکی دیگر از اقدامات مفید هیأت مدیره کانون، تحت پوشش بیمه مسؤولیت‌های مدنی قراردادادن سران دفاتر اسناد رسمی درخصوص مشکلات حرفه‌ای آنها است که پس از بررسی و تبادل نظرهای بسیار و به منظور ارائه خدمتی ماندگار به سران محترم دفاتر اسناد رسمی در سراسر کشور صورت گرفته که رضایت همکاران را نیز در پی خواهد داشت. به همین دلیل و به منظور اطلاع دقیق تمامی همکاران مشمول، متن قرارداد منعقد شده بین کانون و شرکت بیمه ایران عیناً درج می‌گردد:

مسؤولیت‌های مدنی سردفتران تحت پوشش بیمه‌ای قرار می‌گیرد

تاریخ: ۱۳۸۱/۲/۲۹

باسمه تعالی

شماره: ۲۶۶/۳۳۱

توافق نامه

نظر به اینکه مقرر است مسؤولیت‌های مدنی سردفتران اسناد رسمی از طریق کانون سردفتران و دفترياران تحت پوشش بیمه‌ای قرار گیرد، این توافقنامه بین شرکت سهامی بیمه ایران که از این پس بیمه‌گر نامیده می‌شود و کانون سردفتران و دفترياران با امضاء آقای دکتر محمد شیخ رئیس رئیس هیأت مدیره به نمایندگی از طرف بیمه‌گذاران (سردفتران اسناد رسمی) که از این پس کانون نامیده می‌شود به واسطه نمایندگی آقای کاکاوند (کد ۷۳۷۷) به شرح ذیل مورد توافق قرار گرفت:

۱) شرایط

۱-۱ موضوع مورد بیمه

بیمه مسؤولیت مدنی سردفتران اسناد رسمی در قبال ارباب رجوع بدین معنی که چنانچه اشتباه و قصور حرفه‌ای غیر عمد سردفتر در انجام وظایف سردفتری خسارت مالی به ارباب رجوع و اشخاص ثالث وارد آورد و سردفتر مسؤول جبران آن شناخته شود بیمه‌گر

طبق نظریه اکثریت اعضاء هیأتی مرکب از دو نفر عضو هیأت مدیره کانون به انتخاب کانون و یک نفر نماینده بیمه گر نسبت به جبران خسارت اقدام نماید.

تبصره: چنانچه سردفتری که تحت پوشش بیمه مسؤولیت مدنی قرار گرفته، در مرخصی، معذوریت و انفصال باشد و در این مدت وظایف سردفتری او قانوناً به دفتریار محول گردد، بیمه گر مسؤول جبران خسارت ناشی از اموری که دفتریار به عنوان کفیل سردفتر انجام می دهد نیز مطابق شرایط این قرارداد می باشد.

۲- ۱ جبران خسارات

بیمه گر تا حدود تعهدات بیمه ای ذیل نسبت به جبران خسارت اقدام خواهد نمود:

- خسارت مالی در هر مورد ادعای حقوقی (۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال)

- خسارات مالی در طول مدت بیمه نامه (یک سال) (۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال)

۳- ۱ فرانشیز

معادل ۱۰٪ هر خسارت است که هنگام پرداخت توسط بیمه گر کسر و مابقی آن پرداخت خواهد شد.

۴- ۱- مدت بیمه نامه

یکسال از تاریخ صدور بیمه نامه می باشد. بدیهی است بیمه گر در قبال انجام وظایف سردفتری به شرح فوق در طول مدت اعتبار بیمه نامه متعهد خواهد بود و کلیه سندهای صادر شده و انجام امور سردفتری در مدت اعتبار بیمه نامه به مدت ۵ سال پس از انقضاء بیمه نامه دارای پوشش بیمه می باشند تمدید یا عدم تمدید بیمه نامه تأثیری در مدت اسناد بیمه شده نخواهد داشت.

۵- ۱- حق بیمه

به ازای هر سردفتر (۴۰۰/۰۰۰ ریال)

تبصره: چنانچه سردفتری در طول مدت قرارداد، فوت، بازنشسته، منفصل دائم یا سلب صلاحیت شود به نسبت مدت باقیمانده حق بیمه تا پایان قرارداد وجه آن توسط بیمه گر به کانون مسترد خواهد شد.

۲ - تعهدات بیمه‌گذار (کانون)

۱ - ۲ - کانون مؤظف است لیست مشخصات و نشانی کلیه سردفتران مشمول این توافق نامه را که حدود ۲۰۰۰ نفر می‌باشند به انضمام لیست اسامی دفتریاران مربوطه به بیمه‌گر تحویل نماید.

۲ - ۲ - نصف از حق بیمه متعلقه نقداً و همزمان با ارائه مشخصات فوق در وجه بیمه‌گر پرداخت خواهد گردید و نصف دیگر آن، ۵ ماه پس از تنظیم قرارداد.

۳ - ۲ - کانون، همکاریهای لازم را جهت اجرای بهتر طرح بیمه مورد توافق با بیمه‌گر خواهد نمود.

۳ - تعهدات بیمه‌گر

۱ - ۳ - بیمه‌گر مؤظف است پس از دریافت لیست مشخصات و نصف حق بیمه سردفتران، نسبت به صدور بیمه نامه و تحویل آن به کانون اقدام نماید.

۲ - ۳ - بیمه‌گر متعهد است مطابق شرایط بیمه نامه نسبت به انجام تعهدات در قبال افراد بیمه شده و پرداخت خسارت به خسارت دیدگان اقدام نماید.

۳ - ۳ - در صورتی که بیمه‌گر در پایان مدت بیمه نامه‌ها و برای مجموع بیمه نامه‌های صادره موضوع این توافقنامه سود تحصیل نماید معادل ۳۰٪ از سود متعلقه به عنوان تخفیف عدم خسارت برای دوره بیمه‌های بعدی منظور خواهد شد و چنانچه کانون از تمدید قرارداد منصرف شود، تخفیف مذکور باید نقداً توسط بیمه‌گر به کانون پرداخت شود. بیمه‌گر مکلف است پس از پرداخت هر خسارت کلیه مستندات پرداخت را همراه تصویر چک پرداختی به کانون تحویل نماید. بدیهی است ملاک تعیین مبلغ سود، خسارتهایی است که بیمه‌گر تا پایان مدت قرارداد پرداخته و مدارک آن را به کانون تحویل نموده، منهای مبلغی که بابت قرارداد دریافت نموده است.

بیمه‌گر

بیمه‌گذار

شرکت سهامی بیمه ایران

(به نمایندگی از طرف سردفتران اسناد رسمی)

تهوی دلیلی

کانون سردفتران و دفتریاران

تاریخ: ۱۳۸۱/۲/۲۹

شماره: ۲۶۶/۳۳۱

الحاقی شماره ۱

بین کانون سردفتران و دفتریاران و شرکت سهامی بیمه ایران، این توافقنامه الحاقی جهت قرارداد شماره ۲۶۶/۳۳۱ درخصوص بندهای ۴ - ۱ و ۱ - ۳ تنظیم گردید.

بدین وسیله موارد ذیل تأیید و گواهی می‌گردد:

۱ - صدور بیمه نامه در تاریخ ۸۱/۳/۱ با دریافت اولین قسط حق بیمه برای کلیه سردفتران اسناد رسمی و دفتریاران کفیل امور سردفتری و به تعداد حدود ۲۰۰۰ سردفتر و دفتریار کفیل به عمل خواهد آمد و شروع مدت قرارداد بیمه نیز از همان تاریخ (۸۱/۳/۱) خواهد بود و در صورتی که تعداد سردفتران و دفتریاران کفیل سراسر کشور نسبت به تعداد فوق تغییر یابد، حق بیمه تعداد تغییر یافته در پرداخت قسط بعدی محاسبه و تصفیه خواهد شد.

۲ - لیست مشخصات سردفتران و دفتریاران در اسرع وقت توسط کانون تهیه و به بیمه گر تحویل خواهد شد.

۳ - دفاتر اسناد رسمی تازه تأسیس به نسبت مدت، مشمول حق بیمه خواهند شد. سایر شروط و مقررات به قوت قبلی خود باقیست.

تاریخ شروع ۸۱/۳/۱ تاریخ انقضاء: ۸۲/۳/۱

شرکت سهامی بیمه ایران

به تاریخ ۸۱/۲/۳۱

تهوی دلیلی

افرادی بزرگ برای کارهایی بس بزرگتر

روز دوشنبه ۱۳۸۱/۳/۱۳ کارهای اداری به روال معمول در جریان بود که زنگ تلفن به صدا درآمد. خبر ناگوار بود. به دنبال آن فضای سرد و اندوهگین حاکم بر سازمان ثبت اسناد و املاک هر بی خبری را کنجکاو می‌کرد. از نجوهای بین کارکنان خبر درگذشت سردفتر اسناد رسمی و مدیر کل سابق املاک^۱ شنیده می‌شد.

چند ساعت بعد جو ملتهب اولیه به جلسه بحث و گفتگوی داغ، پیرامون موضوع مبدل گردید. مدیری توانمند و سلامت. هیچ آلودگی نداشت با همتی بلند بین داوطلبان واجد شرایط سردفتری توفیق یافت و دفترخانه را با مشکلات دایر کرد. در این موقعیت مناسب بدون سابقه بیماری، سکت قلبی چگونه قابل توجیه است؟

یکی از حاضرین جواب داد از تأثیر فشار عصبی بر سکت‌های قلبی غافل نباشید. استرس عکس العمل فرد در مقابل موقعیتهای تهدیدکننده در محیط تعریف شده امروز فشار عصبی به عنوان بیماری قرن معرفی گردیده که عوارض روانی و جسمانی دارد موجب سردرد، افزایش ضربان قلب و فشار خون، زخم معده، اختلالات گوارشی، سکت

۱. روانشاد ناصر عبدالملکی.

قلبی، افسردگی، دلشوره و اضطراب می‌گردد.

دیگری سخنان گوینده را قطع کرد و گفت این علت منطقی نیست، آن مرحوم بحرانها و فشارهای سخت اشتغال و مدیریت وسیع ثبت اسناد را به خوبی تحمل کرده و نیرومند و توانا به ساحل آرام و دلپذیر سردفتری لنگر انداخت.

در این اثنا یکی از مدیران با لحنی مطمئن جلسه را تحت الشعاع قرارداد و اظهار داشت در قضاوت تندروی نکنید. باید جانب انصاف رعایت گردد.

ناراحتیهای روحی-روانی و هراس از پیامد اقدامات امور دفترخانه کمتر از امور ثبتی نیست. نوع وظایف در اداره ثبت و دفترخانه به هم آمیخته و مسؤولیتها مشابه است. ما قبول ثبت می‌کنیم، دفاتر استعلام می‌کنند و دفاتر سند ثبت می‌کنند، ما سند صادر می‌کنیم. با هم مؤاخذه می‌شویم و با هم پاسخ می‌دهیم و با هم مالکیت و معاملات را اعتبار می‌دهیم. از اختلافات جلوگیری می‌کنیم.

در هر دو مؤسسه فشار روانی ناشی از انجام کار، صعوبت خدمت را دو چندان کرده است. تابلو اعلانات کانون سردفتران و دفتریاران مانند تابلو ثبت کمتر زمانی است که آگهی فوت بر اثر سکت قلبی را اعلام ندارد.

چندی پیش سردفتری استعفای خود را به من تسلیم داشت. افسرده و غمگین به نظر می‌رسید. علت را جويا شدم، پاسخ داد مبتلا به بیماری عصبی است. حسب دستور پزشک چنین اقدامی می‌کند. می‌گفت آرام و قرار ندارد. هر آن منتظر دعوتنامه مراجع قضایی و بازرسی می‌باشد. چندی قبل غرامت عدم دقت یکی از کارمندان را بر انجام ملک بازداشتی پرداخته است. بهای ملک بالا می‌رود، بعضاً فروشنده‌ها سردفتر را مقصر می‌دانند. هر اشتباهی روزه‌ای است تا بتوانند سند انتقال را ابطال نمایند حتی به بهای تعقیب سردفتر.

تمام مسؤولیتها، از احراز هویت و وصول حقوق دولتی تا گواهیهای مراجع مختلف، صحت تحریر سند و دفتر به عهده سردفتر است. علاوه بر آن مسؤولیت تأمین هزینه محل، دستمزد کارکنان، بیمه، سهم کانون، آب، برق و مالیات با اوست، حتی در اوقات

فراغت مسؤول حفظ دفاتر و مدارک می‌باشد. ادامه داد: چندی پیش در مجلس عروسی یکی از نزدیکانش بحث جعل سند دفترخانه‌ای مطرح شد. ناخودآگاه در او اثر گذاشت به طوری که همه متوجه تشویش او شده بودند. می‌گفت کابوس شبانه خواب آرام را از من گرفته است. در پشت ظاهر فریبنده سردفتری، دیو و وحشت مسؤولیت با چنگال خود، فرد را از درون می‌خراشد.

ساعت اداری خاتمه یافت و کارکنان کم کم جلسه را ترک می‌کردند. آنچه از گفتگوهای بین اعضا می‌توان نتیجه گرفت آن بود که:

امور سردفتری غیر از تحصیلات دانشگاهی مطلوب قبل از اشتغال، نیاز به تجربه و مهارت شغلی دارد و سردفتران دانشمند و موثق که مفهوم واقعی ثبت اسناد و اعتماد مردم را درک کرده‌اند طبیعی است برای حفظ این امانتداری ایثار می‌کنند و مخاطره فشار ناشی از مسؤولیت شغلی را می‌پذیرند. افرادی بزرگ برای کاری بس بزرگتر انتخاب می‌شوند تا جامعه بی‌دغدغه در رونق اقتصادی تلاش نماید همچنان که در طول تاریخ این چنین عمل کرده‌اند.

آن مرحوم نیز ضربات فشارهای ممتد اشتغال در حوزه ثبتی را تحمل کرد ولی ضربه نهایی بر اثر مسؤولیت سردفتری کار ساز بود.

خدایش بیامرزد و به پاس خدمات و پذیرش اضطراب به منظور آرامش مالکین و اصحاب معاملات برای ثبت املاک و اسناد در این دنیا روح آن روان شاد را به عالی درجات ارتقا دهد و برای خانواده شریف آن مرحوم اجر و صبر عنایت فرماید.

محمود تھکریان

معاون املاک سازمان ثبت اسناد و املاک کشور

نیازمندیهای دفاتر اسناد رسمی

نظر به تلاش و مساعدت مجله در اعلام نیازمندیهای دفاتر، از این پس دفاتر اسناد رسمی و ازدواج و طلاق سراسر کشور می‌توانند نیازمندیهای اداری - شغلی خود را اعم از نیروی انسانی و غیره از طریق مکاتبه رسمی برای دفتر مجله ارسال دارند تا به نام و مشخصات ایشان به صورت بلاعوض در شماره‌های مجله چاپ و به اطلاع سایر همکاران رسانیده شود.

تسلیت

با کمال تأسف اطلاع یافتیم همکار محترم، سردفتر اسناد رسمی ۶۲۵ تهران و مدیر کل سابق امور املاک و سرپرست معاونت امور املاک سازمان ثبت اسناد و املاک کشور جناب آقای ناصر عبدالملکی به دیار باقی شتافته‌اند. مصیبت وارده را به کلیه همکاران و خانواده محترم آن مرحوم تسلیت گفته، رحمت و مغفرت بیکران الهی برای آن مرحوم مسئلت می‌نماییم.

کتابخانه کانون تجهیز و آماده‌بازگشایی می‌شود

از میان اقدامات مفید و ماندگار هیأت مدیره کانون، برنامه‌ریزی برای بازگشایی کتابخانه کانون است که به خواست خداوند و با یاری همکاران ارجمند در سراسر کشور و به منظور بهره‌وری از گنجینه‌ای حاوی کتابهایی نفیس و ارزشمند در حال تجهیز و آماده استفاده همکاران علاقه‌مند می‌شود.

بدیهی است ثمر بخشی بیشتر این گونه اقدامات که با انگیزه‌ای مقدس آغاز شده، نیازمند توجه همگی اهل مطالعه است. هدیه حتی یک جلد کتاب از جانب شما ما را از نعمت کتابخانه‌ای مجهز و معتبر برخوردار خواهد ساخت. چرا که رونق هر کتابخانه‌ای، مایه فخر و اعتبار بیشتر محیط و فضای اطراف خود خواهد بود. به همین دلیل پیشاپیش دست پر مهرتان را می‌فشاریم.

مجله کانون

دعوت به همکاری

مجله کانون ضمن فراخوان سردفتران، دفتریاران، پژوهشگران، حقوقدانان، صاحب‌نظران و اهل قلم به همکاری، رعایت نکات زیر را در مقالات ارسالی توصیه می‌کند:

۱. مقالات روی یک طرف کاغذ و با خط خوانا و رعایت فاصله مناسب میان سطرها نوشته و در صورت امکان از ماشین تایپ استفاده شود.
۲. محور اصلی مطالب قابل درج در مجله مسائل حقوقی عموماً و به طور اخص حقوق ثبت اسناد و املاک و امور دفاتر اسناد رسمی است. از این رو مقالات ارسالی باید به نحوی با موضوعات مذکور پیوند داشته باشد.
۳. مقالات ارسالی نباید در نشریات دیگر چاپ شده باشد.
۴. در صورتی که مطلب ارسالی ترجمه باشد، ضروری است که به طور کامل متن نیز همراه ترجمه ارسال شود.
۵. مقالات و ترجمه‌ها - هر چند هم مفصل باشد - باید به طور کامل و یکجا ارسال گردد. مجله از انتشار مطالب مفصلی که به تمامی و یک جا ارسال نشود معذور است.
۶. در تحریر و تدوین مقالات جنبه تحقیق و تحلیل و نیز شیوه‌های کتابت علمی و تذکر مآخذ و منابع - به شیوه معمول تحقیقاتی - رعایت شود، و توصیه می‌شود که با مطلب نام و مشخصات و آدرس نویسنده نیز همراه شود.

نمایندگیهای فروش در سراسر کشور

تهران

انتشارات آریان - خیابان انقلاب - اول خیابان اردیبهشت
انتشارات آگاه - خیابان انقلاب - مقابل دانشگاه تهران
انتشارات بهنامی - خیابان انقلاب - اول خیابان اردیبهشت
انتشارات خورشید - خیابان باب همایون - خیابان صوراسرافیل
انتشارات کتابخانه گنج دانش (۱) - خیابان انقلاب
انتشارات کتابخانه گنج دانش (۲) - خیابان باب همایون
انتشارات مجد - خیابان انقلاب - خیابان ۱۲ فروردین
کتابفروشی دانشکده علوم قضایی - خیابان خارک

* * *

شهرستانها

ارومیه - کتابفروشی انزلی - خیابان امام
اصفهان - انتشارات ثقفی - خیابان سپه
اهواز - کتابفروشی رشد - خیابان حافظ
بابل - کتاب واژه - خیابان شریعتی - مقابل دانشکده فنی
تبریز - کتابفروشی علامه - خیابان امام - فلکه دانشگاه
رشت - کتابفروشی مژده - خیابان امام
شیراز - نمایشگاه و انتشارات محمدی - ابتدای خیابان ملاصدرا
مراغه - خیابان شهید بهشتی - پاساژ صادقی - مؤسسه فرهنگی اشراق

«برگه درخواست اشتراک ماهنامه کانون»

خواهشمند است تعداد..... شماره مجله کانون را برای اینجانب.....
به نشانی.....
کد پستی..... ارسال فرمایید. هزینه اشتراک طی فیش
شماره..... به مبلغ..... که اصل آن پیوست می باشد، واریز شده
است.
تلفن تماس.....

۱. هزینه اشتراک ۶ شماره ۳۶۰۰۰ ریال و ۱۲ شماره ۷۲۰۰۰ ریال است.
۲. هزینه اشتراک را به حساب ۳۴۳۴ بانک ملی شعبه میرزای شیرازی به نام مجله کانون واریز فرمایید.
۳. فرم اشتراک تکمیل شده را همراه با اصل فیش واریزی به صندوق پستی ۱۱۵۱ - ۱۴۳۳۵ ارسال فرمایید.
۴. کپی فیش واریزی را تا پایان دوره اشتراک نزد خود نگه دارید.
۵. در صورت تغییر نشانی در اسرع وقت مجله را مطلع فرمایید.

